

# منتخب احكام

(گزیده‌ای از مسائل شرعی مورد نیاز)

مطابق با فتاوی

حضرت آية الله العظمى حاج شيخ حسين وحيد خراسانى مدّ ظلّه العالی

شناسنامه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## تذکر

متن کتاب مطابق است با فتاوی حضرت  
آیة الله العظمی وحید خراسانی مدّ ظلّه،  
لکن برای سهولت در فراگیری و درک  
بهتر مسائل، توضیحاتی در خلال متن و  
در پاورقی آمده است که توسط بعضی از  
فضلای دفتر معظّم له تنظیم شده است.  
هدف از این کتاب آشنایی با مسائل مورد  
ابتلاء است؛ و در انجام مستحبات و ترک  
مکروهاتی که در این کتاب ذکر شده  
قصد رجاء شود.





# فهرست مطالب



## صفحه

## عنوان

صفحه	عنوان
۲۳	مقدمه
۲۳	آثار شگفت تعالیم و پرورش های آسمانی اسلام.....
۲۳	سیمای بندگان خداوند رحمان در قرآن.....
۲۳	در معاشرت با دیگران.....
۲۴	شبانگاه بندگان الهی.....
۲۴	دعای آنان.....
۲۴	میانه روی در بخشش اموال.....
۲۵	پاکی بندگان خدای رحمان.....
۲۵	طائران بلند پروازند.....
۲۵	چشمان حق بین و گوش های حق شنو.....
۲۶	نشانه های مؤمن کامل.....
۲۶	چند دستور از حضرت امام صادق <small>علیه السلام</small> برای راهیان راه حق.....
۲۹	دو نکته:.....
۲۹	(اول) تعبد و سر سپردن به دین.....
۳۰	(دوم) لزوم تقلید از علمای دین.....



### تقلید

۳۱

- ۳۲..... سن تقلید.....
- ۳۲..... سن بلوغ.....
- ۳۳..... وظیفه‌ی مقلد پس از فوت مرجع تقلید.....
- ۳۴..... اشتباه گفتن مسأله.....
- ۳۴..... حکم اعمال کسی که تقلید نمی‌کرده.....
- ۳۵..... عدم لزوم تبعیت زن از شوهر در تقلید.....
- ۳۵..... اختلاف در تقلید.....

### نجاسات و مطهرات

۳۷

- ۳۷..... آب کُر.....
- ۳۹..... حکم ادرار و مدفوع حیوانات.....
- ۴۰..... فضله‌ی موش.....
- ۴۰..... جوش آمدن کشمش.....
- ۴۱..... غذای نجس.....
- ۴۱..... اگر بچه بگوید چیزی نجس است.....
- ۴۲..... ادرار پسر شیرخوار.....
- ۴۲..... ماشین لباسشویی.....
- ۴۳..... خون در تخم مرغ.....
- ۴۳..... خون مردگی.....
- ۴۴..... یهودی و مسیحی.....
- ۴۴..... الکل صنعتی.....
- ۴۴..... باقی ماندن رنگ نجاست.....
- ۴۵..... برطرف شدن عین نجاست.....



۴۵.....	داروها و مواد وارد شده از کشورهای غیر اسلامی.....
۴۶.....	چرم‌های خارجی.....

## ۴۷

### وضو

۴۷.....	مسح بر موهای سر.....
۴۷.....	وضو گرفتن قبل از وقت.....
۴۸.....	مانع بودن لاک برای وضو.....
۴۸.....	مانع بودن لاک ناخن پا.....
۴۸.....	ناخن بلند.....
۴۹.....	کاشت ناخن.....
۴۹.....	تاتو.....
۵۰.....	وضوی جبیره.....
۵۲.....	تیمم جبیره‌ای.....
۵۲.....	سه نکته:.....

## ۵۳

### غسل

۵۳.....	غسل جنابت.....
۵۳.....	حکم غسل جنابت.....
۵۴.....	خروج ترشح از زنان.....
۵۴.....	شستن موهای بلند.....
۵۴.....	غسل جنابت در حال حیض.....
۵۵.....	شستن سوراخ جای گوشواره.....
۵۵.....	غسل جمعه برای جنب و حائض.....
۵۶.....	کفایت غسل از غسل.....
۵۶.....	کفایت غسل از وضو.....



۵۷.....	اقسام استحاضه.....
۵۷.....	احکام مستحاضه ی قلیله.....
۵۷.....	احکام مستحاضه ی متوسطه.....
۵۸.....	احکام مستحاضه ی کثیره.....
۵۸.....	زمان انجام غسل استحاضه.....
۵۹.....	نماز قضای مستحاضه.....
۵۹.....	حیض.....
۶۰.....	زن آبستن.....
۶۰.....	استمرار خون.....
۶۰.....	شروع حیض.....
۶۱.....	محاسبه ی سه روز.....
۶۲.....	قرآن خواندن.....
۶۲.....	نفاس.....
۶۲.....	خون سقط جنین.....
۶۳.....	حد نفاس.....
۶۳.....	غسل مس میت.....
۶۴.....	محتضر.....
۶۴.....	احکام بعد از مرگ.....
۶۴.....	احکام غسل و کفن و نماز و دفن میت.....
۶۵.....	اجازه از ولیّ میت.....
۶۵.....	کیفیت غسل میت.....
۶۶.....	مقدار سدر و کافور.....
۶۶.....	شرایط غسل.....



۶۷.....	کفن میت.....
۶۷.....	اندازه‌ی کفن.....
۶۷.....	ضخامت کفن.....
۶۸.....	احکام حنوط.....
۶۸.....	احکام نماز میت.....
۶۹.....	وقت خواندن نماز میت.....
۶۹.....	وضو و نماز میت.....
۷۰.....	دستور نماز میت.....
۷۰.....	احکام دفن.....
۷۱.....	غسل های مستحب.....
۷۳.....	دفن میت مسلمان در کشور غیر اسلامی.....

## ۷۵

### تیمم

۷۵.....	باطل شدن تیمم.....
۷۵.....	تیمم بدل از غسل به جای وضو.....
۷۶.....	وضو بعد از تیمم بدل از غسل.....

## ۷۷

### نماز

۸۰.....	وقت نماز مغرب و عشا.....
۸۱.....	اذان.....
۸۱.....	لباس شهرت و موهن.....
۸۲.....	مواردی که لازم نیست بدن و لباس نمازگزار پاک باشد.....
۸۲.....	آهسته و بلند خواندن.....
۸۳.....	سجده.....
۸۴.....	سجده بر کاغذ.....



- ۸۴.....بهترین چیز برای سجده.....
- ۸۵.....نماز در هواپیما و مانند آن.....
- ۸۸.....نماز خواندن زن باردار (با شخص ناتوان).....
- ۸۹.....شب و روز غیر متعارف.....
- ۹۰.....اوقات شرعی در کشورهای غیر اسلامی.....
- ۹۰.....ورود کافر به مسجد.....
- ۹۱.....شکایات.....
- ۹۳.....توضیح شک‌های باطل کننده.....
- ۹۳.....توضیح شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد.....
- ۹۴.....توضیح شک‌های صحیح.....
- ۹۵.....نماز احتیاط.....
- ۹۵.....سجده‌ی سهو.....
- ۹۶.....دستور سجده‌ی سهو.....
- ۹۶.....نماز مسافر.....
- ۹۶.....ملاک در مبدأ مسافرت شرعی.....
- ۹۷.....حکم بلاد کبیره (شهرهای بزرگ).....
- ۹۸.....حد ترخص.....
- ۹۸.....احکام کثیر السفر.....
- ۱۰۵.....اقسام وطن.....
- ۱۰۶.....فرق وطن اصلی با وطن اتخاذه.....
- ۱۰۶.....فرق وطن حکمی با وطن اتخاذه.....
- ۱۰۷.....عدم اعتبار وطن شرعی.....
- ۱۰۷.....وطن‌های متعدد.....



۱۰۷	تبعیت زن در وطن شوهر.....
۱۰۸	وطن آینده.....
۱۰۹	تبعیت فرزند در وطن فعلی پدر.....
۱۰۹	تبعیت فرزند در وطن قبلی پدر.....
۱۰۹	تبعیت فرزند در وطن مادر.....
۱۱۰	نماز فرزند در وطن جدید پدر و مادر.....
۱۱۰	اعراض از وطن و حکم آن.....
۱۱۱	احکام وطن حکمی.....
۱۱۲	قصد ماندن ده روز.....
۱۱۳	روش محاسبه ی ده روز.....
۱۱۴	مسیر رفت و برگشت.....
۱۱۴	قصد ده روز و ماندن بیشتر.....
۱۱۴	ماندن ده روز در دو محل.....
۱۱۵	احتمال مانع در بین ده روز.....
۱۱۵	رفتن به حد مسافت شرعی در بین ده روز.....
۱۱۶	رفتن به کمتر از مسافت شرعی در بین ده روز.....
۱۱۷	رفتن به کمتر از مسافت شرعی بعد از ده روز.....
۱۱۸	عوض شدن تصمیم.....
۱۱۹	قصد ده روز در بین نماز.....
۱۲۰	انصراف از ده روز، در حال روزه.....
۱۲۰	سی روز ماندن با تردید.....
۱۲۰	اقامت سی روزه در مکان واحد.....
۱۲۱	چهار مکان تخییر.....
۱۲۲	مکه ی مکرمه و مدینه ی منوره ی جدید.....



- ۱۲۲ ..... جاهل بودن به خصوصیات نماز مسافر.....
- ۱۲۲ ..... نماز و روزه‌ی افراد دانشجو، سرباز و مانند آن.....
- ۱۲۴ ..... نماز قضا.....
- ۱۲۴ ..... نماز قضای پدر.....
- ۱۲۵ ..... نماز جماعت.....
- ۱۲۵ ..... وظیفه‌ی امام و ماموم در نماز جماعت.....

## ۱۲۷

## روزه

- ۱۲۷ ..... وقت نیت روزه.....
- ۱۲۸ ..... کفاره‌ی روزه.....
- ۱۲۹ ..... روزه‌ی زن حامله.....
- ۱۳۰ ..... روزه‌ی زنی که به بچه شیر می‌دهد.....
- ۱۳۱ ..... فدیة‌ی تأخیر.....
- ۱۳۲ ..... کفاره‌ی روزه.....
- ۱۳۲ ..... کفاره‌ی جمع.....
- ۱۳۲ ..... کفاره‌ی باطل کردن روزه‌ی قضا.....
- ۱۳۳ ..... روزه‌ی قضا.....
- ۱۳۳ ..... روزه‌ی قضای پدر.....
- ۱۳۳ ..... فدیة‌ی تأخیر.....
- ۱۳۳ ..... وظیفه‌ی مریض.....
- ۱۳۴ ..... روزه گرفتن، در صورتی که پزشک نهی کند.....
- ۱۳۴ ..... خوف ضرر در موردی که پزشک می‌گوید ضرر ندارد.....
- ۱۳۴ ..... روزه گرفتن در صورت بیماری معده.....
- ۱۳۵ ..... روزه برای بیماران کلیوی.....





۱۳۵.....	تزریق آمپول و سرم در حال روزه.....
۱۳۵.....	استفاده از اسپری در حال روزه.....
۱۳۶.....	خونریزی لثه‌ی روزه دار.....
۱۳۶.....	روزه و مشاغل سخت.....
۱۳۷.....	روزه و اعتیاد به سیگار.....
۱۳۷.....	روزه‌ی بچه‌ی تازه بالغ.....
۱۳۸.....	شیاف در حال روزه.....
۱۳۸.....	کرم‌های واژینال در حال روزه.....
۱۳۸.....	روزه‌ی مسافر.....
۱۳۸.....	حکم مسافرت در ماه رمضان.....
۱۳۹.....	شب و روز غیرمتعارف.....
۱۴۰.....	ثابت شدن اول ماه.....

## ۱۴۱

## خمیس

۱۴۱.....	اهمیت خمیس.....
۱۴۲.....	وجوب خمیس.....
۱۴۳.....	فقر و خمیس.....
۱۴۳.....	قناعت کردن و خمیس.....
۱۴۳.....	شاغل بودن و خمیس.....
۱۴۴.....	بلوغ و خمیس.....
۱۴۴.....	عاقل و مجنون.....
۱۴۴.....	مسلمان و کافر.....
۱۴۵.....	مجرد و متأهل.....
۱۴۵.....	زن و مرد.....



- ۱۴۵ ..... زن و شوهر.....
- ۱۴۵ ..... سال خمسی.....
- ۱۴۶ ..... تحقق سال خمسی.....
- ۱۴۷ ..... منظور از حصول درآمد.....
- ۱۴۷ ..... سال شمسی یا قمری.....
- ۱۴۷ ..... تغییر سال خمسی.....
- ۱۴۸ ..... درآمدهای متفرقه و سال خمسی.....
- ۱۴۸ ..... سال خمسی کسی که فوت شده.....
- ۱۴۹ ..... موارد خمس.....
- ۱۴۹ ..... منفعت کسب.....
- ۱۵۰ ..... آنچه خمس ندارد.....
- ۱۵۰ ..... اقسام اموال.....
- ۱۵۱ ..... منظور از شأن.....
- ۱۵۱ ..... خرج کردن بیشتر از شأن.....
- ۱۵۱ ..... جهیزیه.....
- ۱۵۲ ..... پس انداز کردن برای جهیزیه.....
- ۱۵۳ ..... ذخیره ی پول برای خرید یا ساخت خانه.....
- ۱۵۳ ..... ذخیره ی پول برای مخارج عقد و عروسی.....
- ۱۵۴ ..... ذخیره ی پول برای تهیه ی سرمایه ی کار.....
- ۱۵۴ ..... پس انداز کردن داماد برای تهیه ی جهیزیه.....
- ۱۵۴ ..... ذخیره کردن برای خرید خودرو.....
- ۱۵۵ ..... پس انداز کردن برای تعمیر خانه.....
- ۱۵۵ ..... ذخیره ی پول برای سفر زیارتی.....



۱۵۵	پس انداز کردن برای تحصیل.....
۱۵۶	ذخیره کردن برای مخارج عزاداری.....
۱۵۶	استفاده از اموال دیگران.....
۱۵۶	استفاده از اموال شبهه ناک.....
۱۵۷	فیش حج.....
۱۵۷	فیش عمره.....
۱۵۷	سود فیش حج و عمره.....
۱۵۷	ثبت نام مشهد یا کربلا.....
۱۵۸	خمس و جمع آوری صدقه.....
۱۵۸	خمس طلبکاری.....
۱۵۸	معامله با مال خمس نداده.....
۱۵۹	کم شدن بدهکاری در محاسبه ی خمس.....
۱۶۱	کم شدن مال خمس داده شدم.....
۱۶۲	خمس رهن خانه.....
۱۶۲	رهن مغازه یا محل کار.....
۱۶۳	یک پنجم یا یک چهارم.....
۱۶۳	خمس قرض.....
۱۶۴	خمس وام.....
۱۶۴	پرداخت خمس از مالی دیگر.....

## ۱۶۵

## زکات

۱۶۶	مقدار زکات.....
۱۶۶	موارد مصرف زکات.....
۱۶۷	زکات فطره.....



- ۱۶۷ ..... زکات فطره‌ی میهمان
- ۱۶۸ ..... زکات طلا

### ۱۶۹ خرید و فروش

- ۱۶۹ ..... خرید و فروش عروسک
- ۱۷۰ ..... خرید و فروش مجسمه
- ۱۷۰ ..... خرید و فروش سگ
- ۱۷۰ ..... خرید و فروش خون
- ۱۷۱ ..... خرید و فروش نقاشی
- ۱۷۱ ..... خرید و فروش اسکناس (پول)
- ۱۷۲ ..... معامله با بچه‌ی نابالغ
- ۱۷۳ ..... معامله با مال بچه‌ی نابالغ
- ۱۷۳ ..... تصرف مادر یا برادر یا دیگران در مال صغیر (بچه‌ی نابالغ)
- ۱۷۳ ..... خرید و فروش مال وقفی
- ۱۷۴ ..... معامله‌ی نقد و اقساط
- ۱۷۴ ..... نقد کردن پول
- ۱۷۵ ..... مهلت دادن و گرفتن پول بیشتر
- ۱۷۵ ..... ندادن پول
- ۱۷۶ ..... فروش مال، قبل از تحویل گرفتن
- ۱۷۷ ..... تعویض طلا
- ۱۷۸ ..... طلای مردانه
- ۱۷۸ ..... تعویض طلای نساخته با طلای ساخته
- ۱۷۹ ..... اجاره‌ی طلا
- ۱۸۰ ..... شرایط شرط



۱۸۰.....	روش صحیح حق پشیمانی.....
۱۸۱.....	کم فروشی.....
۱۸۱.....	احتکار.....
۱۸۲.....	گران فروشی.....
۱۸۲.....	قسم خوردن.....

## ۱۸۳

### ربا

۱۸۳.....	ربا از دیدگاه قرآن کریم.....
۱۸۳.....	اقسام ربا.....
۱۸۴.....	۱- ربای در معامله.....
۱۸۸.....	۲- ربای در قرض.....
۱۹۰.....	فرق ربا در قرض و بیع.....

## ۱۹۱

### اجاره

۱۹۱.....	استفاده نکردن از مورد اجاره.....
۱۹۲.....	تلف یا خسارت مال.....
۱۹۳.....	اجاره دادن ملک به دیگری.....
۱۹۴.....	حد استفاده از مورد اجاره.....

## ۱۹۵

### مضاربه

۱۹۵.....	شرایط تعیین سود.....
۱۹۵.....	شرط در ضمن مضاربه.....
۱۹۶.....	روش محاسبه ی خسارت و سود.....
۱۹۶.....	مصالحه بر تقسیم سود.....

**شرکت**

۱۹۷

- ۱۹۷ ..... اقسام شرکت
- ۱۹۸ ..... عقد شرکت
- ۱۹۸ ..... شرکت در کار
- ۱۹۹ ..... حق استفاده از مال مشترک
- ۱۹۹ ..... تقسیم سود
- ۱۹۹ ..... شرکت، عقد لازم یا جایز؟
- ۲۰۰ ..... شرط به هم نزدن شرکت

**قرض**

۲۰۱

- ۲۰۱ ..... پس دادن قرض
- ۲۰۱ ..... پیدا نشدن طلبکار
- ۲۰۱ ..... فوت کردن طلبکار
- ۲۰۲ ..... فوت کردن بدهکار
- ۲۰۲ ..... کم شدن ارزش طلب
- ۲۰۲ ..... پس دادن جنس دیگر
- ۲۰۲ ..... قرض ربوی

**هبه (بخشش)**

۲۰۳

- ۲۰۳ ..... پس گرفتن هبه

**ضمان**

۲۰۵

- ۲۰۵ ..... ضمانت باطل
- ۲۰۶ ..... ضمانت قبل از بدهی



### مسائل بانکی

۲۰۷

- ۲۰۷.....سود بانکی
- ۲۰۸.....اوراق مشارکت
- ۲۰۸.....جوایز بانکی
- ۲۰۹.....وام های بانکی
- ۲۱۰.....کار کردن در بانک
- ۲۱۱.....جریمه ی دیرکرد
- ۲۱۱.....نقد کردن چک مدت دار
- ۲۱۲.....راهکارهایی برای رهایی از ربا

### ازدواج

۲۱۳

- ۲۱۳.....اجازه ی پدر
- ۲۱۴.....ازدواج بدون اجازه
- ۲۱۴.....دختری که پدر یا جد پدری ندارد
- ۲۱۵.....ازدواج با مرد سنی
- ۲۱۵.....دختری که باکره نیست
- ۲۱۵.....وظایف زن
- ۲۱۶.....کارهای منزل
- ۲۱۶.....ازدواج در زمان عده
- ۲۱۶.....زنا در زمان عده
- ۲۱۷.....زنای زن شوهردار و حرمت ابدی
- ۲۱۷.....ازدواج با زن شوهردار
- ۲۱۷.....شرایط در ضمن عقد
- ۲۱۸.....نفقه



۲۱۹	.....	حجاب در مقابل خواستگار
۲۱۹	.....	آرایش در مقابل خواستگار
۲۱۹	.....	پوشاندن پاها
۲۲۰	.....	حجاب در مقابل محارم
۲۲۰	.....	محارم
۲۲۲	.....	احکام شیر دادن
۲۲۳	.....	شیر دادن ممنوع
۲۲۴	.....	ازدواج با غیر مسلمان
۲۲۴	.....	اجرای صیغه ی طلاق توسط غیر شیعه

## طلاق

۲۲۵

۲۲۵	.....	طلاق خلع
۲۲۶	.....	طلاق مبارات
۲۲۶	.....	مقدار بذل
۲۲۶	.....	رجوع زن به آنچه بذل کرده
۲۲۶	.....	اعلام رجوع به شوهر
۲۲۷	.....	شروع زمان عده ی طلاق
۲۲۷	.....	عده ی عقد موقت
۲۲۸	.....	عده ی وفات

## خوردنی ها و آشامیدنی ها

۲۲۹

۲۲۹	.....	قسم اول: حیوانات دریایی
۲۳۰	.....	قسم دوم: چهارپایان
۲۳۱	.....	قسم سوم: پرندگان





- ۲۳۲ ..... قسم چهارم: چیزهای جامد
- ۲۳۲ ..... قسم پنجم: چیزهای مایع
- ۲۳۲ ..... رفتن به رستوران کفار

### ۲۳۷

#### نذر و قسم

- ۲۳۷ ..... نذر زن بدون اذن شوهر
- ۲۳۷ ..... قسم

### ۲۳۹

#### ارث

- ۲۳۹ ..... سهم زوجه
- ۲۳۹ ..... ارث زوجه از زمین
- ۲۴۰ ..... ارث زوجه از ساختمان و درخت

### ۲۴۱

#### دیات

- ۲۴۱ ..... دیه‌ی زن نصف دیه‌ی مرد
- ۲۴۱ ..... دیه‌ی سقط جنین

### ۲۴۳

#### مسائل پزشکی

- ۲۴۳ ..... اهدای عضو
- ۲۴۳ ..... وارد کردن تخمک
- ۲۴۴ ..... وارد کردن اسپرم غیر شوهر
- ۲۴۴ ..... رحم اجاره‌ای
- ۲۴۴ ..... عقیم کردن
- ۲۴۴ ..... کسی که نمی‌تواند از خروج بول و غائط جلوگیری کند



### مسائل متفرقه

۲۴۷

شرکت در دسته‌ی عزاداری..... ۲۴۷

گشایش در امر ازدواج..... ۲۴۷

حکم رقص..... ۲۴۸

عطر برای بانوان..... ۲۴۸

مجالس عروسی..... ۲۴۸

اشتغال زنان..... ۲۴۹

رانندگی بانوان..... ۲۴۹

رفتن به خانه‌ی یتیم..... ۲۴۹

کپی رایت..... ۲۵۰

بازاریابی شبکه‌ای..... ۲۵۰

شرط سود دیرکرد..... ۲۵۰

معلوم نکردن مدت اجاره..... ۲۵۱

وکالت به همسر..... ۲۵۱

صرف وام در غیر موردش..... ۲۵۲

وام با کارمزد..... ۲۵۲

صندوق‌های خانگی..... ۲۵۳

خالکوبی..... ۲۵۳

حق المارّه..... ۲۵۴



# مقدمه



## آثار شگفت تعالیم و پرورش‌های آسمانی اسلام

هر یک از آیات قرآن کریم یا روایات و آثار اهل بیت علیهم‌السلام تأثیر معجزه‌آسایی بر روی آموزه‌ها و رفتارهای انسان دارد. اما در این نوشته‌ی کوتاه به نمونه‌ای از آنها در آیاتی از سوره‌ی فرقان و بعضی روایات اشاره می‌کنیم.

## سیمای بندگان خداوند رحمان در قرآن

بندگی و سرسپردن به دستورات خداوندی که گستره‌ی رحمت او همه چیز را گرفته چنان در بندگان او اثر می‌کند که این رحمت در حرکات و سکنات و رفتار و گفتار آنان در شب و روز نمایان می‌شود. مثلاً راه رفتن آنها چون متأثر از رحمت خداست نه به سختی است و نه به تکبر و فخر، بلکه ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾<sup>۱</sup> «به سهولت و نرمی بر زمین راه می‌روند».

## در معاشرت با دیگران

دل‌های آنان چنان به رحمت الهی نرم و ذلیل شده که در برابر خداوند، ذلیل و در برابر آفریدگان او متواضع و فروتن گشته‌اند به طوری که نه تنها آزار آنان به بندگان

---

۱. سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۶۳.

نمی‌رسد بلکه بر اذیت دیگران صبر می‌کنند و حلم و بردباری به خرج می‌دهند. و برای کسانی که با زبان، آنها را می‌آزارند آرزوی سلامت از جهالت می‌کنند ﴿وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾<sup>۱</sup> و از رفتارشان در مقابل جاهلان، معلوم می‌شود که با دانایان و عاقلان چگونه رفتار می‌کنند.

### شبانگاه بندگان الهی

شبانگاه، تفکر در آثار عظمت الهی و مطالعه‌ی آیات علم و قدرت و حکمت او، آنان را به قیام و به خاک افتادن در برابر آن عظمت بی‌انتها می‌کشانند. ﴿وَالَّذِينَ يَبْتُغُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَ قِيَامًا﴾<sup>۲</sup>.

### دعای آنان

از منحرف شدن از مدار دین و آیین حق تعالی بر خود هراسانند؛ که انحراف از این صراط مستقیم الهی به آتش سوزاننده‌ی جهنم می‌انجامد. از این رو، دعا می‌کنند ﴿رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا﴾<sup>۳</sup> «پروردگارا! عذاب جهنم را از ما برطرف گردان که عذاب آن سنگین و با دوام است».

### میانه روی در بخشش اموال

در مورد اموال خویش - که چنانچه خون در بدن مایه‌ی حیات جامعه است - به تعادل رفتار می‌کنند. نه چنان بخل می‌ورزند که مبتلا به تراکم بی‌جهت اموال در یک جا شود (مانند فشار خون در بدن) و نه آن‌گونه بی‌پروا بذل مال می‌کنند که خود و زنان

۱. سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۶۳.

۲. سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۶۴.

۳. سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۶۵.

و فرزندانشان به فقر و گدایی افتند (مانند کم خونی در بدن). هم به خویش می‌رسند و هم دیگران را از برکات اموال خود بهره‌مند می‌سازند. ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا و لَمْ يَقْتَرُوا و كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾<sup>۱</sup>.

### پاکی بندگان خدای رحمان

دل و زبان از فکر و ذکر غیر خداوند تهی ساخته‌اند و دستانشان به خون ناحق آلوده نمی‌شود و دامانشان به تجاوز و تعدی به حرام الهی و زنا آلوده نمی‌گردد. یعنی عقاید آنان پاک و زبان و دست و دامانشان پاکیزه است زیرا بنده‌ی خدایند. ﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ و لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ و لَا يَزْنُونَ﴾<sup>۲</sup>.

### طائران بلند پروازند

از دروغ و باطل (و مجلس ساز و آواز) بر کنارند و لغو و گفتار بیهوده را می‌گذارند که کرامت و بزرگواری آنها اجازه نمی‌دهد دامن به بیهودگی و عبث آلوده کنند. ﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّور و إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾<sup>۳</sup>.

### چشمان حق‌بین و گوش‌های حق‌شنو

چون همه‌ی وجودشان بندگی حق و سرسپردگی رحمان است، در هنگام تذکر و یادآوری آیات پروردگارشان کور و کر نیستند. ﴿وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا و عُمِيَانًا﴾<sup>۴</sup>.

۱. سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۶۷.

۲. سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۶۸.

۳. سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۷۲.

۴. سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۷۳.



## نشانه‌های مؤمن کامل

بزرگ معلم بشریت، حضرت ختمی مرتبت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای مؤمنی که می‌خواهد در مکتب وحی الهی و آموزه‌های اسلامی به تکامل برسد ویژگی‌هایی را بیان فرموده‌اند که به مضمون بعضی اشاره می‌کنیم:

- \* علم مؤمن بسیار و بردباری او عظیم است.
- \* غافل را یادآوری می‌کند و به جاهل، علم می‌آموزد.
- \* کسی که او را می‌آزارد از او اذیت نمی‌بیند.
- \* در آنچه به درد او نمی‌خورد وارد نمی‌شود.
- \* کسی را در مصیبت شماتت و سرزنش نمی‌کند.
- \* غیبت کسی را نمی‌کند.
- \* به غریبان کمک می‌کند.
- \* برای یتیم پدری می‌نماید.
- \* امین بر امانت‌ها و دور از خیانت‌هاست.
- \* قلب او با تقوی است.
- \* چون به قدرت رسد عفو و گذشت می‌کند (انتقام نمی‌گیرد).
- \* چون وعده دهد وفا می‌کند.
- \* باطل و ناحق را از دوست خود نمی‌پذیرد و حق را از دشمن خود رد (و انکار) نمی‌کند...»<sup>۱</sup>.

## چند دستور از حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام برای راهیان راه حق

در حدیث معروف «عنوان بصری» چنین آمده که وقتی «عنوان» به آن حضرت عرض کرد: «از خداوند خواسته‌ام قلب شما را به من متوجه و از علم شما به من روزی کند و امیدوارم دعایم مستجاب شده باشد، حضرتش در پاسخ فرمودند:

۱. بحار الانوار ج ۶۴ ص ۳۱۰.



«علم به آموختن نیست بلکه فقط علم، نوری است که در قلب هر کس که خداوند هدایت او را خواسته باشد قرار می‌گیرد. پس اگر به دنبال علم (حقیقی و نورانیت) هستی در خود حقیقت بندگی (و تسلیم دستورات الهی شدن) را طلب کن و برای این به دنبال علم باش که بدان عمل کنی و از خداوند فهم بخواه تا به تو بفهماند.»

وقتی عنوان فهمید علم را تنها در حقیقت بندگی می‌توان یافت، پرسید: حقیقت بندگی چیست؟

حضرت فرمودند: سه چیز است:

**اول** آن که بنده‌ی خدا خود را مالک آنچه خداوند به او داده نداند. چون بندگان خدا ملکی ندارند. مال را مال خدا می‌بینند و هر جا که او دستور فرموده صرف می‌کنند.

**دوم** آن که بنده برای خود تدبیری نیندیشد (یعنی برای خدا و به امر خدا کار کند و همه چیز را به او واگذارد).

**سوم** آن که تنها سرگرم و مشغول کارهایی باشد که خداوند به آن امر فرموده و از آن بازداشته است.

آن گاه، حضرت نتیجه این سه چیز را چنین بیان فرمودند:

پس چون برای خود ملکی ندید (و مال را مال خداوند دید) خرج کردن مال در راهی که خداوند امر فرموده برای او آسان می‌شود. و چون تدبیر و عاقبت اندیشی کارها را به مدیر و مدبّر خود (یعنی خداوند) واگذار کرد پیش آمدها (و ناگواری‌ها) برای او آسان می‌شود. و چون به انجام امر و نهی الهی مشغول شد، فرصت بحث و جدل و فخر و مباهات کردن با مردم پیدا نمی‌کند.

پس چون بنده‌ی خدا خود را به این سه مطلب آراسته و گرامی داشت، دنیا و شیطان و خلق بر او آسان می‌گردد، دیگر دنیا را برای بیشترخواهی و فخرفروشی نمی‌خواهد؛ و نمی‌خواهد آنچه نزد مردم است برای عزیز شدن و برتری بر آنان بدست آورد؛ و روزهای عمر خود را بیهوده از دست نمی‌دهد.

این اول درجه‌ی تقواست که خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ



نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا<sup>۱</sup> «آن سرای آخرت است که آن را برای کسانی قرار می‌دهیم که برتری و فساد در زمین را نمی‌طلبند».

عنوان می‌گوید: گفتم ای ابا عبدالله! مرا توصیه و سفارش فرما. فرمود: تو را به نه چیز وصیت می‌کنم و آن سفارش من است برای آن کسانی که می‌خواهند راهی به سوی خدا بیابند و از خداوند می‌خواهم که تو را برای عمل به آن موفق بدارد.

سه وصیت در ریاضت و سختی دادن به نفس و سه وصیت در حلم و بردباری و سه وصیت در مورد علم.

اما آنچه در ریاضت است اینکه: بپرهیز از اینکه آنچه را اشتها نداری بخوری که حماقت و ابله‌ی را به ارث می‌گذارد و جز هنگام گرسنگی مخور. و چون خوردی حلال بخور و نام خدا را ببر و حدیث پیامبر ﷺ را بیاد آور که فرمودند: «آدمی ظرفی را بدتر از شکم خود پُر نکرده است». پس اگر چاره‌ای از پر کردن آن نبود یک سوم آن را برای خوردن و یک سوم آن را برای نوشیدن و یک سوم دیگر برای نفس کشیدن باشد.

اما وصیت‌هایی که در مورد بردباری است؛ کسی که به تو گفت: «اگر یکی بگویی ده تا می‌شنوی» تو بگو: «اگر ده تا بگویی یکی هم نمی‌شنوی» و کسی که به تو ناسزا گوید به او بگو: «اگر آنچه می‌گویی راست است از خداوند می‌خواهم مرا بپامزد و اگر دروغ می‌گویی از خداوند می‌خواهم تو را بپامزد».

و کسی که به تو وعده‌ی فحش می‌دهد (مثلاً می‌گوید تو را در فلان وقت فحش خواهم داد و رسوا خواهم کرد و...) تو به او وعده‌ی خیرخواهی و نصیحت بده (مثلاً به او بگو: «من به خیر تو خواهم گفت و برای تو خوب خواهم خواست»).

اما آن وصیت‌ها که در مورد علم است؛ آنچه نمی‌دانی از دانایان بپرس و بپرهیز از اینکه از آن‌ها به راه تعنت و تجربه‌پرسی (یعنی مپرس که آنها را امتحان کنی و

۱. سوره‌ی قصص، آیه‌ی ۸۳.



در جواب خجل سازی) و بپرهیز از اینکه در آنچه نمی‌دانی به رأی و گمان خود عمل کنی و تا آنجا که می‌شود به احتیاط عمل کن و از فتوی و نظر دادن بگریز آن چنان که از شیر می‌گریزی و گردنت را پل قرار مده که مردم از آن بگذرند...»<sup>۱</sup>

## دو نکته:

### (اول) تعبد و سرسپردن به دین

زندگی انسان منحصر به عالم دنیا نیست؛ بلکه، از عالم صلب پدر به عالم رحم مادر و از آنجا به عالم دنیا و از دنیا به عالم برزخ و پس از آن به حیات جاودانی آخرت سفر می‌کند. از این رو، برنامه‌های دین باید طوری باشد که در تمام این مراحل، نیازها و احتیاجات او را در نظر بگیرد و تأمین نماید. و کسی می‌تواند این برنامه را طراحی و اجرا کند که احاطه‌ی کامل به تمام این عالم‌ها داشته باشد و بتواند قانونی مقرر نماید که در تمام این مراحل کارساز باشد. بنابراین، انسان با این علم محدود که حتی نیازهای زندگی خود در چند روز آینده‌اش را نمی‌داند چگونه می‌تواند حکمت و اسرار احکام الهی را درک نماید؟! این است که یک مؤمن واقعی، سربسته می‌داند که خداوندی که علم بی‌نهایت و حکمت بی‌پایان و قدرت بی‌انتهاست در هر قانون و حکمی که قرار داده است، حکمت‌های دنیوی و برزخی و آخرتی بسیاری هست و ندانستن و نفهمیدن ما نسبت به حکمت احکام الهی دلیل بر بی‌حکمت بودن آن نمی‌شود. و فلسفه‌هایی که بشر برای احکام الهی می‌بافد نمی‌تواند صحیح یا بیانگر کامل حکمت‌های نهفته در دستورات الهی باشد. و چنانچه طفل در رحم مادر، حکمت داشتن دست و پا و چشم و... را نمی‌فهمد و وقتی به دنیا می‌آید فوائد آن تا حدودی برایش روشن می‌گردد، حکمت احکام الهی نیز در دنیا برای ما مجهول است. لذا پس از شناخت خداوند عالمیان به صفات حمیده و کمالیه‌اش و شناخت انبیاء و اولیاء الهی به عصمت و پاکی و صداقت، دیگر سرسپردن به دستورات آنان و اطاعت مطلق از آنان وظیفه‌ی عقلی و فطری هر انسان است.

و البته بالاتر از این مقام، مقام انانی است که از ضرر محرمات و مکروهات و نفع

۱. بحار الانوار جلد ۱ ص ۲۲۴.



واجبات و مستحبات الهی چشم پوشیده اند و تنها برای آن که خداوند متعال امر و نهی فرموده عمل می کنند و البته این مقام مقربین درگاه الهی و خاصان دربار قدس حضرت حق متعال است.

### (دوم) لزوم تقلید از علمای دین

چنانچه سلامتی و زندگی پاکیزه و راحت بدن و دنیای انسان در گرو این است که به قوانین و دستوراتی که در بهداشت و درمان است عمل کند و سه راه بیشتر ندارد یا طبیب و عالم به این مقررات باشد یا از دستورات پزشک پیروی کند یا احتیاط نماید، سلامتی دین و روح و آخرت انسان نیز در گرو این است که از قوانین و مقررات دین و دستورات الهی پیروی کند. پس یا باید عالم به قوانین الهی باشد یا اگر جاهل است از علما پیروی کند یا راه احتیاط را در پیش گیرد.

پس کسی که عالم نیست و احتیاط هم نمی کند، به حکم عقل و فطرت راهی جز تقلید و پیروی از دستورات علما ندارد. و اگر علما با هم اختلاف نظر دارند چنانچه در هنگام اختلاف نظر پزشکان به عالم ترین آنها رجوع می کند، در دین نیز باید به عالم ترین آنان مراجعه نماید.

لزوم پیروی جاهل از عالم امری است فطری و در سرشت هر انسان نهاده شده است؛ چه اینکه در همه چیز جاهل باشد یا اینکه در رشته ی خاصی بدون علم و اطلاع باشد. مثل اینکه پزشک قلب نسبت به امور چشم تخصص و اطلاع ندارد و باید در این امر به چشم پزشک مراجعه و به دستور او عمل کند.

بنابراین، پیروی از علمای دین مختص به بی سوادها نیست بلکه جامعه شناس، روان شناس، پزشک، مهندس و همه ی اینها چون در امور دین و احکام الهی سررشته ندارند گزیری جز رجوع به علمای دین و تقلید از آنها ندارند. پس مقلد به حکم عقل و فطرت خود علم دارد که باید از مجتهد و عالم دین در احکام الهی پیروی کند و تقلید او از روی علم و معرفت است.

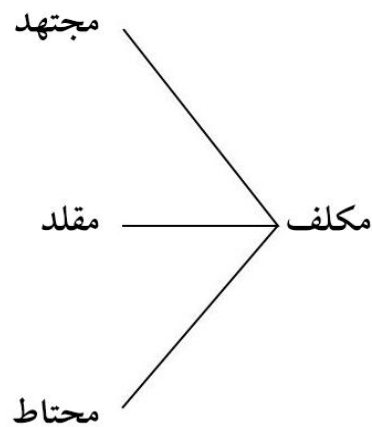
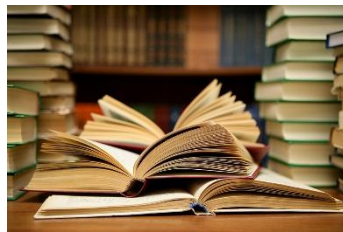
# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَى أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَ  
الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، لَا سِيَّمَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي  
الْأَرْضِينَ، وَ اللَّعْنَةُ الدَّائِمَةُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

## تقليد

اعتقاد انسان به اصول دین اسلام باید بر پایه‌ی علم باشد و تقلید - یعنی پیروی از غیر، بدون حصول علم - در اصول دین باطل است. ولی در غیر اصول دین از احکامی که قطعی و ضروری نیست و همچنین موضوعاتی که محتاج به استنباط است باید یا مجتهد باشد که بتواند وظایف خود را از روی مدرک آنها به دست آورد و یا به دستور مجتهدی که جامع شرایط است رفتار نماید و یا احتیاط کند، یعنی به گونه‌ای عمل نماید که یقین پیدا کند تکلیف را انجام داده. مثلاً اگر عده‌ای از مجتهدین عملی را

حرام می‌دانند و عده‌ای دیگر می‌گویند حرام نیست، آن عمل را ترک کند، و اگر عملی را بعضی واجب و بعضی جایز می‌دانند به جا آورد، پس کسانی که مجتهد نیستند و نمی‌توانند به احتیاط عمل کنند باید تقلید نمایند.



## سن تقلید

هرگاه بچه‌ای ممیز شود - یعنی به سنّی برسد که خوب و بد را تشخیص می‌دهد - می‌تواند تقلید نماید، ولی از زمانی که به سنّ بلوغ رسید، اگر مجتهد نباشد و نخواهد به احتیاط عمل کند، تقلید کردن برای او واجب می‌شود.

## سن بلوغ

نشانه‌های بلوغ یکی از موارد زیر است:

**(اول)** رویدن موی درشت زیر شکم بالای عورت در پسر.

**(دوم)** بیرون آمدن منی.

**(سوم)** تمام شدن پانزده سال قمری در پسر، و تمام شدن نه سال قمری در دختر، و خون حیض دیدن در مورد دختری که معلوم نیست نه سال او تمام شده یا نه.

**نکته:** تمام شدن پانزده سال قمری، حدود چهارده سال و شش ماه و هفده روز شمسی است، و تمام شدن نه سال قمری، حدود هشت سال و هشت ماه و بیست و دو روز شمسی است، و باید توجه داشت که اگر یکی از این سه نشانه بلوغ در انسان پیدا شد کافی است و لازم نیست هر سه نشانه با هم باشد و رویدن موی درشت در صورت و پشت لب و در سینه و زیر بغل و درشت شدن صدا و مانند اینها نشانه‌ی بالغ شدن نیست، مگر انسان به واسطه‌ی این‌ها یقین یا اطمینان به بلوغ پیدا کند.

## وظیفه‌ی مقلد پس از فوت مرجع تقلید

اگر مرجع تقلید از دنیا برود، وظیفه‌ی مقلد او چیست؟



اگر مجتهدی که وظیفه‌ی انسان تقلید از او بوده از دنیا برود، در صورتی که اعلم بودن مجتهد زنده از میّت برایش ثابت شود، واجب است به مجتهد زنده رجوع کند، و در صورتی که اعلمیّت مجتهد میّت برایش ثابت بوده، تا زمانی که اعلم بودن مجتهد زنده برایش ثابت نشود، باید به فتوای مجتهد میّت عمل کند؛ چه در زمان حیات او التزام به عمل به فتوای او داشته یا نداشته باشد، و چه عمل به فتوای او کرده یا نکرده باشد، و چه فتوای او را یاد گرفته یا یاد نگرفته باشد.

(بنابراین، مکلف باید از اعلم مراجعی که از سنّ تمییز به بعد، آنها را درک کرده است، تقلید نماید؛ چه آن مرجع تقلید زنده باشد و چه از دنیا رفته باشد، چه قبلاً از او تقلید می‌کرده و چه از او تقلید نمی‌کرده است.)

### اشتباه گفتن مسأله

اگر کسی فتوای مجتهدی را به دیگری بگوید، چنانچه فتوای آن مجتهد عوض شود لازم نیست به او خبر دهد که فتوای آن مجتهد عوض شده، ولی اگر بعد از گفتن فتوا بفهمد اشتباه کرده، در صورتی که مخالفت حکم الزامی<sup>۱</sup> لازم بیاید و ممکن باشد باید اشتباه او را برطرف کند.

### حکم اعمال کسی که تقلید نمی‌کرده

شخصی چند سال از سنّ تکلیف او گذشته ولی مرجع تقلید



ندارد، آیا همه‌ی اعمال گذشته‌ی او باطل است؟

در صورتی اعمال او صحیح است که بداند آن اعمال را یا مطابق واقع یا مطابق با فتوای مجتهدی که فعلاً وظیفه‌اش تقلید از اوست انجام داده است.

۱. حکم بر دو قسم است:

**الف -** حکم الزامی که شامل وجوب و حرمت است.

**ب -** حکم غیر الزامی که شامل استحباب و کراهت و اباحه می‌شود. پس اگر مسأله را به نحوی اشتباه گفته که آن شخص مرتکب فعل حرام می‌شود، یا اینکه واجبی را ترک می‌کند، باید به او بگوید.

## عدم لزوم تبعیت زن از شوهر در تقلید

آیا زن باید در انتخاب مرجع تقلید تابع نظر شوهرش باشد؟



خیر، اگر زن مرجع تقلید خود را از راه‌هایی که در رساله آمده است انتخاب کرده باشد، تقلید او صحیح است؛ هر چند مرجع تقلید او با مرجع تقلید شوهرش متفاوت باشد.

## اختلاف در تقلید

اگر نظر مرجع تقلید زنی با نظر مرجع تقلید شوهرش متفاوت



باشد، وظیفه چیست؟

هر کدام باید به نظر مرجع تقلید خودشان عمل نمایند. بلی، خوب است به نحوی احتیاط کنند که اعمال آنها مطابق با فتوای هر دو مجتهد باشد که در زندگی مشترک دچار مشکلات نشوند. مثلاً اگر مرجع تقلید زن می‌گوید ماشین لباسشویی لباس نجس را پاک می‌کند، ولی مرجع تقلید مرد می‌گوید پاک نمی‌کند، در این مورد زن احتیاط کند و لباس نجس را با دست آب بکشد.

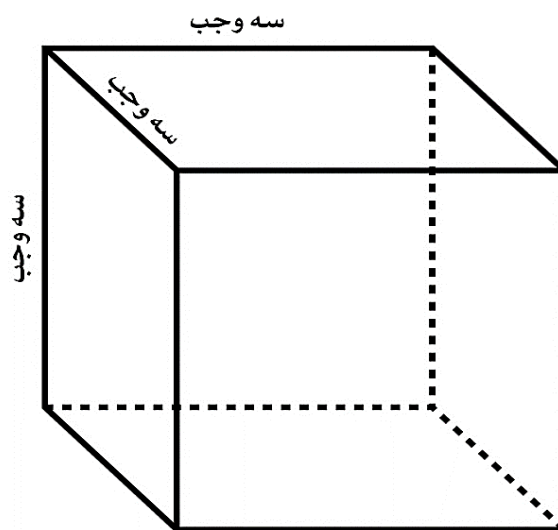




# نجاسات و مطهرات

## آب کُر

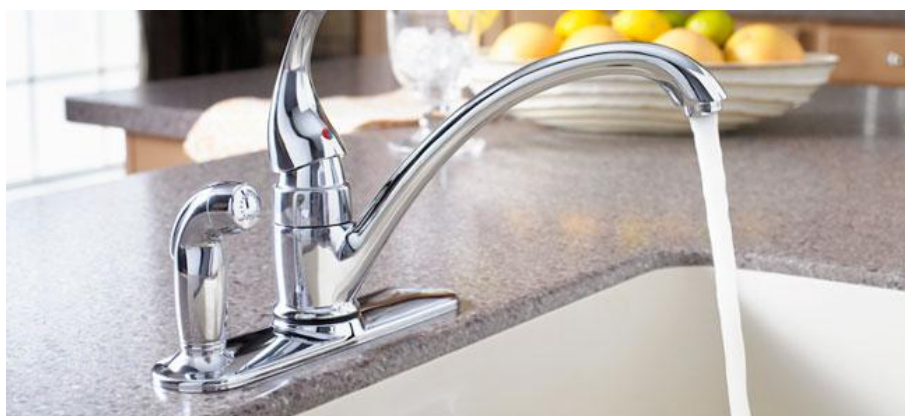
آب کُر مقدار آبی است که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هر یک سه وجب است بریزند، آن ظرف را پُر کند. مقدار آب کُر از جهت وزن تقریباً ۳۷۷ کیلو می باشد.



آب لوله‌کشی در ساختمان‌ها چه آبی حساب می‌شود؟



آب لوله‌های حمام و عمارات<sup>۱</sup> که از شیرها و دوش‌ها می‌ریزد، اگر متصل به مخزنی باشد که آب آن کمتر از ۱۰۰ متر باشد حکم آب جاری را دارد.



## حکم ادرار و مدفوع حیوانات



## فضله‌ی موش

هنگام غذا پختن، در برنج دانه‌ی سیاهی دیدم، شک دارم



فضله‌ی موش است یا چیز دیگر، حکم آن غذا چیست؟



اگر شک دارید که فضله‌ی موش بوده یا نه، آن غذا محکوم به طهارت بوده و خوردن آن حلال است.

## جوش آمدن کشمش

اگر کشمش را در آب بجوشانند یا در ظرفی تفت بدهند چه



حکمی دارد؟



خرما و مویز و کشمش و آب آنها اگرچه جوش بیایند پاک و خوردن آنها حلال است.

## غذای نجس



اگر بعد از پختن غذا بفهمیم غذا نجس است وظیفه چیست؟ آیا می شود از روی خجالت به مهمان ها نگوئیم و آبروداری کنیم؟



خوردن و آشامیدن چیز نجس و متنجس<sup>۱</sup> حرام است، و همچنین است خوراندن آن به دیگری. و اگر صاحبخانه در بین غذا خوردن بفهمد غذا نجس است باید به میهمان ها بگوید.

## اگر بچه بگوید چیزی نجس است



اگر بچه بگوید چیزی نجس شده، وظیفه ی ما چیست؟ آیا حرف او را قبول کنیم؟

اگر بچه بگوید چیزی نجس است یا

چیزی را آب کشیده، نمی شود حرف او را قبول کرد، ولی بچه ای که ممیز<sup>۲</sup>

۱. به چیزی که خود بخود نجس است، نجس می گویند، مثل خون. و به چیزی که ذاتاً پاک است ولی با برخورد با نجاست نجس شده است، متنجس می گویند.

۲. بچه ای که خوب و بد را می فهمد.

است اگر بگوید چیزی را آب کشیدم، در صورتی که آن بچه ثقه<sup>۱</sup> باشد و ظن<sup>۲</sup> بر خلاف گفته‌ی او نباشد، حرف او قبول می‌شود، و همچنین اگر بگوید چیزی نجس است.

### ادرار پسر شیرخوار



آیا ادرار پسر شیرخوار پاک است؟



خیر؛ نجس است. و اگر چیزی به بول پسر شیرخواری که غذاخور نشده نجس شود، چنانچه یک مرتبه آب روی آن بریزند که به تمام جاهای نجس آن برسد پاک می‌شود، ولی احتیاط مستحب آن است که یک مرتبه‌ی دیگر هم آب روی آن بریزند، و در لباس و فرش و مانند اینها فشار لازم نیست.

### ماشین لباسشویی



آیا ماشین لباسشویی لباس نجس را پاک



می‌کند؟

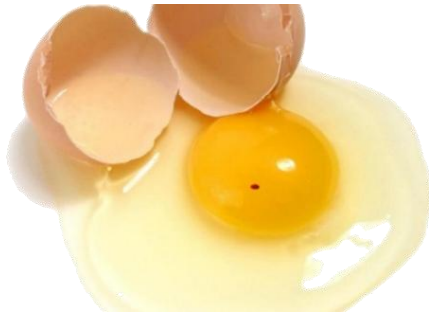
در صورتی که با شرایط مقرر شرعی آب بکشد اشکال ندارد و کار ماشین‌های مختلف متفاوت است.

۱. مورد اطمینان.

۲. گمان.

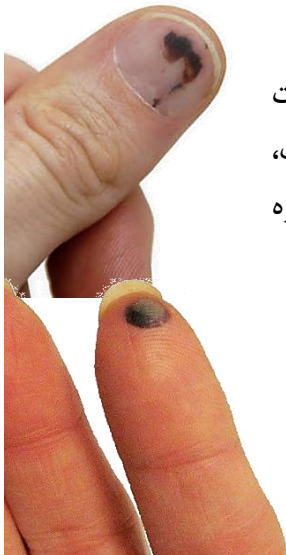
## خون در تخم مرغ

خونی که در زرده‌ی تخم مرغ پیدا می‌شود، خوردن آن حرام و بنا بر احتیاط، محکوم به نجاست است.



## خون مردگی

خونی که به واسطه‌ی کوبیده شدن، زیر ناخن یا زیر پوست می‌میرد، اگر طوری شود که دیگر به آن خون نگویند، پاک، و اگر به آن خون بگویند نجس است، و چنانچه پوست پاره شود و چیزی با آن ملاقات کند، آن چیز نجس می‌شود، و در این صورت اگر بیرون آوردن خون و تطهیر محل، جهت وضو یا غسل حرجی باشد، باید تیمم نماید. اگر انسان نداند که خون زیر پوست مُرده یا گوشت به واسطه کوبیده شدن به آن حالت در آمده، پاک است.



۱. مثلاً تبدیل به جرم جامد سیاهی بشود که دیگر به آن خون گفته نشود.
۲. حرجی باشد: یعنی آنقدر سخت باشد که عرفاً قابل تحمل نیست.



## یهودی و مسیحی

آیا یهودی ها و مسیحی ها نجس هستند؟



اهل کتاب - یعنی یهود و نصاری - پاک هستند، هر چند بهتر است از آن اجتناب شود.

**نکته:** شخصی که به یکی از چهارده معصوم علیهم السلام از روی دشمنی دشنام دهد

نجس است.



## الکل صنعتی

الکل صنعتی که برای رنگ کردن در و پنجره و میز و صندلی و مصارف دیگر به کار می‌برند، تمام اقسامش پاک است. و همچنین است الکل طبی، اگر از مواد نجس درست نشده باشد.

## باقی ماندن رنگ نجاست

اگر چیز نجسی را آب بکشیم ولی رنگ نجاست کاملاً برطرف



نشود چه حکمی دارد؟



هر چیز نجس تا عین نجاست را از آن برطرف نکنند پاک نمی‌شود، ولی چنانچه بو یا رنگ نجاست در آن مانده باشد اشکال ندارد، پس اگر خون را از



لباس برطرف کنند و آن را آب بکشند اگرچه رنگ خون در آن بماند پاک می‌باشد، اما چنانچه به واسطه‌ی بو یا رنگ، احتمال دهند که ذره‌های نجاست در آن چیز مانده، نجس است.

### برطرف شدن عین نجاست

اگر بدن حیوان به عین نجس مثل خون یا متنجس مثل آب نجس آلوده شود، چنانچه آنها برطرف شود بدن آن حیوان پاک می‌شود، و همچنین است باطن بدن انسان مثل توی دهان و بینی، مثلاً اگر خونی از لای دندان بیرون آید و در آب دهان از بین برود آب کشیدن توی دهان لازم نیست، ولی اگر دندان مصنوعی در دهان با خون دهان ملاقات کند بنا بر احتیاط باید آن را آب کشید.

### داروها و مواد وارد شده از کشورهای غیر اسلامی

حکم داروها و وسایل آرایشی و بهداشتی که توسط کشورهای



غیر اسلامی تولید می‌شود چیست؟



اگر انسان یقین یا اطمینان یا حجت شرعی به نجاست آنها نداشته باشد، پاک است.

## چرم‌های خارجی

حکم چرم‌هایی که در کشورهای غیراسلامی خرید و فروش می‌شود چیست؟ آیا نجس حساب می‌شود؟



اگر بدانید که آن چرم از حیوانی است که به دست مسلمان، ذبح شرعی شده، پاک است. ولی چنانچه مشکوک باشد یا بدانید توسط کفار ذبح شده، پاک نیست و نماز خواندن با آن باطل است. و خرید و فروش آن باطل و بنا بر احتیاط واجب، حرام است.

اگر در آن کشورها به چرمی برخورد کنیم که معلوم نیست چرم واقعی است یا مصنوعی، چه حکمی دارد؟



تا زمانی که علم یا اطمینان یا حجت شرعی پیدا نکرده‌اید که چرم واقعی باشد، به خودی خود پاک حساب می‌شود.



### **مسح بر موهای سر**

لازم نیست مسح سر بر پوست آن باشد بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است، ولی کسی که موی جلوی سر او به اندازه‌ای بلند است که اگر مثلاً شانه کند به صورتش می‌ریزد یا به جاهای دیگر سر می‌رسد، باید بیخ موها را مسح کند، یا فرق سر را باز کرده پوست سر را مسح نماید، و اگر موهایی را که به صورت می‌ریزد یا به جای دیگر سر می‌رسد جلوی سر جمع کند و بر آنها مسح نماید یا بر موی جاهای دیگر سر که جلوی آن آمده مسح کند، چنین مسحی باطل است.

### **وضو گرفتن قبل از وقت**

اگر پیش از وقت نماز به قصد اینکه با طهارت باشد وضو بگیرد یا غسل کند، صحیح است، و اگر نزدیک وقت نماز هم به قصد مهیّا بودن برای نماز وضو بگیرد اشکال ندارد، بلکه مستحب است. بنابراین، اگر کسی مثلاً ساعت ده صبح فقط به قصد وضوی واجب برای نماز ظهر و عصر وضو بگیرد وضوی او باطل است.

## مانع بودن لاک برای وضو



آیا می شود خانمی با لاک، وضو

بگیرد؟



خیر، وضو با لاک و با هر چه که مانع رسیدن آب به اعضای وضو باشد، باطل است.

## مانع بودن لاک ناخن پا

آیا می شود خانمی روی ناخن های پا لاک بمالد و فقط یکی از آنها

را باقی بگذارد و روی همان مسح نماید؟



برای وضو اشکال ندارد ولی باید برای غسل برطرف کند.

## ناخن بلند

آیا ناخن بلند برای وضو

اشکال دارد؟



اگر ناخن بیشتر از معمول بلند باشد، باید چرک زیر مقداری را که از معمول بلندتر است برطرف کند.<sup>۱</sup>

۱. بنابراین اگر ناخن تمیز باشد، بلند بودن آن ضرری به وضو نمی زند.

## کاشت ناخن

آیا کاشت ناخن جایز است؟ حکم وضو با آن چیست؟



کاشت ناخن اگر مانع از رسیدن آب به پوست یا ناخن اصلی گردد حرام است و موجب بطلان وضو و غسل می‌شود، و

اگر شخصی این کار را انجام داده، باید آن را در اولین فرصت بردارد - حتی اگر مشقت داشته باشد - و تا زمانی که بر نداشته واجب است عبادات خود را انجام دهد و بنابر احتیاط واجب هم وضوی جبیره بگیرد و هم تیمم نماید، و اگر نیاز به غسل دارد بنابر احتیاط واجب هم غسل جبیره انجام دهد و هم تیمم نماید، و هر وقت آن مانع را برداشت بنابر احتیاط واجب قضای عباداتش را به جا آورد.

## تاتو

حکم تاتو برای وضو چیست؟



تاتو اگر مانع از رسیدن آب به پوست گردد جایز نیست و موجب بطلان وضو و غسل می‌شود و اگر کسی چنین کاری کرده باشد باید بردارد اگرچه مشقت داشته باشد. و در هر صورت زینت است و باید از نامحرم بپوشاند.

## وضوی جبیره

چیزی که با آن زخم و شکسته را می‌بندند و دوایی که روی زخم و مانند آن می‌گذارند جبیره نامیده می‌شود.



اگر در یکی از جاهای وضو زخم یا دمل یا شکستگی باشد، چنانچه روی آن باز است و آب ضرر ندارد باید به طور معمول وضو گرفت.

اگر روی دمل یا زخم یا شکستگی بسته باشد، چنانچه باز کردن آن مشقت ندارد و آب

هم برای آن ضرر ندارد، باید باز کند و وضو بگیرد، چه زخم و مانند آن در صورت و دستها باشد، یا جلوی سر و روی پاها باشد.

اگر زخم یا دمل یا شکستگی که بسته است در صورت و دستها باشد، چنانچه باز کردن یا ریختن آب روی آن ضرر یا مشقت دارد، باید مقداری را که ضرر و مشقت ندارد از اطراف شسته و روی جبیره را مسح کند<sup>۱</sup>.

اگر جبیره تمام صورت یا تمام یکی از دستها یا تمام هر دو دست را گرفته باشد، احتیاط واجب آن است که جمع کند بین وضوی جبیره‌ای و تیمم<sup>۲</sup>.

اگر جبیره تمام اعضای وضو را گرفته باشد<sup>۳</sup>، بنابر احتیاط واجب جمع کند بین وضوی جبیره و تیمم.

۱. مسح کردن یعنی کف دست را با آب خیس کند و روی جبیره دست دیگر یا روی جبیره صورتش بکشد. بنابراین، اگر دست کسی را بخاطر شکستگی گچ گرفته باشند باید با کف دست دیگر روی گچ، دست تر بکشد و باید مقداری از دست را - مثل نوک انگشتان - که بیرون از گچ است مثل وضوی همیشگی خود بشوید.

۲. یعنی بنا بر احتیاط واجب، هم وضوی جبیره بگیرد و هم تیمم نماید.

۳. یعنی هم صورت و هم دستها و هم جلوی سر و هم روی پاها جبیره و بسته باشد و باز کردن هم ممکن نباشد.



۲۲ اگر در کف دست جبیره باشد، چگونه باید مسح کند؟



کسی که در کف دست و انگشت‌ها جبیره دارد، و در موقع وضو دست تر روی آن کشیده است، سر و پاها را با همان رطوبت مسح کند.

۲۳ اگر زخم و مانند آن در اعضای وضو نباشد و به جهت دیگری آب ضرر داشته باشد، وظیفه‌ی انسان برای وضو چیست؟



اگر در اعضای وضو زخم و جراحت و شکستگی نیست ولی به جهت دیگری آب برای آنها ضرر دارد باید تیمم کند.

۲۴ با چسب قطره ای کار می‌کردم که مقداری از آن به کف دستم چسبیده و برداشتن آن ممکن نیست. برای وضو چه وظیفه ای دارم؟



اگر در اعضای وضو یا غسل چیزی چسبیده است که برداشتن آن ممکن نیست یا موجب حرج<sup>۱</sup> است بنا بر احتیاط واجب، جمع کند بین وضو یا غسل جبیره‌ای و تیمم.

۱. یعنی باعث شود انسان در سختی زیادی قرار بگیرد که عرفاً قابل تحمل نیست.



## تیمم جبیره‌ای

کسی که وظیفه اش تیمم است اگر در بعضی از جاهای تیمم او زخم یا دمل یا شکستگی باشد، باید به دستور وضوی جبیره‌ای، تیمم جبیره‌ای نماید.

### سه نکته:

- ۱- اگر به خاطر مرضی که در چشم انسان است، موی چشم خود را بچسباند، یا از جهت درد چشم، آب برای آن ضرر داشته باشد، باید تیمم نماید.
- ۲- کسی که نمی‌داند وظیفه اش تیمم است یا وضوی جبیره‌ای، باید احتیاط کند به جمع بین وضو و تیمم.
- ۳- نمازهایی را که انسان با وضوی جبیره‌ای خوانده و تا آخر وقت، عذرش مستمر بوده، صحیح است و می‌تواند با آن وضو نمازهای بعدی را در صورتی که در تمام وقت، عذرش مستمر باشد به جا آورد. و هرگاه عذرش برطرف شد برای نمازهای بعد، بنا بر احتیاط واجب، وضو بگیرد.



# غسل

## غسل جنابت

خانم ها در چه صورتی جنب می شوند؟



از دو راه جنب می شوند:

- ۱- نزدیکی؛ به شرط اینکه به اندازه ختنه گاه یا بیشتر داخل شود، چه در جلو و چه در پشت، که در این صورت هر دو جنب می شوند اگرچه منی خارج نشود.
- ۲- بیرون آمدن منی؛ چه در خواب باشد چه در بیداری، چه کم باشد و چه زیاد، با شهوت باشد یا بی شهوت، با اختیار باشد یا بی اختیار، ولی اگر رطوبتی از زن خارج شود که نداند منی است یا نه، در صورتی که خروج این رطوبت همراه با اوج لذت جنسی (انزال از شهوت) باشد، حکم منی را دارد و غسل جنابت بر او واجب می گردد.

## حکم غسل جنابت

غسل جنابت به خودی خود مستحب است<sup>۱</sup>، و برای واجبات مشروط به طهارت<sup>۲</sup> واجب

۱. اگر کسی جنب باشد و کارهایی را هم که غسل جنابت لازم دارد - مانند نماز - نخواهد انجام دهد، غسل جنابت به خودی خود برای او مستحب است. ولی اگر کسی جنب نباشد و بخواهد همینطور به قصد غسل جنابت غسل کند، چنین غسلی وجود ندارد.
۲. یعنی کارهایی که واجب است و اگر بدون وضو یا غسل یا تیمم انجام شود باطل است.

می‌شود، ولی برای نماز میّت و سجده سهو - مگر سجده سهو در مورد تشهد فراموش شده - و سجده شکر و سجده‌های واجب قرآن غسل جنابت لازم نیست.

## خروج ترشح از زنان

آیا ترشحات واژن که بر اثر تحریک (دیدن تصویر یا ...) بیرون می‌آید در صورتی که هیچ‌گونه دخولی انجام نشود و آن ترشحات بدون جهش خارج شود غسل دارد؟

آبی که گاهی بعد از ملاعبه و بازی کردن از انسان خارج می‌شود پاک است، ولی اگر با اوج لذت جنسی خارج شود، حکم منی را دارد. و در مورد زن، لازم نیست آن رطوبت با جهش خارج شود و بدن او سست شود.

## شستن موهای بلند

با توجه به اینکه بیشتر خانم‌ها موهای بلندی دارند، حکم شستن آنها در غسل چیست؟

در غسل باید موهای کوتاهی را که جزو بدن حساب می‌شود بشوید، و شستن موهای بلند واجب نیست، بلکه اگر آب را طوری به پوست برساند که آن موها تر نشود، غسل صحیح است، ولی اگر رساندن آب به پوست، بدون شستن آنها ممکن نباشد، باید آنها را بشوید که آب به بدن برسد.

## غسل جنابت در حال حیض

اگر زنی در دوران قاعدگی جنب شود می‌تواند غسل جنابت کند؟ بلی، می‌تواند غسل جنابت کند و غسلش صحیح است و از جنابت پاک می‌شود. ولی بعد از تمام شدن حیض غسل حیض لازم است.

## شستن سوراخ جای گوشواره

آیا در غسل، لازم است سوراخ جای گوشواره هم شسته شود؟



اگر سوراخ جای گوشواره و مانند آن به قدری گشاد باشد که داخل آن جزوی از ظاهر شمرده شود، باید آن را شست، و در غیر این صورت، شستن آن لازم نیست؛ مگر در صورت شک در صدق ظاهر بر آن<sup>۱</sup> که در این صورت بنا بر احتیاط، لازم است.

## غسل جمعه برای جنب و حائض

آیا زن جنب و حائض می تواند غسل جمعه به جا آورد؟



در صورتی که زن جنب یا حائض غسل جمعه را انجام دهد صحیح است و غسل جمعه (اگر با شرایطش انجام شود) کفایت از غسل جنابت می نماید<sup>۲</sup>، و همچنین در صورتی که زن از حیض پاک شده باشد، غسل جمعه کفایت از غسل حیض می کند.

اگر در بین غسل یکی از کارهایی که وضو را باطل می کند



پیش بیاید، حکم غسل چیست؟

اگر در بین غسل حدث اصغر از او سرزند<sup>۳</sup> - مثلاً بول کند - بنا بر احتیاط

۱. در غسل باید ظاهر بدن شسته شود و شستن باطن بدن مثل توی دهان و بینی لازم نیست، ولی اگر جایی باشد که انسان شک کند از ظاهر بدن حساب می شود یا از باطن آن، در این صورت، بنا بر احتیاط لازم، آن قسمت را بشوید.

۲. یعنی جای غسل جنابت را هم می گیرد و لازم نیست غسل جنابت را جداگانه انجام دهد.

۳. به کارهایی که موجب وضو می شود حدث اصغر می گویند مثل خروج ادرار یا مدفوع. و به کارهایی که موجب غسل می شود، حدث اکبر می گویند، مثل جنابت و حیض.



واجب، غسل را تمام کند و اعاده نماید<sup>۱</sup> و وضو هم ضمیمه کند؛ مگر اینکه از غسل ترتیبی به غسل ارتماسی عدول کند.

### کفایت غسل از غسل

کسی که چند غسل بر او واجب است، می‌تواند آنها را جدا جدا انجام دهد، ولی بعد از غسل اول، برای بقیه، نیت وجوب نکند<sup>۲</sup>، و همچنین می‌تواند به نیت همه‌ی آنها یک غسل به جا آورد، بلکه اگر یک غسل معین از آنها را قصد کند، از بقیه کفایت می‌نماید<sup>۳</sup>.

### کفایت غسل از وضو

کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد<sup>۴</sup>، بلکه با سایر غسل‌های واجب غیر از غسل استحاضه‌ی متوسطه و با غسل‌های مستحب – که در مسأله ۶۵۰ رساله آمده است – نیز می‌تواند بدون وضو نماز بخواند، اگرچه احتیاط مستحب آن است که وضو هم بگیرد.

۱. یعنی دوباره از اول غسل کند.

۲. همانطور که در پایان مسأله آمده است اگر انسان به نیت یک غسل معین، غسل نماید، از بقیه‌ی غسل‌ها کفایت می‌کند، یعنی لازم نیست آن غسل‌ها را بجا بیاورد. بنابراین، با انجام یک غسل، دیگر غسلی به گردن او باقی نمی‌ماند، پس نیت وجوب نکند.

۳. مثلاً کسی غسل حیض و جنابت و استحاضه و مسّ میّت بر او واجب است. چنانچه – مثلاً – نیت غسل مسّ میّت نماید، این غسل جای بقیه‌ی غسل‌ها را گرفته و لازم نیست تک تک آنها را جداگانه انجام دهد.

۴. اگر کسی جنب بوده و غسل جنابت کرده باشد، تا زمانی که یکی از مبطلات وضو را انجام نداده است، نباید وضو بگیرد. البته اگر وضو بگیرد گناه کرده ولی ضرری به نماز او نمی‌زند.

## اقسام استحاضه

استحاضه چند قسم است؟



استحاضه سه قسم است:

- ۱- **قليله:** اگر خون فقط روی پنبه‌ای را که زن با خود برمی‌دارد آلوده کند و در آن فرو نرود.<sup>۱</sup>
- ۲- **متوسطه:** اگر خون در پنبه فرو رود اگر چه در یک گوشه‌ی آن باشد، ولی از پنبه به دستمال و مانند آن که معمولاً زن‌ها برای جلوگیری از خون می‌بندند، نرسد.
- ۳- **کثیره:** اگر خون پنبه را فرا گرفته و به دستمال برسد.

## احکام مستحاضه‌ی قلیله

مستحاضه‌ی قلیله چه وظایفی دارد؟



- ۱- باید برای هر نماز، یک وضو بگیرد.
- ۲- اگر به ظاهر فرج خون رسیده، آب بکشد.
- ۳- بنا بر احتیاط واجب، پنبه را عوض کند.

## احکام مستحاضه‌ی متوسطه

مستحاضه‌ی متوسطه چه وظایفی دارد؟



باید برای هر نماز صبح غسل کند و تا صبح دیگر برای نمازهای خود، کارهای استحاضه‌ی قلیله را انجام دهد، و هرگاه این حالت، قبل از نماز دیگر، پیش

۱. منظور پنبه‌ای است که در فرج قرار می‌دهد.

آید، برای آن نماز غسل کند و تا صبح دیگر برای نمازهای خود، کارهای استحاضه‌ی قلیله را انجام دهد. و وقتی به کلی از خون پاک شد، باید غسل کند. ولی اگر بداند از وقتی که برای نماز پیش مشغول غسل شده، دیگر خون نیامده و به کلی پاک شده، لازم نیست دوباره غسل نماید.

### احکام مستحاضه‌ی کثیره

مستحاضه‌ی کثیره چه وظایفی دارد؟

۳۵

- ۱- باید برای نماز صبح یک غسل، و برای نماز ظهر و عصر یک غسل، و برای نماز مغرب و عشا هم یک غسل به جا آورد.
- ۲- بنا بر احتیاط واجب، پنبه را عوض کند.
- ۳- بنا بر احتیاط واجب، دستمال را عوض کند یا آب بکشد.
- ۴- بین نمازهای ظهر و عصر و همچنین مغرب و عشا فاصله نیندازد.
- ۵- در استحاضه‌ی کثیره، غسل از وضو کفایت می‌کند؛ ولی اگر بخواهد وضو بگیرد، باید قبل از غسل، وضو بگیرد.
- ۶- وقتی به کلی از خون پاک شد، باید غسل کند؛ ولی اگر بداند از وقتی که برای نماز پیش مشغول غسل شده دیگر خون نیامده و به کلی پاک شده، لازم نیست دوباره غسل نماید.

### زمان انجام غسل استحاضه

مستحاضه‌ی متوسط و کثیره چه وقتی باید غسل کند، قبل از

۳۶

اذان یا بعد از اذان؟

در صورتی که تا داخل شدن وقت نماز، بر آن حالت باقی باشد، اگر پیش از داخل شدن وقت نماز، برای نماز غسل کند، غسل او باطل است. ولی نزدیک

اذان صبح، جایز است به قصد رجاء<sup>۱</sup> غسل نماید و نماز شب را بخواند، و بنا بر احتیاط واجب، بعد از طلوع فجر، برای نماز صبح باید غسل را اعاده<sup>۲</sup> کند.

## نماز قضا مستحاضه

آیا زن مستحاضه می تواند نماز قضا بخواند؟



زن مستحاضه نماز قضا را باید تأخیر بیندازد تا پاک شود. و همچنین - بنا بر احتیاط واجب - نمی تواند روزه ی قضا بگیرد.

## حیض

در چه سنی زن یائسه می شود؟



زن بعد از تمام شدن شصت سال<sup>۳</sup> یائسه می شود، و چنانچه خونی ببیند حیض نیست. و احتیاط واجب آن است که بعد از تمام شدن پنجاه سال تا تمام شدن شصت سال، جمع کند بین احکام یائسه و غیر یائسه - چه قرشیه باشد و چه غیر قرشیه. بنابراین، اگر در این فاصله، با نشانه های حیض یا در روزهای عادت، خون ببیند، بنا بر احتیاط واجب، جمع کند بین تروک حائض<sup>۴</sup> و افعال مستحاضه<sup>۵</sup>.

۱. امید ثواب.
۲. دوباره انجام دهد.
۳. سال قمری ملاک است نه شمسی.
۴. کارهایی که بر حائض حرام است.
۵. با توجه به این مسأله، ملاک برای یائسگی فقط سن است نه چیز دیگر. بنابراین، اگر زنی مثلاً در سن ۴۰ سالگی دیگر خون نبیند یائسه حساب نمی شود، و اگر خواست از شوهرش طلاق بگیرد باید از وقتی که با او نزدیکی کرده تا سه ماه از نزدیکی با او خودداری کند و بعداً او را طلاق دهد و بعد از طلاق تا سه ماه عده نگه دارد.

## زن آبستن

آیا ممکن است زن آبستن یا زنی که بچه شیر می دهد حیض ببیند؟



بله؛ ممکن است. و در این مسأله فرقی بین زن آبستن و غیر او نیست، ولی زن آبستن در صورتی که بعد از گذشتن بیست روز از اول عادتش، خونی ببیند که صفات حیض را دارد، احتیاط واجب آن است که بین تروک حائض و اعمال مستحاضه جمع نماید.

## استمرار خون

آیا لازم است خون حیض پشت سر هم باشد یا اگر به صورت



متناوب هم باشد کافی است؟

باید سه روز اول حیض پشت سر هم باشد، ولی چنانچه در بین سه روز، مختصری پاک شود<sup>۱</sup> به نحوی که در بین زن ها متعارف است، باز هم حیض است.

## شروع حیض

خون حیض از زمانی که از بدن خارج می شود حساب می شود



یا اگر در داخل بدن هم باشد کافی است؟

ابتدای حیض لازم است خون بیرون بیاید، ولی لازم نیست در تمام سه روز، خون بیرون بیاید، بلکه اگر در باطن فرج باشد کافی است؛ اما بودن در رحم کافی نیست.

۱. مثلا ده دقیقه.







## قرآن خواندن

آیا قرآن خواندن برای حائض



مکروه است؟

خیر؛ خواندن قرآن و همراه داشتن آن برای

حائض مانعی ندارد.<sup>۱</sup>

## نفاس

خونی که مادر بعد از ولادت بچه - از جهت ولادت - می‌بیند اگر پیش از ده روز یا سر ده روز قطع شود، خون نفاس است.<sup>۲</sup> و همچنین است - بنا بر احتیاط واجب - خونی که با اولین جزء بچه بیرون بیاید، و زن را در حال نفاس، نفساء می‌گویند.

## خون سقط جنین

اگر زنی سقط جنین کرده باشد، آیا خونی که بعد از سقط جنین



بیرون می‌آید نفاس به حساب می‌آید؟

لازم نیست خلقت بچه تمام شده باشد، بلکه اگر ناتمام نیز باشد - در صورتی که عرفاً بگویند زاییده است - خونی که تا ده روز ببیند خون نفاس است، و در صورت شک در صدق زاییدن به نظر عرف، آن خون محکوم به احکام نفاس نیست.

۱. البته غیر از آیه‌هایی که سجده‌ی واجب دارند و بنا بر احتیاط واجب، خود آن سوره‌ها.

۲. ولی خانم‌هایی که به روش سزارین، بچه‌ی آنها متولد می‌شود، بنا بر احتیاط واجب کارهایی را که بر زن نفساء حرام است ترک نمایند و کارهایی را که بر مستحاضه واجب است انجام دهند.

## حد نفاس

حداقل و حداکثر نفاس چقدر است؟



ممکن است خون نفاس یک آن بیشتر نیاید، ولی بیشتر از ده روز نمی‌شود.

زنی که خون نفاس دیده چه احکامی دارد؟



- ۱- رساندن جایی از بدن به خط قرآن و اسم مبارک ذات خداوند متعال و سایر اسماء حُسنی<sup>۱</sup> بر او حرام است.
- ۲- بنا بر احتیاط واجب، کارهایی که بر حائض حرام است بر او نیز حرام می‌باشد.
- ۳- آنچه بر حائض واجب است، بر او نیز واجب است.
- ۴- طلاق دادن او باطل است.
- ۵- نزدیکی کردن با او حرام است، ولی اگر شوهرش با او نزدیکی کند، کفاره ندارد.

## غسل مس میت

آیا کارهایی که بر جنب حرام است بر کسی هم که مسّ میت



کرده حرام است؟

برای کسی که بعد از مسّ میت، غسل نکرده باشد، توقف در مسجد و جماع و خواندن سوره‌هایی که سجده ی واجب دارد مانعی ندارد، ولی برای نماز و مانند آن باید غسل کند.

۱. مثل رحمن و رحیم



## محتضر

مسلمانی را که محتضر است - یعنی در حال جان دادن می‌باشد - مرد باشد یا زن، بزرگ باشد یا کوچک، بنا بر احتیاط واجب، در صورت امکان، به پشت بخوابانند؛ به طوری که کف پاهایش به طرف قبله باشد.

مستحب است شهادتین و اقرار به دوازده امام عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و سایر عقاید حقّه را به کسی که در حال جان دادن است، طوری تلقین کنند که بفهمد. و همچنین مستحب است چیزهایی را که ذکر شد تا وقت مرگ تکرار کنند، و نیز دعای فرج<sup>۱</sup> را به محتضر تلقین نمایند.

مستحب است که بر بالین محتضر، سوره‌ی مبارکه‌ی یس و صافات و احزاب و آیه‌ی الکرسی و آیه‌ی پنجاه و چهارم از سوره‌ی اعراف و سه آیه‌ی آخر سوره‌ی بقره، بلکه هر چه از قرآن ممکن است بخوانند.

## احکام بعد از مرگ

بعد از مرگ، مستحب است چشم‌ها و لب‌ها و چانه‌ی میت را ببندند، و دست و پای او را دراز کنند، و پارچه‌ای روی او بیندازند و مؤمنین را برای تشییع جنازه‌ی او خبر کنند، و اگر در شب مرده است، در جایی که مرده، چراغ روشن کنند، و در دفن او عجله نمایند و اگر یقین به مردن او ندارند، باید صبر کنند تا معلوم شود.

## احکام غسل و کفن و نماز و دفن میت

غسل و حنوط و کفن و نماز و دفن مسلمان بر هر مکلفی واجب است؛ و اگر بعضی انجام دهند، از دیگران ساقط می‌شود؛ و چنانچه هیچ کس انجام ندهد، همه معصیت کرده‌اند.

۱. «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

## اجازه از ولیّ میت

برای غسل و حنوط و کفن و دفن میت، باید از ولیّ او اجازه گرفت.

ولیّ میت چه کسی است؟



ولیّ زن شوهر اوست، و در غیر زن، مردهایی که از میت ارث می‌برند مقدم بر زن‌های ایشانند، و تقدّم، تابع تقدم در میراث است.<sup>۱</sup>

## کیفیت غسل میت

واجب است میت را سه غسل بدهند:

**(اول)** با آبی که با سدر مخلوط باشد.



**(دوم)** با آبی که با کافور مخلوط باشد.



**(سوم)** با آب خالص

۱. کسانی که از انسان ارث می‌برند سه طبقه هستند که با وجود حتی یک نفر از طبقه اول هیچکدام از طبقه دوم ارث نمی‌برند و همچنین است نسبت به طبقه دوم و سوم. بنابراین با وجود پدر یا پسر میت، اجازه گرفتن از برادر یا پدربزرگ لازم نیست.



## مقدار سدر و کافور

سدر و کافور باید به اندازه‌ای زیاد نباشد که آب را مضاف کند، و به اندازه‌ای هم کم نباشد که نگویند سدر و کافور با آب مخلوط شده است.

## شرایط غسل

کسی که میّت را غسل می‌دهد باید مسلمان دوازده امامی و عاقل و بالغ باشد، و مسائل غسل را هر چند به تعلیم دیگری<sup>۱</sup> در اثنای غسل بداند.

روش انجام غسل میت چگونه است؟



غسل میّت مثل غسل جنابت است، و احتیاط واجب آن است که تا غسل ترتیبی ممکن است میت را غسل ارتماسی ندهند، و در غسل ترتیبی هم باید طرف راست را بر طرف چپ مقدم بدارند، و مخیرند بین این که آب را روی بدن بریزند، یا بدن را در آب فرو برند.

**نکته:** کسی را که در حال حیض یا در حال جنابت مرده، لازم نیست غسل حیض یا غسل جنابت بدهند؛ بلکه، همان غسل میّت برای او کافی است.

۱. یعنی کسی به غسل دهنده یاد بدهد و او در همان وقت میّت را غسل بدهد.



## کفن میت



میت مسلمان را باید با سه پارچه که آنها را لنگ و پیراهن و سرتاسری می‌گویند کفن نمایند.

## اندازه‌ی کفن

مقدار واجب از لنگ و پیراهن، آن اندازه‌ای است که عرفاً بر آن لنگ و پیراهن گفته شود، ولی احتیاط واجب آن است که لنگ از ناف تا زانو اطراف بدن را بپوشاند، و افضل<sup>۱</sup> آن است که از سینه تا روی پا برسد، و پیراهن باید از سر شانه و - بنا بر احتیاط واجب - تا نصف ساق پا تمام بدن را بپوشاند، و افضل آن است که تا روی پا برسد، و درازای سرتاسری باید به قدری باشد که بستن دو سر آن ممکن باشد، و پهنای آن باید به اندازه‌ای باشد که یک طرف آن روی طرف دیگر بیاید.

## ضخامت کفن

واجب است که مجموع سه پارچه‌ی کفن طوری باشد که بدن میت از زیر آن پیدا نباشد، بلکه - بنا بر احتیاط واجب - هر یک از سه پارچه‌ی کفن به قدری نازک نباشد که بدن میت از زیر آن پیدا باشد.<sup>۲</sup>

**نکته:** مستحب است انسان، کفن خود را تهیه کند، و هرگاه به آن نظر کند مأجور است.

۱. یعنی بهتر است.

۲. البته کفن میت شرایط دیگری هم دارد. مثل این که نباید نجس باشد. و همچنین نباید غصبی باشد. بنابراین، اگر کسی کفن خریده و خمس به آن تعلق گرفته باشد، قبل از این که خمس آن را بپردازد، نمی‌تواند از آن کفن استفاده کند.

## احکام حنوط

بعد از غسل، واجب است میّت را حنوط کنند، یعنی به پیشانی و کف دست‌ها و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاهای او کافور بمالند، و بنا بر احتیاط مستحب، مقداری کافور هم بر این مواضع بگذارند<sup>۱</sup>، و مستحب است به سر بینی میّت نیز کافور بمالند، و باید کافور ساییده و تازه باشد، و اگر به واسطه‌ی کهنگی، عطر آن از بین رفته باشد، کافی نیست.

آیا مالیدن کافور ترتیب خاصی دارد؟



احتیاط مستحب آن است که اول کافور را به پیشانی میّت بمالند، ولی در جاهای دیگر، ترتیب لازم نیست.

**نکته:** مستحب است دو چوب تر و تازه همراه میّت در قبر بگذارند.



## احکام نماز میت

نماز خواندن بر میّت مسلمان، و همچنین بچه‌ای که محکوم<sup>۲</sup> به اسلام و شش سال او تمام شده باشد واجب است.

۱. یعنی بهتر است وقتی کافور را می‌مالند مقداری از آن را بر بدن باقی بگذارند.

۲. مثل بچه‌ای که از پدر و مادر مسلمان متولد شده است، که به خود بچه تا زمانی که ممیز نشده و اظهار اسلام نکرده است، نمی‌گویند مسلمان است، بلکه می‌گویند محکوم به اسلام است. یعنی احکام اسلام را برای او رعایت می‌کنند.





## وقت خواندن نماز میت

نماز میت باید بعد از غسل و حنوط و کفن کردن او خوانده شود، و اگر پیش از اینها یا در بین اینها بخوانند - اگر چه از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد - کافی نیست.

## وضو و نماز میت

کسی که می‌خواهد نماز میت بخواند، لازم نیست با وضو یا غسل یا تیمم باشد و یا بدن و لباسش پاک باشد.

کسی که بر میت نماز می‌خواند چه نکاتی را باید رعایت نماید؟



کسی که بر میت نماز می‌خواند باید رو به قبله باشد، ولی باید از جای میت زیاد پست تر یا بلندتر نباشد، و اگر پستی و بلندی زیاد نباشد، اشکال ندارد. همچنین، نماز گزار باید مقابل میت بایستد.

## دو نکته:

- ۱- کسی که نماز میت را می‌خواند باید مؤمن<sup>۱</sup> باشد.
- ۲- اگر میت را عمداً یا از روی فراموشی یا به جهت عذری، بدون نماز دفن کنند، تا وقتی که جسد او از هم نپاشیده، واجب است با شرایطی که برای میت ذکر شد به قبرش نماز بخوانند؛ و همچنین در صورتی که نمازی که بر او خوانده شده، باطل بوده است.

۱. مؤمن در مسائل فقهی یعنی شیعه‌ی دوازده امامی.

## دستور نماز میت

نماز میت پنج تکبیر دارد، و اگر نمازگزار پنج تکبیر را به این ترتیب بگوید کافی است: بعد از نیت و گفتن تکبیر اول بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»

و بعد از تکبیر دوم بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»

و بعد از تکبیر سوم بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ»

و بعد از تکبیر چهارم بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا الْمَيِّتِ» و اگر زن است بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذِهِ الْمَيِّتِ» و بعد از تکبیر پنجم بگوید.<sup>۱</sup>

باید تکبیرها و دعاها را طوری پشت سر هم بخواند که نماز از صورت خود خارج نشود.

کسی که نماز میت را به جماعت می خواند باید تکبیرها و دعاها را هم بخواند اگر چه مأموم باشد.

## احکام دفن



واجب است میت را طوری در زمین دفن کنند که بوی او بیرون نیاید و درندگان هم نتوانند بدنش را بیرون آورند. و اگر ترس آن باشد که جانوری بدن او را بیرون آورد، باید قبر را با آجر و مانند آن محکم کنند.

۱. نماز میت را می توان به طور مفصل - به نحوی که در رساله های عملیه آمده است - هم خواند.



چگونه باید میت را در قبر بخوابانند؟



میت را باید در قبر به پهلو راست طوری بخوابانند که جلوی بدن او رو به قبله باشد.

دفن مسلمان در قبرستان کفار، و دفن کافر در قبرستان مسلمانان جایز نیست.

دفن میت در جای غصبی و در زمینی که برای غیر دفن کردن وقف شده، جایز نیست.

**نکته:** مستحب است قبر را به اندازه‌ی قد انسان متوسط گود کنند و میت را در نزدیکترین قبرستان دفن نمایند؛ مگر آن که قبرستان دورتر از جهتی بهتر باشد، مثل آن که مردمان خوب در آن جا دفن شده باشند، یا مردم برای فاتحه‌ی اهل قبور بیشتر به آن جا بروند<sup>۱</sup>.

## غسل‌های مستحب

در شرع مقدس اسلام غسل‌هایی مستحب است و از آن جمله است:

۱ - غسل جمعه؛ و وقت آن بعد از اذان صبح است تا ظهر، و بهتر آن است که نزدیک ظهر به جا آورده شود و اگر تا ظهر انجام ندهد، بهتر است که بدون نیت اداء و قضا، تا غروب به جا آورد، و اگر در روز جمعه غسل نکند، مستحب است از صبح

۱. تا اینجا شش مورد از غسل‌های واجب بیان شد، و مورد هفتم غسلی است که به واسطه نذر و قسم و مانند اینها واجب می‌شود. یعنی اگر انسان نذر کند که فلان غسل مستحب را انجام بدهد، انجام آن غسل مستحب بر او واجب می‌شود. مثلاً کسی نذر کند اگر حاجتم برآورده شد، در روز جمعه غسل جمعه را بجا می‌آورم.

شنبه تا غروب، قضای آن را به جا آورد، و کسی که می داند در روز جمعه آب پیدا نخواهد کرد، می تواند روز پنجشنبه، غسل را رجاء<sup>۱</sup> انجام دهد.

۲ - غسل شب اول، هفدهم، نوزدهم، بیست و یکم، بیست و سوم و بیست و چهارم ماه مبارک رمضان.

۳ - غسل روز عید فطر و عید قربان.

۴ - غسل زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام از نزدیک.



۵ - غسل توبه از فسق و کفر.

۱. رجاء یعنی به امید ثواب و امید مطلوبیت نزد خدای متعال. وقتی مستحب بودن عملی برای انسان ثابت شود، شخص می تواند آن عمل را به قصد عمل مستحب به جا آورد. ولی وقتی استحباب آن ثابت نشود ولی احتمال استحباب باشد می تواند آن عمل را رجاء انجام دهد. یعنی به امید اینکه اگر آن عمل در نزد خداوند متعال مستحب باشد به ثواب آن برسد.

## دفن میت مسلمان در کشور غیر اسلامی

اگر مسلمانی در یکی از کشورهای غیر اسلامی از دنیا برود،



آیا می شود او را در همان قبرستان کفار دفن کرد؟



خیر. دفن مسلمان در قبرستان کفار و دفن کافر در قبرستان مسلمانان حرام است.

در کشوری زندگی می کنیم که قبرستانی برای مسلمانان

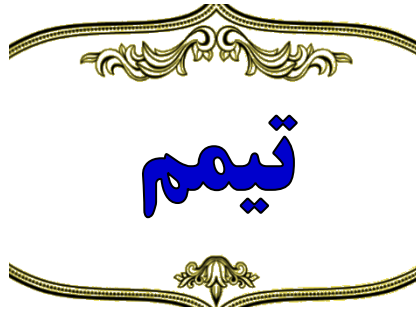


اختصاص داده نشده است. اگر شخص مسلمانی از دنیا برود، وظیفه‌ی

ما نسبت به دفن او چیست؟

اگر ممکن است او را در غیر قبرستان و در جایی که بی احترامی به او حساب نشود دفن نمایید. و اگر دفن او در غیر قبرستان ممکن نیست، باید میت را به جایی منتقل کنید که قبرستانی برای مسلمانان داشته باشد.





## باطل شدن تیمم

اگر به واسطه‌ی نداشتن آب یا عذر دیگری تیمم کند، بعد از برطرف شدن عذر، تیمم او باطل می‌شود. و چیزهایی که وضو را باطل می‌کند، تیمم بدل از وضو را هم باطل می‌کند، و چیزهایی که غسل را باطل می‌نماید تیمم بدل از غسل را هم باطل می‌نماید.

## تیمم بدل از غسل به جای وضو

آیا تیمم بدل از غسل جای وضو را می‌گیرد؟



اگر بدل از غسل جنابت تیمم کند، لازم نیست برای نماز وضو بگیرد، ولی اگر بدل از غسل‌های دیگر تیمم کند، باید وضو بگیرد، و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمم دیگری هم بدل از وضو بنماید.



## وضو بعد از تیمم بدل از غسل

کسی که تیمم بدل از غسل جنابت کرده اگر موجبات وضو



برایش اتفاق افتاد وظیفه اش چیست؟

اگر بدل از غسل جنابت، تیمم کند و بعد، یکی از مبطلات وضو پیش آید اگر برای نمازهای بعد نتواند غسل کند، باید مجدداً بدل از غسل، تیمم نماید و بنا بر احتیاط مستحب، وضو هم بگیرد.



# نماز



قبل از ورود در احکام نماز اشاره به دو نکته لازم است:

**(اول) اهمیت نماز:** در قرآن مجید نزدیک به صد مورد از نماز گفتگو شده، و اشاره به دو مورد آن کافی است:

**۱ -** بعد از آن که خداوند متعال حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام را به مقام نبوت و رسالت و خُلت<sup>۱</sup> اختیار نمود و به کلمات آزمایش و مبتلا کرد و آن حضرت کلمات را اتمام نمود، به مقام امامت نایل شد، و آن قدر عظمت مقام امامت - بعد از آن همه مقامات - در

۱. دوستی. ۲. سوره ی بقره، آیه ی ۱۲۴.

۲. سوره ی بقره، آیه ی ۱۲۴.

۳. سوره ی بقره، آیه ی ۱۲۴.

نظرش جلوه کرد که ﴿قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي﴾<sup>۱</sup> (گفت و از برای فرزندان من هم؟) جواب شنید ﴿لَا يَنْتَهِ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾<sup>۲</sup> (پیمان من به ظالمین نمی‌رسد)، و در عظمت نماز همین اندازه بس که آن کس که خداوند متعال برای او مقام امامت را خواست و او برای ذریه‌اش مسألت کرد - بعد از طی تمام مقدمات - در جوار خانه خدا از خداوند متعال خواست: ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي﴾<sup>۳</sup> (پروردگارا مرا اقامه کننده نماز قرار بده و ذریه مرا).

و همچنین بعد از آن که ذریه‌ی خود را در نزد بیت مسکن داد، گفت ﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ، رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾<sup>۴</sup> (پروردگارا ما هر آینه من از ذریه‌ی خودم مسکن دادم به بیابان بدون زرع نزد خانه محترم تو، پروردگارا برای اینکه اقامه نماز بنمایند).

۲ - در قرآن مجید یک سوره به نام مؤمنون است، و در آن مؤمنان به خصوصیتی معرفی شده‌اند، و اول خصوصیتی که به آن ابتدا شده این است که: ﴿الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾<sup>۵</sup> (آنان که همانا در نمازشان خاشعند) و آخر خصوصیتی هم که به آن ختم می‌شود ﴿وَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾<sup>۶</sup> (و آن چنان کسانی که همانها بر نمازهایشان محافظت دارند)

پس افتتاح ایمان و ختم ایمان به نماز است، ثمره‌ی آن هم این آیه است: ﴿أُولَئِكَ

هُمُ الْوَارِثُونَ \* الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾<sup>۷</sup>

۳. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۴۰.

۵. سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۲.

۷. سوره‌ی مؤمنون، آیات ۱۰ و ۱۱.

۵. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۳۷.

۲. سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۹.

و از سنت<sup>۱</sup> همین اندازه بس است که از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده که فرمودند: بعد از معرفت خدا چیزی را افضل از این صلوات پنجگانه نمی‌دانم، و عدم علم از آن حضرت، علم به عدم است<sup>۲</sup> و این روایت بیان کلام خداست، و خداوند متعال هم در قرآن مجید می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾<sup>۳</sup> بعد از ایمان به غیب اقامه نماز ذکر شده است. و در عظمت نماز همین اندازه کفایت می‌کند که جامع‌تر از نماز بین عبادات، عبادتی یافت نمی‌شود، زیرا این عبادتی است مشتمل بر عبادت فعلی و بر عبادت قولی، و عبادت فعلی آن شامل افعال عبادی از رکوع و سجود و قیام و قعود است، و عبادت قولی آن شامل قرائت و ذکر و جامع جمیع معارف الهیه از تسبیح و تکبیر و تحمید و تهلیل که ارکان اربعه‌ی معارف حضرت حق سبحانه و تعالی است، و مشتمل است بر تمام عبادات ملائکه‌ی مقربین، که عده‌ای از آنها عبادتشان در قیام است و عده‌ای در قعود و جمعی در رکوع و جمعی در سجود.

**(دوم)** انسان مواظب باشد که به عجله و شتاب زندگی نماز نخواند، و در حال نماز، به یاد خدا و با خضوع و خشوع و وقار باشد، و متوجه باشد که با چه کسی سخن می‌گوید و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خداوند عالم ناچیز ببیند. و نیز باید نمازگزار توبه و استغفار نماید و گناहانی را که مانع قبول شدن نماز است مانند حسد، کبر، غیبت، خوردن حرام، آشامیدن مسکرات، ندادن خمس و زکات و بلکه هر معصیتی را ترک کند.

۱. روایات چهارده معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

۲. وقتی حضرت می‌فرماید (چیزی را بهتر از نمازهای پنجگانه نمی‌دانم) یعنی می‌دانم که چیزی بهتر از نمازهای پنجگانه نیست.

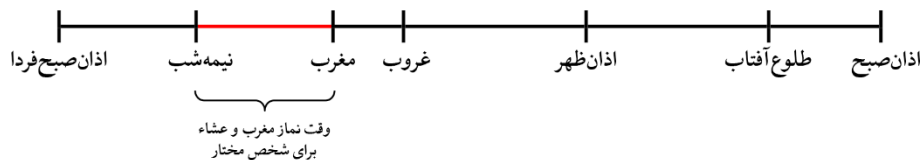
۳. سوره‌ی بقره، آیات ۲ و ۳.

و همچنین سزاوار است کارهایی را که ثواب نماز را کم می‌کند به‌جا نیاورد، مثلاً در حال خواب آلودگی و خودداری از بول به نماز نایستد و در موقع نماز به آسمان نگاه نکند، و کارهایی را که ثواب نماز را زیاد می‌کند به‌جا آورد، مثلاً انگشتر عقیق به دست کند و لباس پاکیزه بپوشد و شانه و مسواک کند و خود را خوشبو نماید.

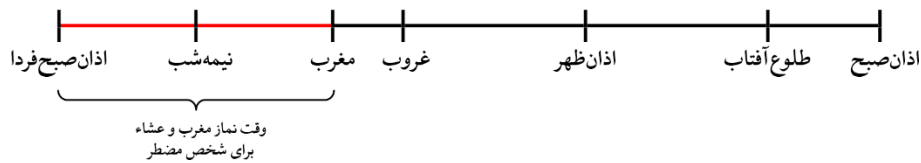


## وقت نماز مغرب و عشا

احتیاط واجب آن است که نماز مغرب را از پنهان شدن قرص خورشید تأخیر بیندازد تا سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پیدا می‌شود از بالای سر انسان بگذرد.



وقت نماز مغرب و عشاء برای مختار تا نیمه شب امتداد دارد، و اما برای مضطر، به جهت خواب یا فراموشی یا حیض یا غیر اینها، تا طلوع فجر صادق<sup>۱</sup> امتداد دارد. اگر عمداً نماز مغرب یا عشاء را تا نصف شب نخواند<sup>۲</sup>، احوط آن است که تا قبل از اذان صبح بدون اینکه نیت ادا و قضا کند آن نماز را به جا آورد.<sup>۳</sup>



## اذان

آیا زن می‌تواند برای نماز جماعت اذان بگوید؟



آذان و اقامه‌ی نماز جماعت را باید مرد بگوید، ولی در نماز جماعت زنان اگر زن اذان و اقامه بگوید کافی است.

## لباس شهرت و موهن

پوشیدن لباسی که پارچه یا رنگ یا دوخت آن برای کسی که می‌خواهد آن را بپوشد معمول نیست، در صورتی که موجب هتک حرمت او، یا موجب شهرت و انگشت‌نما شدنش بشود حرام است، و اگر در نماز، با آن ستر عورت کند، بعید نیست که حکمش حکم لباس غضبی باشد.

۱. فجر صادق یعنی وقت اذان صبح.

۲. گناه کرده است.

۳. یعنی بنا بر احتیاط واجب، به قصد مافی‌الذمه بخواند.

## مواردی که لازم نیست بدن و لباس نمازگزار پاک باشد

در سه صورت اگر بدن یا لباس نمازگزار نجس باشد، نماز او صحیح است:

**(اول)** آن که به واسطه ی زخم یا جراحت یا دُملی که در بدن اوست، لباس یا بدنش به خون آلوده شده باشد.<sup>۱</sup>

**(دوم)** آن که بدن یا لباس او به مقدار کمتر از درهم به خون آلوده باشد، و اندازه ی درهم - از جهت عفو خون کمتر از آن در نماز - تقریباً به مقدار بند سر انگشت سبابه (شهادت) می باشد.

**(سوم)** آن که ناچار باشد با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.

## آهسته و بلند خواندن

آنچه واجب است بلند خوانده شود، که عبارت است از: حمد و سوره ی نماز صبح و مغرب و عشاء برای مرد.

آنچه واجب است آهسته خوانده شود، که عبارت است از: حمد و سوره ی نماز ظهر و عصر و حمد یا تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم نمازها برای مرد و زن.

۱- حمد و سوره ی نماز صبح و مغرب و عشاء برای زن در صورتی که نامحرم صدایش را نشنود. آنچه اختیاری است که عبارت است از:

۲- ذکر و دعا و تشهد و سلام.

آهسته و بلند  
خواندن

۱. البته باید به نحوی باشد که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس برای نوع مردم مشقت داشته باشد. ولی اگر خیلی سخت نباشد باید با بدن و لباس پاک نماز بخواند.

**سجده**

چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است عبارتند از:

خاک



سنگ



چوب



سجده باید بر زمین و چیزهای غیر خوراکی و پوشاکی که از زمین می‌روید - مانند چوب و برگ درخت - باشد و سجده بر چیزهای خوراکی و پوشاکی، مانند گندم و جو

و پنبه، و چیزهایی که زمین و رویدنی از زمین بر آنها صدق نمی‌کند، مانند طلا و نقره و قیر و زفت و امثال اینها صحیح نیست، و همچنین است بنا بر احتیاط واجب، سجده بر سنگهای گرانبها مانند زمرد و فیروزه.



### سجده بر کاغذ



آیا سجده بر کاغذ صحیح است؟



اگر کاغذ را از چیزی که سجده بر آن صحیح است - مثلاً از کاه - ساخته باشند، می‌شود بر آن سجده کرد، ولی سجده بر کاغذی که از پنبه و مانند آن ساخته شده باشد محل اشکال<sup>۱</sup> است.

### بهترین چیز برای سجده



برای سجده، بهتر از هر چیز تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام می‌باشد، بعد از آن، خاک، بعد از خاک، سنگ، و بعد از سنگ، گیاه است.

۱. یعنی بنا بر احتیاط واجب، سجده بر آن صحیح نیست.



اگر در سجده‌ی اول، مُهر به پیشانی بچسبد، باید برای سجده‌ی دوم، مُهر را بردارد.

**نکته:** سجده کردن برای غیر خداوند متعال حرام می‌باشد، و بعضی از مردم که مقابل قبر امامان علیهم‌السلام پیشانی را به زمین می‌گذارند، اگر برای شکر خداوند متعال باشد اشکال ندارد، وگرنه حرام است.

## نماز در هواپیما و مانند آن

اگر سوار هواپیما یا قطار و مانند آنها بشویم و وقت نماز فرا برسد،  
وظیفه‌ی ما چیست؟ آیا نماز خواندن باز هم واجب است؟



بلی؛ واجب است. ولی اگر وقت نماز وسعت دارد به نحوی که بعد از پیاده شدن از هواپیما باز هم وقت برای خواندن نماز باشد، نباید در هواپیما نماز بخواند. بلکه، باید صبر کند و بعد از پیاده شدن با رعایت تمام شرایط، نمازش را به جا آورد.<sup>۱</sup>

۱. در صورت امکان، بلیطی تهیه نماید که تمام وقت نماز را در هواپیما نباشد.



اگر وقت تنگ بود و وظیفه این شد که در هواپیما و مانند آن نماز بخوانیم، لطفاً روش نماز خواندن در آن جا را به ترتیب سؤالات زیر بیان فرمایید.

### الف - اگر وضو نداشتیم، وظیفه چیست؟

سعی کنید همیشه قبل از سوار شدن به نیت این که وضو مستحب است، وضو بگیرید که در هواپیما به مشکل برنخورید. و اگر وضو نداشتید، چنانچه ممکن است، باید در همان هواپیما با رعایت تمام شرایط، وضو بگیرید. و اگر شرایط برای وضو گرفتن به هیچ وجه فراهم نشد، باید با رعایت تمام شرایط، تیمم نمایید.

ب - اگر نه شرایط برای وضو گرفتن فراهم بود و نه چیزی برای تیمم کردن، در این حالت، وظیفه چیست؟

در چنین حالتی، نماز خواندن بر شما واجب نیست. ولی بهتر است بدون وضو و تیمم نماز بخوانید. و باید بعداً قضای آن را به جا آورید.

### ج - وظیفه‌ی ما نسبت به قبله در هواپیما چیست؟

اگر قبله معلوم باشد، باید نمازتان را به سمت آن بخوانید. و اگر معلوم نباشد، باید از دیگران - مثلاً خدمه‌ی هواپیما - پرسید. و اگر به هیچ وجه، جهت قبله معلوم نشد، به هر سمتی که گمان دارید قبله باشد نماز بخوانید. و اگر به هیچ طرفی گمان ندارید، به هر طرفی که نماز بخوانید کافی است.

د - اگر در حال نماز خواندن، هواپیما از جهت قبله منحرف شود، وظیفه چیست؟

باید سکوت کرده و چیزی نخوانید و به طرف قبله بچرخید و بعد نماز را ادامه دهید.

هـ - اگر امکان رکوع رفتن در هواپیما نبود - مثلاً صندلی یا مسافران دیگر مانع خم شدن او باشند - وظیفه چیست؟

هرگاه نتوانید به اندازه‌ی رکوع شرعی<sup>۱</sup> خم شوید، بنا بر احتیاط واجب، باید رکوع عرفی<sup>۲</sup> به جا آورید و با سر هم در حال ایستاده به رکوع اشاره نمایید.<sup>۳</sup> و اگر نتوانید به اندازه‌ی رکوع عرفی هم خم شوید یا هیچ نتوانید خم شوید، بنا بر احتیاط واجب، موقع رکوع بنشینید و نشسته رکوع کنید؛ و نماز دیگری نیز بخوانید و برای رکوع آن در حال ایستاده با سر اشاره نمایید.



و - اگر امکان سجده رفتن در هواپیما نبود، وظیفه چیست؟

اگر ممکن است سجده را روی همان صندلی که نشسته‌اید به جا آورید. یعنی مهر یا چیزی دیگری که سجده بر آن صحیح است را روی جایی که هم سطح جای نشستن است قرار دهید و روی آن سجده نمایید. و اگر همین مقدار هم امکان نداشت، باید با سر برای سجده اشاره نمایید.

- 
۱. یعنی به اندازه‌ای خم شوید که سر انگشتان به سر زانوها برسد.
  ۲. یعنی به اندازه‌ای خم شوید که مردم بگویند به رکوع رفته‌اید. هرچند که سر انگشتان دست به زانو نرسد.
  ۳. یعنی به نیت رکوع، مقداری سر را به طرف پایین بیاورید و ذکر رکوع را بگویید.

## نماز خواندن زن باردار (یا شخص ناتوان)

با توجه به این که خواندن نماز با رکوع یا سجده‌ی کامل برای



زن باردار سخت است، روش نماز خواندن او چگونه باید باشد؟

این مسأله چند حالت دارد:

**حالت اول:** اگر تحمل آن سختی برای او حرجی (خیلی سخت) نباشد و رکوع یا سجده‌ی کامل برای جنین یا خود او ضرری نداشته باشد، باید نمازش را به طور متعارف بخواند.

**حالت دوم:** اگر انجام رکوع شرعی<sup>۱</sup> برای او خیلی سخت باشد، یا اینکه برای جنین یا خود او ضرر داشته باشد، بنا بر احتیاط واجب، باید رکوع عرفی<sup>۲</sup> به جا آورد و با سر هم در حال ایستادن اشاره به رکوع نماید.<sup>۳</sup> و اگر نتواند به اندازه‌ی رکوع عرفی هم خم شود، یا هیچ نتواند خم شود، بنا بر احتیاط واجب، موقع رکوع بنشیند و نشسته رکوع کند و نماز دیگری هم بخواند و برای رکوع آن، در حال ایستادن با سر اشاره نماید.

**حالت سوم:** اگر برای سجده، رساندن پیشانی به زمین برای او خیلی سخت باشد، یا این که برای جنین یا خود او ضرر داشته باشد، باید به قدری که می تواند خم شود، و مهر یا چیز دیگری را که سجده بر آن صحیح است روی چیز بلندی گذاشته و طوری پیشانی را بر آن بگذارد که بگویند سجده کرده است، ولی باید کف دست‌ها و زانو‌ها و انگشتان پا را به طور معمول به زمین بگذارد. و اگر اصلاً نمی تواند سجده نماید، باید برای سجده، با سر اشاره کند.

۱. یعنی به اندازه‌ای خم شود که سر انگشتان به زانو برسد.

۲. یعنی به اندازه‌ای خم شود که مردم بگویند به رکوع رفته است، اگر چه سر انگشتان دست به زانو نرسد.

۳. یعنی به نیت رکوع مقداری سر را به طرف پایین بیاورد و ذکر رکوع را بگوید.



**حالت چهارم:** اگر خود سجده برایش مشکل نباشد ولی نشستن و برخاستن برای او خیلی سخت باشد یا برای جنین یا خود او ضرر داشته باشد، باید برای سجده، روی صندلی بنشیند و مهر را روی میزی که حدوداً همسطح ارتفاع صندلی اوست گذاشته و روی آن سجده نماید، و در این حالت، بنا بر احتیاط واجب، انگشت‌های بزرگ پا را در صورت امکان، روی زمین بگذارد.

### شب و روز غیر متعارف

**۶۲** در بعضی کشورها، شب و روز غیر متعارف است. مثلاً گاهی شب آن بیست و دو ساعت و روز آن دو ساعت است یا بالعکس. حکم نماز در این سرزمین‌ها چیست؟

باید نمازتان را در اوقات شرعی آن به جا آورید هرچند که شب و روز آن غیر متعارف باشد.

**۶۳** در بعضی از کشورها، گاهی خورشید اصلاً غروب نمی‌کند - مثلاً شش ماه - وظیفه‌ی انسان نسبت به نماز در چنین مکان‌هایی چیست؟

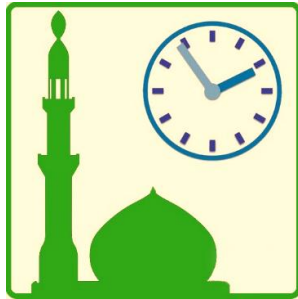
اگر فرض شود که مکلف در محلی است که روز آن شش ماه و شب آن نیز شش ماه است و می‌تواند از آن جا به جای دیگری برود که در بیست و چهار ساعت، شب و روز دارد و نمازش را در وقت شرعی آن به جا آورد، واجب است منتقل شود. و اگر نمی‌تواند به جای دیگری برود، بنا بر احتیاط واجب، در هر ۲۴ ساعت، یک بار نمازهای پنج‌گانه را خوانده و قضای آنها را نیز به جا آورد.

## اوقات شرعی در کشورهای غیر اسلامی

تشخیص اوقات شرعی برای نماز در کشورهای غیر اسلامی



چگونه است؟



اگر شخص وقت شناس مورد اطمینان وقت نماز را اعلام کند، چنانچه گمان بر خلاف گفته‌ی او ندارید، طبق آن عمل کنید. همچنین، اگر مراکز اسلامی، وقت نماز را اعلام کنند و برای انسان علم یا اطمینان حاصل شود، باید طبق اعلام آنها عمل نمایید. و اگر شخص یا مرکزی نبود، می‌توانید احکام وقت نماز را فرا گرفته و شخصاً نسبت به تشخیص وقت نماز اقدام کنید. و اگر این هم برایتان مقدور نبود، باید احتیاط نمایید. یعنی به قدری صبر کنید که مطمئن شوید وقت نماز فرا رسیده است.

## ورود کافر به مسجد

وقتی برای نماز به مسجد می‌رویم، بعضی از همکاران ما که



کافر هستند دوست دارند به همراه ما به مسجد بیایند. آیا راه دادن آنها

به مسجد جایز است؟

اگر وارد شدن کفار به مسجد موجب بی‌احترامی و هتک حرمت مسجد شود یا به نحوی است که با ورود آنها، مسجد نجس می‌شود، راه دادن آنان حرام است. و اگر هتک حرمت نیست و باعث نجاست هم نمی‌شود، بنا بر احتیاط واجب، حرام است.



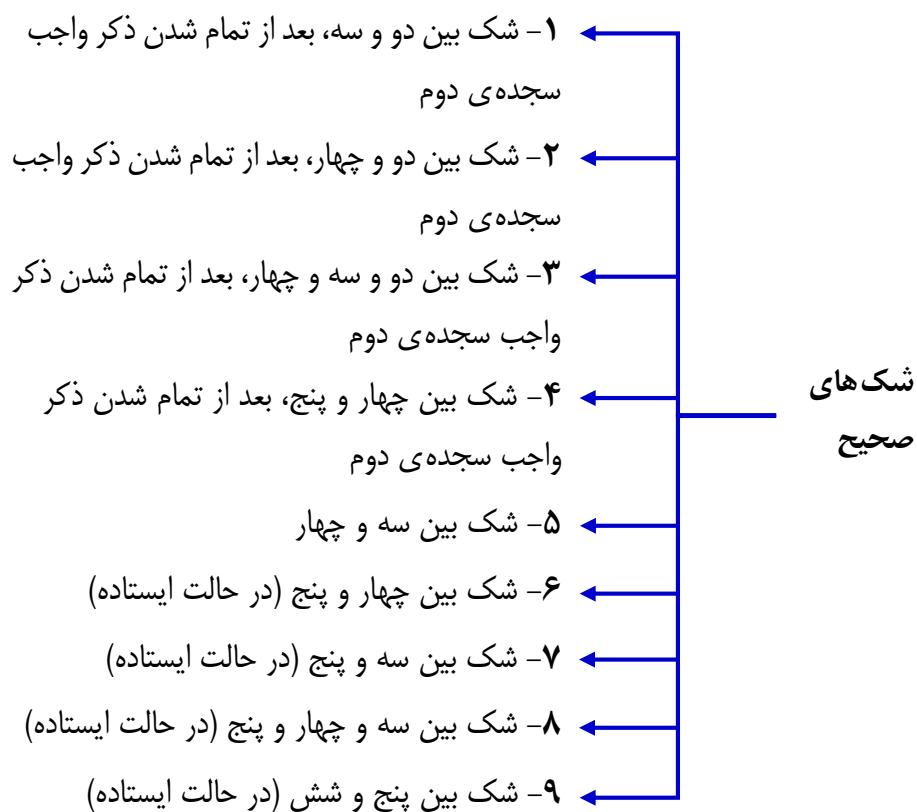
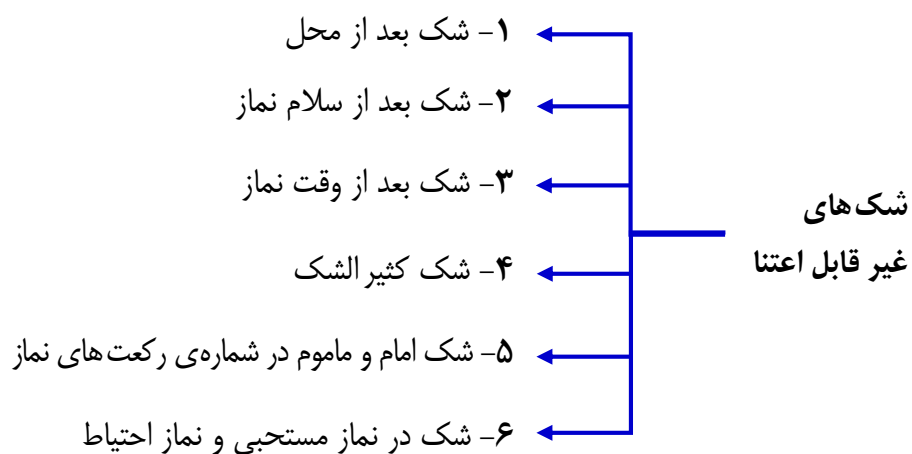
## شکایات



شکایات نماز بیست و سه قسم است: هشت قسم آن شک‌هایی است که نماز را باطل می‌کند هرچند بطلان در بعضی از آنها مبنی بر احتیاط<sup>۱</sup> است، و به شش قسم آن نباید اعتنا کرد، و نه قسم دیگر آن صحیح است.

- |  |                          |
|--|--------------------------|
| <p>۱- شک در شماره‌ی رکعت‌های نماز دو رکعتی واجب</p> <p>۲- شک در شماره‌ی رکعت‌های نماز سه رکعتی</p> <p>۳- در نماز چهار رکعتی شک کند که یک رکعت خوانده یا بیشتر</p> <p>۴- در نماز چهار رکعتی، پیش از تمام شدن ذکر سجده‌ی دوم، شک کند که دو رکعت خوانده یا بیشتر</p> <p>۵- شک در رکعت‌های نماز که نداند چند رکعت خوانده است</p> <p>۶- شک بین دو و پنج، یا دو و بیشتر از پنج، ولی در این شک - بنا بر احتیاط واجب - بنا را بر دو بگذارد و نماز را تمام کند و اعاده نماید</p> <p>۷- شک بین سه و شش، و سه و بیشتر از شش، ولی در این شک - بنا بر احتیاط واجب - بنا را بر سه بگذارد و نماز را تمام کند و اعاده نماید</p> <p>۸- شک بین چهار و شش، و چهار و بیشتر از شش که احتیاط واجب آن است بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند، و اعاده نماید</p> | <p>شک‌های باطل کننده</p> |
|--|--------------------------|

۱. یعنی در بعضی موارد، نماز، بنا بر احتیاط واجب، باطل می‌شود.







### توضیح شک‌های باطل کننده

بعضی از شک‌هایی که نماز را باطل می‌کند از این قرار است:

**(اول)** شک در شماره‌ی رکعت‌های نماز دو رکعتی واجب، مثل نماز صبح و نماز مسافر، ولی شک در شماره‌ی رکعت‌های نماز مستحب و نماز احتیاط، نماز را باطل نمی‌کند.

**(دوم)** شک در شماره‌ی رکعت‌های نماز سه رکعتی.

**(سوم)** آن که در نماز چهار رکعتی شک کند که یک رکعت خوانده یا بیشتر.

**(چهارم)** آن که در نماز چهار رکعتی، پیش از تمام شدن ذکر سجده‌ی دوم، شک کند که دو رکعت خوانده یا بیشتر.

**(پنجم)** شک در رکعت‌های نماز که نداند چند رکعت خوانده است.

**نکته:** اگر یکی از شک‌های باطل کننده برای انسان پیش آید، باید به قدری فکر کند که آن شک مستقر<sup>۱</sup> شود و بعد از آن می‌تواند نماز را به هم بزند، و بهتر آن است که به قدری فکر کند که صورت نماز به هم بخورد.

### توضیح شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد

شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد از این قرار است:

**(اول)** شک در چیزی که محل به جا آوردن آن گذشته است، مثل آن که در رکوع شک کند که حمد را خوانده یا نه.

**(دوم)** شک بعد از سلام نماز.

۱. یعنی پابرجا بماند و ذهن او به یک طرف مایل نشود.



**(سوم)** شک بعد از گذشتن وقت نماز.

**(چهارم)** شک کثیر الشک، یعنی کسی که زیاد شک می‌کند.

**(پنجم)** شک امام در شماره‌ی رکعت‌های نماز، در صورتی که شماره‌ی آنها را مأموم بداند، و همچنین شک مأموم در صورتی که امام شماره‌ی رکعت‌های نماز را بداند.

**(ششم)** شک در نمازهای مستحبی و نماز احتیاط.

### توضیح شک‌های صحیح

در نه صورت، اگر در شماره‌ی رکعت‌های نماز چهار رکعتی شک کند، باید فکر نماید، و بنا بر احتیاط واجب، تأخیر نیندازد، پس اگر یقین یا گمان به یک طرف شک پیدا کرد، همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند، وگرنه به دستورهایی که بیان می‌شود عمل نماید، و بعضی از آن نه صورت از این قرار است:

**(اول)** آن که بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده‌ی دوم، شک کند که دو رکعت خوانده است یا سه رکعت؛ که باید بنا بگذارد سه رکعت خوانده است و یک رکعت دیگر بخواند و نماز را تمام کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده به جا آورد.

**(دوم)** شک بین سه و چهار که در هر جای نماز باشد باید بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند، و بنا بر مشهور، بعد از نماز، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته به جا آورد، ولی احتیاط واجب آن است که دو رکعت نماز نشسته را اختیار کند.

**(سوم)** شک بین چهار و پنج، بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده‌ی دوم، که باید بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز، دو سجده‌ی سهو به جا آورد.

**(چهارم)** شک بین چهار و پنج در حالی که ایستاده است؛ که باید بنشیند و تشهد بخواند و سلام نماز را بدهد. و بنا بر مشهور، بعد از نماز، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته به جا آورد ولی احتیاط واجب آن است که دو رکعت نماز نشسته را اختیار کند.



**نکته:** اگر یکی از شک‌های صحیح برای انسان پیش آید، نباید نماز را بشکنند، بلکه به دستوری که برای آن شک هست عمل نمایند.

### نماز احتیاط

کسی که نماز احتیاط بر او واجب است، بعد از سلام نماز، باید فوراً نیت نماز احتیاط نموده و تکبیر بگوید و حمد را بخواند و به رکوع رود و دو سجده نماید. پس اگر یک رکعت نماز احتیاط بر او واجب است، بعد از دو سجده، تشهد بخواند و سلام دهد. نماز احتیاط سوره و قنوت ندارد، و باید آن را آهسته بخواند و نیت آن را به زبان نیاورد، و بنا بر احتیاط واجب، «بِسْمِ اللَّهِ» آن را هم آهسته بگوید.

### سجده‌ی سهو

برای پنج چیز، بعد از سلام نماز، باید دو سجده سهو به دستوری که می‌آید به جا آورد:

**(اول)** آن که در حین نماز، سهواً حرف بزند.

**(دوم)** آن که تشهد را فراموش کند.

**(سوم)** آن که در نماز چهار رکعتی، بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده‌ی دوم، شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت؛ و همچنین در شک بین پنج و شش در حال ایستادن.

**(چهارم)** آن که بنا بر احتیاط واجب، جایی که نباید سلام نماز را بدهد. مثلاً در رکعت اول، سهواً سلام بدهد.

**(پنجم)** آن که بنا بر احتیاط واجب، یک سجده را فراموش کند؛ و همچنین برای هر چیزی که در نماز اشتباهاً کم یا زیاد کند.



## دستور سجده‌ی سهو

دستور سجده‌ی سهو این است که بعد از سلام نماز، فوراً نیت سجده‌ی سهو نموده و پیشانی را بر چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد، و احتیاط واجب آن است که سایر مواضع سجده را هم بر زمین بگذارد و این ذکر را بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ» و بعد باید بنشیند و دوباره به سجده رود و ذکر را که گذشت بگوید، و بنشیند و بعد از تشهد، سلام دهد، و احتیاط واجب آن است که تشهد به نحو متعارف باشد و در سلام بگوید: «اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ».

## نماز مسافر

### ملاک در مبدأ مسافرت شرعی

ملاک برای محاسبه‌ی مسافت بین مبدأ و مقصد چیست؟ آیا



باید مسافت را از درب منزل حساب کنیم یا از محله و یا از اول شهر؟

ملاک، فاصله‌ی آخرین نقطه‌ی شهر یا روستایی است که از آن خارج می‌شوید تا اولین نقطه‌ی جایی که مقصد شماست. و فرقی بین شهرهای بزرگ و کوچک نیست. بنابراین، اگر آن شهر یا روستا دیوار دارد، باید ابتدای هشت فرسخ را از دیوار آن حساب کند و اگر دیوار ندارد، باید از خانه‌های آخر آن جا حساب نماید.<sup>۱</sup>

۱. با توجه به مطلب فوق، مسافت بین آخرین خانه‌های مسکونی متصل به هم شهر یا روستای مبدأ تا اولین خانه‌های مسکونی متصل به هم مقصد، ملاک برای محاسبه‌ی مسافت شرعی است.



## حکم بلاد کبیره (شهرهای بزرگ)



آیا برای محاسبه‌ی مسافت شرعی، بین شهرهای بزرگ و کوچک تفاوت وجود دارد؟ و آیا باید در شهرهای بزرگ، مسافت شرعی را از درب منزل محاسبه نمود؟



بلاد کبیره (شهرهای بزرگ) تا زمانی که به عنوان «شهر واحد» نامیده شوند، هر مقدار هم بزرگ باشند فرقی با شهرهای کوچک ندارند.

اگر کسی در شهرهای بزرگ از یک محل به محل دیگر - داخل همان شهر- برود و به حد مسافت شرعی برسد، حکم نماز در آن محل به چه صورت است؟



بلاد کبیره (شهرهای بزرگ) تا زمانی که به عنوان «شهر واحد» نامیده شوند، هر مقدار هم که بزرگ باشند؛ اگر از یک طرف به طرف دیگر این شهرها - که به مقدار مسافت شرعی یا بیشتر باشد - سیر شود، نماز تمام (چهار رکعتی) است. و این جایجایی، سفر شرعی به حساب نمی آید.



### حد ترخص

حدّ تَرَحُّص یعنی شخص مسافر به قدری از وطن خود دور شود که شخصی که قدرت شنوایی او متوسط است صدای معمولی اذان آن مکان (شهر) را نشنود؛<sup>۱</sup> و اگر اهل شهر را - به شرط نبودن مانع - نبیند یقیناً به حدّ تَرَحُّص رسیده است و در

این صورت، باید نمازش را شکسته بخواند. و مسافری که به وطنش باز می گردد، وقتی صدای اذان آن جا را بشنود، باید نمازش را تمام (چهار رکعتی) بخواند.<sup>۲</sup>

(البته، باید توجه داشت که حدّ تَرَحُّص فقط مربوط به وطن و جایی است که در حکم وطن می باشد. بنابراین، اگر شخصی در جایی قصد ده روز نموده باشد یا سی روز مردّد در آن جا مانده باشد، همین که شروع به خارج شدن از آن محل کرد، نمازش شکسته است.)

### احکام کثیر السفر

کثیر السفر (کسی که زیاد سفر می کند) سه قسم است:

#### اول: کسی که شغلش سفر (مسافرت کردن) است

کسانی که خودِ سفر کردن شغل آنهاست - مانند راننده، خلبان، ملوان و امثال اینها - هرچند که برای بردن اثاثیه‌ی منزل خود مسافرت کنند، باید نماز را - طبق شرایطی که ذکر می شود - تمام (چهار رکعتی) بخوانند. البته مدار بر این است که عرفاً بگویند شغلش سفر است؛ به عنوان مثال، بگویند کار او رانندگی است.

۱. البته نه صدای بلندگو و امثال آن.

۲. اگر کسی قصد داشته باشد هشت فرسخ یا بیشتر مسافرت کند، همان وقتی که به حدّ تَرَحُّص رسید، نمازش شکسته می شود؛ ولی اگر کسی قصد دارد کمتر از مسافت شرعی مسافرت کند، در این صورت، حتی اگر از حدّ تَرَحُّص هم بگذرد نمازش تمام (چهار رکعتی) است.

## دوم: کسی که شغلش در سفر است

کسانی که خود سفر کردن شغل آنها نیست بلکه شغل آنها در سفر است. این گونه افراد باید نماز خود را - طبق شرایطی که ذکر می‌شود - تمام (چهار رکعتی) بخوانند. مانند کسی که اقامتش در محلی و کارش - از قبیل تجارت، تدریس، طبابت و ... - در محلی دیگر است؛ به گونه‌ای که بیشتر روزها یا مثلاً یک روز در میان برای انجام کار، مسافرت می‌کند.

## اما تفصیل حکم نماز این دو گروه:

کسی که شغلش سفر یا در سفر است چهار حالت پیدا می‌کند<sup>۱</sup>:

**حالت اول:** کمتر از یک ماه می‌خواهد این کار را ادامه دهد. در این صورت، نمازش شکسته است.

**حالت دوم:** از یک ماه تا کمتر از سه ماه می‌خواهد این کار را ادامه دهد. این حالت دو صورت دارد:

**صورت اول:** یک روز در هفته به سفر می‌رود. در این صورت، نمازش شکسته است.

**صورت دوم:** دو روز در هفته یا بیشتر به سفر می‌رود. در این صورت، بنا بر احتیاط واجب، نماز خود را هم شکسته و هم تمام (چهار رکعتی) بخواند.

**حالت سوم:** سه ماه یا بیشتر می‌خواهد این کار را ادامه دهد. این حالت دارای سه صورت است:

**صورت اول:** یک روز در هفته به سفر می‌رود. در این صورت، نمازش شکسته است.

۱. در رابطه با این دو گروه، باید دو مطلب روشن گردد تا حکم آن نیز معلوم شود:

**الف-** تعداد سفرها در ماه

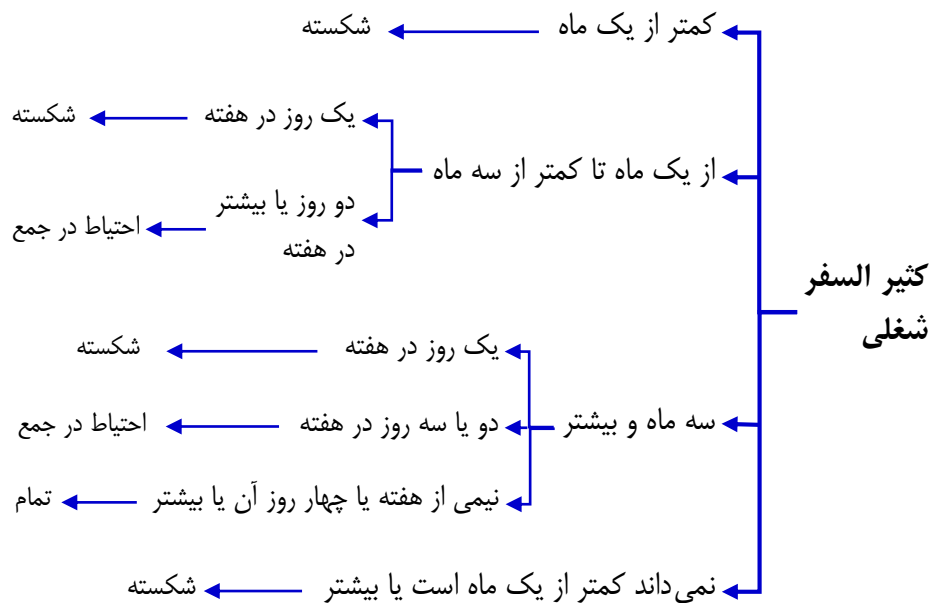
**ب-** مدتی که می‌خواهد این کار را ادامه دهد

**صورت دوم:** دو یا سه روز در هفته به سفر می‌رود. در این صورت، بنا بر احتیاط واجب، نمازش را هم شکسته و هم تمام (چهار رکعتی) بخواند.

**صورت سوم:** نیمی از هفته یا چهار روز در هفته یا بیشتر به سفر می‌رود. در این صورت، نمازش تمام (چهار رکعتی) است.<sup>۱</sup>

**حالت چهارم:** نمی‌داند کمتر از یک ماه است یا بیشتر. در این حالت، باید نمازش را شکسته بخواند.

در نمودار زیر، حکم نماز کثیر السفر به خوبی و به اختصار بیان شده است.



۱. بنابراین، کسی که می‌داند یک تا چهار روز در ماه به سفر می‌رود، نمازش شکسته است. و کسی که پنج تا چهارده روز در ماه به مسافرت می‌رود، بنا بر احتیاط واجب، بین نماز تمام و شکسته جمع نماید. و کسی که پانزده روز در ماه یا بیشتر مسافرت می‌کند، نمازش تمام (چهار رکعتی) است.



### شک در تعداد سفرها در یک ماه

شخصی کاری را شروع کرده ولی از تعداد سفرهایش اصلاً اطلاعی ندارد. به عنوان مثال، نمی‌داند در ماه یا در هفته، چند روز به سفر کاری می‌رود. در این صورت، حکم نماز او چیست؟

چنین شخصی باید نمازش را شکسته بخواند.

### سفر غیر شغلی برای کثیر السفر شغلی

کسی که شغلش مسافرت است و نیز کسی که شغلش در سفر است اگر برای کار دیگری - مانند زیارت یا حج - سفر کند، حکم نمازش چه می‌شود؟

چنین شخصی باید نمازش را شکسته بخواند.<sup>۱</sup>

### سفر اول کثیر السفر

کسی که می‌خواهد تازه مشغول کار رانندگی و مانند آن شود و نیز کسی که می‌خواهد مشغول کاری شود که در سفر است، از سفر چندم باید نمازش را تمام بخواند؟ آیا از همان سفر اول، نماز او تمام است؟

بلی؛ از همان سفر اول، نماز چنین شخصی تمام (چهار رکعتی) است.

۱. البته، اگر راننده‌ای ماشین خود را برای سفر زیارتی کرایه دهد و در ضمن، خودش هم به زیارت برود، در این صورت، باید نماز خود را تمام (چهار رکعتی) بخواند.

### سفر راننده برای تعمیر ماشین

کسی که شغلش سفر بوده و نمازش نیز در سفر تمام است در صورتی که در سفری شغلی ماشینش خراب شود و او برای تعمیر ماشین و آوردن تعمیر کار، مجبور باشد با ماشین دیگری مسافت شرعی را طی نماید، حکم نماز او چگونه است؟

این سفر نیز متعلق به شغل اوست؛ بنابراین، نمازش در آن تمام (چهار رکعتی) است.

### سفر اول پس از ده روز ماندن

کسی که شغلش سفر یا در سفر است اگر ده روز یا بیشتر در وطن یا جای دیگری بماند، حکم نماز او در سفر اولی که بعد از آن ده روز می رود چیست؟

چنین شخصی اگر ده روز یا بیشتر در وطن خود بماند، چه از اول قصد ماندن ده روز را داشته باشد و چه بدون قصد بماند و نیز اگر در غیر وطن خود ده روز یا بیشتر بماند و از اول قصد ماندن ده روز داشته باشد، احتیاط واجب آن است که در سفر اول بین نماز شکسته و تمام جمع نماید.<sup>۱</sup>

۱. البته، اگر مُکّاری (چاروادار) ده روز یا بیشتر در وطن خود بماند، چه از اول قصد ماندن ده روز داشته باشد و چه بدون قصد بماند، و نیز اگر در غیر وطن خود ده روز یا بیشتر بماند و از اول قصد ماندن ده روز داشته باشد، باید در سفر اول - که بعد از ده روز می رود - نمازش را شکسته بخواند. (مُکّاری به کسی گفته می شود که شتر یا اسب و مانند اینها را برای مسافرت به دیگران اجاره داده و خودش نیز همراه آنها مسافرت می کند).

### شک در ماندن ده روز

کسی که شغلش سفر یا در سفر است اگر شک کند که در وطن خود یا جای دیگر ده روز مانده یا نه، حکم نماز او در سفر اول بعد از آن چیست؟

چنین شخصی باید نمازش را تمام (چهار رکعتی) بخواند.

### مقصدهای متفاوت

کثیرالسفیری که به سفر کاری می‌رود، آیا لازم است همیشه مقصد او یکی باشد؟ یا اگر به مقصدهای متفاوت هم مسافرت کند، باز نمازش تمام است؟

چنین شخصی برای اینکه نمازش تمام باشد لازم نیست همیشه در یک مسیر یا به یک مکان خاص مسافرت نماید. بلکه، اگر در مسیرهای متفاوت و یا به مکان‌های مختلفی هم سفر کند، باید نمازش را تمام (چهار رکعتی) بخواند.

### شغل‌ها و کارهای متفاوت

کثیرالسفیری که به سفر کاری می‌رود، آیا لازم است فقط برای یک کار خاص سفر نماید؟ یا اگر سفرهای او برای کارهای متفاوت هم باشد کافی است؟ به عنوان مثال، دو روز در هفته، رانندگی می‌کند و دو روز دیگر، برای درس به محل تحصیلش می‌رود.

چنین شخصی برای اینکه نمازش تمام (چهار رکعتی) باشد لازم نیست برای یک شغل یا کار خاص سفر نماید.



### کثیر السفر غیر شغلی

کسی که شغلش مسافرت نیست ولی غرضی در تکرار سفر دارد - مانند اینکه برای زیارت، درمان بیماری، گردش و ... پی در پی مسافرت می کند - چنین شخصی دو حالت خواهد داشت:

**حالت اول:** سفر او مساوی یا کمتر از بودن در وطنش باشد. در این حالت، باید نمازش را شکسته بخواند.

**حالت دوم:** سفر او بیشتر از بودن در وطنش باشد. این حالت، چهار صورت دارد:

**صورت اول:** از اول، چنین برنامه ای برای یک سال یا بیشتر داشته است. در این صورت، نمازش تمام (چهار رکعتی) است. ولی در سه ماه اول، بین نماز شکسته و تمام (چهار رکعتی) جمع کند.

**صورت دوم:** از اول، چنین برنامه ای برای یک ماه و نیم تا کمتر از یک سال داشته است. در این صورت، بین نماز شکسته و تمام (چهار رکعتی) جمع کند.

**صورت سوم:** از اول، چنین برنامه ای برای کمتر از یک ماه و نیم داشته است. در این صورت، نمازش شکسته است.

**صورت چهارم:** از اول، برنامه ی منظمی نداشته است. در این صورت، بعد از شروع مسافرت تا قبل از یک ماه و نیم، نمازش شکسته است؛ و از یک ماه و نیم تا یک سال، احتیاط واجب این است که بین نماز شکسته و تمام (چهار رکعتی) جمع نموده و در بیشتر از یک سال، نمازش را تمام (چهار رکعتی) بخواند.

مسأله‌ی صفحه قبل در زیر به روشنی و به اختصار نمایش داده شده است.



## اقسام وطن

۱- **وطن اصلی:** به جایی گفته می‌شود که وطن پدر و مادر انسان باشد و در آنجا به دنیا آمده و مقداری رشد و نمو کرده باشد.<sup>۱</sup> و تا زمانی که از آنجا اعراض نکرده، وطن اصلی او حساب شده و نمازش نیز در آنجا تمام (چهار رکعتی) است.

۲- **وطن اتخاذی:** محلی را که انسان در آنجا به دنیا نیامده ولی برای اقامت و زندگی خود اختیار نموده وطن اتخاذی او گفته می‌شود. و تا زمانی که از آنجا اعراض نکرده باشد، نمازش در آنجا تمام (چهار رکعتی) است.<sup>۲</sup>

۱. مثلاً به مدت دو سال، آنجا بماند.

۲. در صورتی مکانی برای انسان وطن اتخاذی محسوب می‌شود که قصد کند برای همیشه در آنجا زندگی نموده و چهار ماه اول را نیز پشت سر هم در آنجا بماند.

۳- **وطن حکمی:** جایی را که انسان محل زندگی خود قرار داده<sup>۱</sup> و همانند کسی که وطن اوست در آن جا زندگی می‌کند - و هنگامی که مسافرتی برایش پیش آمد، دوباره به همان جا باز می‌گردد - وطن او حساب نمی‌شود ولی احکام وطن بر آن جاری می‌گردد.

### فرق وطن اصلی با وطن اتخاذی

وطن اصلی با وطن اتخاذی چه تفاوتی دارد؟



در وطن اتخاذی، باید قصد داشته باشد که برای همیشه در آن جا بماند ولی در وطن اصلی، قصد ماندن دائمی لازم نیست.

### فرق وطن حکمی با وطن اتخاذی

وطن حکمی (جایی که در حکم وطن است) با وطن اتخاذی چه



فرقی دارد؟

بین این دو وطن دو تفاوت وجود دارد:

۱. در وطن حکمی، قصد ماندن دائمی لازم نیست ولی در وطن اتخاذی، باید قصد داشته باشد برای همیشه در آن جا بماند.
۲. وطن حکمی اعراض ندارد. یعنی همین که از آن محل خارج و به جای دیگری برای زندگی منتقل شد، از آن به بعد، نمازش در آن جای اولی شکسته است، چه قصد داشته باشد دوباره به آن جا برگردد و چه چنین قصدی نداشته باشد. ولی در وطن اتخاذی این گونه نیست؛ و تا زمانی که احتمال بجا می‌دهد که در آینده، برای زندگی به آن جا باز گردد، نمازش در آن جا تمام (چهار رکعتی) و روزه اش صحیح است.

۱. البته، برای مدت محدود و بدون قصد دوام.

## عدم اعتبار وطن شرعی

کسی در محلی مالک منزلی است و شش ماه پشت سر هم نیز با قصد ماندن، در آن جا مانده است؛ ولی فعلاً از آن جا صرف نظر کرده. آیا احکام وطن بر آن جاری است؟

آن محل، وطن چنین شخصی به شمار نمی رود و احکام وطن هم بر آن جاری نیست. هر چند احتیاط مؤکد آن است که هر وقت به آن محل برسد، نمازش را به هر دو صورت شکسته و تمام (چهار رکعتی) بخواند.

## وطن های متعدد

یک نفر چند وطن می تواند داشته باشد؟

داشتن دو یا سه وطن برای یک نفر بلامانع است. بنابراین، کسی که در دو محل زندگی می کند - مثلاً شش ماه در شهری و شش ماه دیگر در شهر دیگری می ماند - هر دو جا وطن او به حساب می آید. و همچنین است اگر بیشتر از دو محل برای زندگی خود اختیار کرده باشد، به گونه ای که عرفاً گفته شود آن جا محل و مسکن دائم اوست.

## تبعیت زن در وطن شوهر

در محلی که وطن شوهر حساب می شود و نمازش را در آن جا تمام می خواند، آیا نماز همسر او هم کامل و روزه اش صحیح است؟

نماز زن در محلی که فعلاً وطن شوهر اوست و زن هم همراه او در همان



محل زندگی می کند کامل (چهار رکعتی) بوده و روزه اش نیز صحیح است. ولی نماز زن در محلی که قبلاً وطن شوهر بوده - و وطن زن نبوده - و فعلاً هم زن در آن محل با او زندگی نمی کند، شکسته است.

**۸۲** در فاصله‌ی بین عقد و عروسی، عروس به شهر شوهر خود رفت و آمد می کند. با توجه به اینکه زن تابع شوهر است و این دختر هم بعد از عروسی می خواهد در شهر شوهرش زندگی کند، آیا از الآن برای عروس وطن حساب می شود؟

تا زمانی که دختر عروسی نکرده و به خانه‌ی شوهر نرفته، آن محل، وطن او به حساب نمی آید و نمازش در آن جا شکسته است.

### وطن آینده

**۸۳** در فاصله‌ی بین عقد و عروسی، داماد به خانه‌ی پدرزن خود - که در شهر دیگر است - رفت و آمد می کند. با فرض اینکه داماد قصد دارد بعد از عروسی در شهر همسر خود زندگی کند، آیا می تواند قصد کند که از الآن، آن شهر، وطن او باشد؟

خیر. تا زمانی که برای زندگی دائمی به آن شهر نرفته و در آن جا سکونت پیدا نکرده باشد، وطن او به حساب نمی آید.



### تبعیت فرزند در وطن فعلی پدر

حکم نماز فرزند در وطن فعلی پدر چیست؟



محلّی را که پدر برای زندگی انتخاب نموده است برای فرزندان هم که هنوز مستقل نشده و تحت سرپرستی پدر هستند و با او زندگی می‌کنند، وطنشان محسوب می‌شود.

### تبعیت فرزند در وطن قبلی پدر

حکم نماز فرزند در وطن قبلی پدر چیست؟



در محلّی که قبلاً وطن پدر بوده - ولی وطن فرزندان او نبوده و فعلاً هم در آن جا زندگی نمی‌کنند - تا زمانی که پدر از آن محل اعراض نکرده، فرزندان هم که هنوز مستقل نشده‌اند و تحت سرپرستی پدر و با او زندگی می‌کنند، بنا بر احتیاط واجب، بین نماز تمام (چهار رکعتی) و شکسته جمع نمایند. ولی اگر مستقل شده باشند، نمازشان در وطن قبلی پدر شکسته است.

### تبعیت فرزند در وطن مادر

حکم نماز فرزند در وطن مادر چیست؟



اگر فرزند هنوز مستقل نشده و تحت سرپرستی مادر و با او زندگی می‌کند، حکم نماز او در وطن قبلی و فعلی مادر همانند وطن قبلی و فعلی پدر است.



## نماز فرزند در وطن جدید پدر و مادر

پدر و مادری از وطن خود به شهر دیگری منتقل شده اند.



اگر فرزندان برای دیدار با آنها به آن محل بروند، حکم نمازشان

چیست؟

اگر فرزندان مستقل شده و تحت سرپرستی آنها زندگی نمی کنند، نمازشان در وطن جدید پدر و مادر شکسته است.

## اعراض از وطن و حکم آن

منظور از اعراض از وطن و حکم آن چیست؟



کسی که از وطن خود به جای دیگری نقل مکان کرده است تا زمانی که بداند یا احتمال عقلایی (احتمال بجا) بدهد که برای زندگی دوباره به آن جا باز می گردد، آن محل همچنان وطن اوست و اعراض از آن جا برای او محقق نشده است. بنابراین، نمازش در آن جا کامل (چهار رکعتی) و روزه اش نیز صحیح است. ولی چنانچه به هیچ وجه احتمال بازگشت به آن محل را نمی دهد یا اگر احتمال می دهد، درصد احتمال بسیار ضعیف است، در این صورت، اعراض از آن محل محقق شده و دیگر آن محل وطن او به شمار نمی آید و نمازش نیز در آن جا شکسته و روزه اش باطل است.

## احکام وطن حکمی

چگونه یک مکان حکم مَقَرَّ (وطن حکمی) را پیدا می‌کند؟



مدت زمانی که انسان قصد دارد در محلی بماند سه حالت دارد:

**حالت اول:** از اول، قصد دارد کمتر از شش ماه در آن جا بماند. در این حالت، وطن حکمی او به حساب نمی‌آید.

**حالت دوم:** از اول، قصد دارد بین شش ماه تا کمتر از دو سال در آن جا بماند. این حالت دو صورت پیدا می‌کند:

**صورت اول:** یک روز در هفته در آن محل می‌ماند. در این صورت، وطن حکمی (مقر) به حساب نمی‌آید.

**صورت دوم:** دو روز در هفته یا بیشتر در آن جا می‌ماند. در این صورت، بنا بر احتیاط واجب، وطن حکمی (مقر) به حساب نمی‌آید.

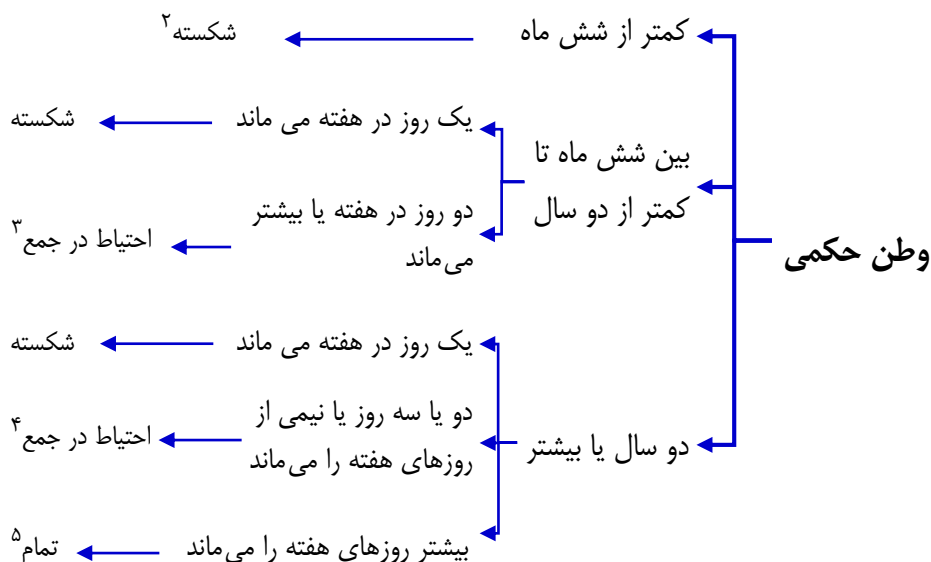
**حالت سوم:** از اول، قصد دارد دو سال یا بیشتر در آن جا بماند. این حالت سه صورت پیدا می‌کند:

**صورت اول:** یک روز در هفته در آن محل می‌ماند. در این صورت، وطن حکمی (مقر) به حساب نمی‌آید.

**صورت دوم:** دو یا سه روز در هفته یا نیمی از روزها را در آن جا می‌ماند. در این صورت نیز بنا بر احتیاط واجب، وطن حکمی (مقر) محسوب نمی‌شود.

**صورت سوم:** بیشتر روزهای هفته را در آن محل می‌ماند. در این صورت،

وطن حکمی (مقرر) به حساب می آید.<sup>۱</sup>



### قصد ماندن ده روز

مسافری که قصد دارد ده روز پشت سر هم در محلی بماند یا می داند که بدون اختیار، ده روز در محلی می ماند، در آن محل، باید نماز را تمام (چهار رکعتی) بخواند و روزه اش را نیز بگیرد.

۱. البته، در دو ماه اول – اگر قصد ده روز یا شرایط کثیر السفر را نداشته باشد – احتیاط نموده و نماز را به هر دو صورت تمام (چهار رکعتی) و شکسته بخواند و بعد از دو ماه، نمازش کامل (چهار رکعتی) است.
۲. مگر آن که شرایط کثیر السفر را داشته باشد که نمازش کامل (چهار رکعتی) است.
۳. اگر دو یا سه روز در هفته باشد، احتیاط در جمع است. ولی اگر چهار روز یا بیشتر باشد، چنانچه شرایط کثیر السفر را دارد، نمازش کامل (چهار رکعتی) است.
۴. اگر دو یا سه روز باشد، احتیاط در جمع است؛ ولی اگر نیمی از روزهای هفته باشد، چنانچه شرایط کثیر السفر را داشته باشد، نمازش کامل (چهار رکعتی) است.
۵. البته، در دو ماه اول – اگر قصد ده روز یا شرایط کثیر السفر را نداشته باشد – احتیاط نموده و نماز را به هر دو صورت تمام (چهار رکعتی) و شکسته بخواند و بعد از دو ماه، نمازش کامل (چهار رکعتی) است.

## روش محاسبه ی ده روز

اگر کسی بخواهد ده روز در محلی بماند، چگونه باید ده روز را حساب کند؟ آیا باید مجموع ده روز ۲۴۰ ساعت باشد؟



این مسأله سه حالت دارد:

**حالت اول:** اگر موقع اذان صبح وارد آن محل شود، در این صورت، چنانچه تا غروب روز دهم بماند کافی است.<sup>۱</sup>


**حالت دوم:** اگر بعد از اذان صبح و قبل از طلوع آفتاب وارد آن محل شود، در این حالت، در صورتی ده روزش کامل می شود که قصد کند تا همان ساعت از روز یازدهم آنجا بماند. ولی اگر بخواهد غروب روز دهم، از آن محل خارج شود، باید بنا بر احتیاط واجب، بین نماز تمام (چهار رکعتی) و نماز شکسته جمع نماید.

**حالت سوم:** اگر بعد از طلوع آفتاب وارد آن محل شود، در این حالت، باید کسری آن روز را از روز یازدهم جبران کند تا ده روزش کامل شود. به عنوان مثال، اگر ساعت ده صبح روز اول وارد شده، باید قصد کند تا ساعت ده صبح روز یازدهم در آن محل بماند.<sup>۲</sup>

۱. البته، در این حالت از ۲۴۰ ساعت کمتر می شود.


۲. که در این حالت، ۲۴۰ ساعت کامل می شود.

### مسیر رفت و برگشت

۹۱  برای محاسبه‌ی ده روز، آیا باید مدت زمان رفت و برگشت را هم جزو ده روز حساب کرد؟ به عنوان مثال، مدت زمان رفت به مشهد مقدس دوازده ساعت و برگشت نیز دوازده ساعت است. آیا این مدت نیز جزو ده روز به شمار می‌رود؟


خیر. مدت زمان رفت و برگشت جزو ده روز محاسبه نمی‌شود. بنابراین، باید از لحظه‌ی ورود به مقصد تا لحظه‌ی خروج از آن جا را حساب کند.

### قصد ده روز و ماندن بیشتر

۹۲  شخص مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر بخواهد بیشتر از ده روز در آن جا بماند - مثلاً پانزده روز - آیا لازم است دوباره قصد ده روز نماید؟

خیر. تا وقتی که مسافرت نکرده، باید نمازش را تمام (چهار رکعتی) بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز نماید.

### ماندن ده روز در دو محل

۹۳  آیا جایز است در دو محل یا بیشتر، قصد ده روز نمود؟ به عنوان مثال، قصد کند در سه روستای هم جوار - و نزدیک به هم - ده روز بماند.

خیر؛ صحیح نیست. و قصد ده روز نمودن در صورتی صحیح است که انسان بخواهد ده روز در یک مکان بماند.

## احتمال مانع در بین ده روز

کسی که تصمیم دارد ده روز در محلی بماند اگر احتمال دهد برای ماندن او مانعی پیدا می شود، در این صورت، وظیفه‌ی او چیست؟

اگر احتمالش عقلایی (احتمال بجا) باشد، باید نمازش را شکسته بخواهند. ولی اگر درصد احتمال بسیار ضعیف باشد، قصد ده روزش صحیح و نمازش نیز کامل (چهار رکعتی) است.

## رفتن به حد مسافت شرعی در بین ده روز

کسی که قصد دارد ده روز در محلی بماند آیا می تواند در بین ده روز، به محل دیگری که به حد مسافت شرعی است - مثلاً ۵۰ کیلومتر - رفت و آمد کند؟

این مسأله دو حالت دارد:

**حالت اول:** اگر از اول، قصد داشته که در بین ده روز به آن محل برود، در این حالت، قصد ده روز اصلاً محقق نشده و نمازش از همان ابتدا شکسته است.

**حالت دوم:** اگر از اول، قصد نداشته و بعد از خواندن یک نماز ادای چهار رکعتی، چنین تصمیمی گرفته، در این حالت، تا زمانی که از آن محل خارج نشده، نماز کامل (چهار رکعتی) و روزه اش صحیح است. ولی وقتی از آن محل خارج شد و دوباره برگشت، نمازش شکسته است؛ مگر اینکه دوباره قصد ده روز نماید.

## رفتن به کمتر از مسافت شرعی در بین ده روز

کسی که قصد دارد ده روز در محلی بماند آیا می تواند در بین



ده روز، به اطراف محل اقامت خود - که کمتر از مسافت شرعی و

مثلاً ده کیلومتر است - رفت و آمد نماید؟

این مسأله دو حالت دارد:

**حالت اول:** شخص مسافر از اول قصد داشته که در بین ده روز به آن مکان

برود. این حالت سه صورت پیدا می کند:

**صورت اول:** مجموع رفت و برگشت و ماندن او در آن مکان در هر روز به اندازه ای نیست که با قصد ده روز او منافات داشته باشد. مثلاً بیشتر از دو ساعت نمی شود. در این صورت، قصد ده روز او صحیح و نمازش در محل اقامت و آن جا و بین راه، تمام (چهار رکعتی) است.

**صورت دوم:** مجموع رفت و برگشت و ماندن او در آن مکان در هر روز بیشتر از دو ساعت - مثلاً نصف روز - می شود. در این صورت، قصد ده روز او اشکال دارد و بنا بر احتیاط واجب، بین نماز تمام (چهار رکعتی) و شکسته جمع نماید.

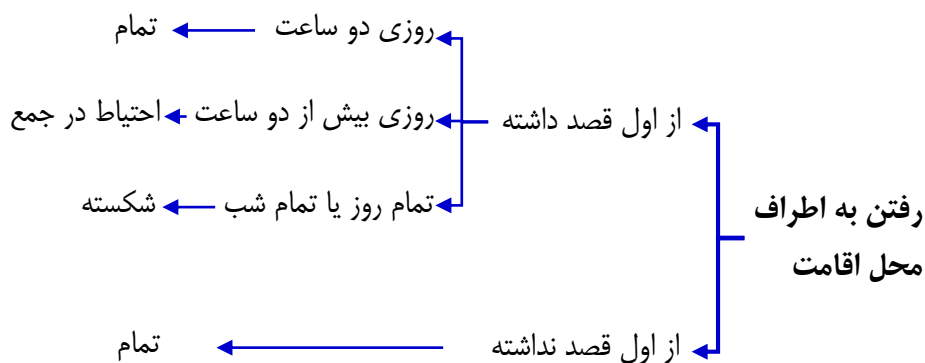
**صورت سوم:** تمام روز یا شب را بخواهد در آن مکان بماند. در این صورت، قصد ده روز او صحیح نیست و نمازش نیز شکسته است.

**حالت دوم:** شخص مسافر از اول قصد نداشته که در بین ده روز به آن مکان برود. در این حالت، اگر بعد از خواندن یک نماز ادای چهار رکعتی چنین



تصمیمی گرفته باشد، رفت و آمد او - به هر اندازه‌ای که باشد - ضرری به اقامت او نمی‌زند و نمازش تمام (چهار رکعتی) است؛ حتی اگر بخواهد به طور کامل، آن جا بماند و به مکان اول برنگردد.

در نمودار زیر، این مسأله به اختصار و روشنی به نمایش در آمده است.



### رفتن به کمتر از مسافت شرعی بعد از ده روز

مسافری که قصد دارد بیش از ده روز در محلی بماند - مثلاً



یک ماه - اگر بخواهد پس از تمام شدن ده روز به مکان دیگری که کمتر از مسافت شرعی است، رفت و آمد کند، نمازش چه حکمی پیدا خواهد کرد؟

نماز او کامل (چهار رکعتی) و روزه اش صحیح است؛ چه از روز اول، قصد داشته به آن مکان برود و چه از اول، چنین قصدی نداشته باشد.

## عوض شدن تصمیم



مسافری که قصد داشته ده روز در محلی بماند چنانچه از قصد خود منصرف شود یا مردد شود که ده روز بماند یا نه، حکم نمازش چگونه است؟

این مسأله سه حالت دارد:

**حالت اول:** قبل از خواندن یک نماز ادای چهار رکعتی، منصرف یا مردد گشته است. در این حالت، نمازش شکسته است. و نیز اگر شک دارد که یک نماز ادای چهار رکعتی خوانده یا نه، همین حکم جاری است.

**حالت دوم:** بعد از خواندن یک نماز ادای چهار رکعتی، منصرف یا مردد شده است. در این حالت، تا زمانی که در آن مکان است، باید نمازش را کامل (چهار رکعتی) بخواند.

**حالت سوم:** در حین نماز ادای چهار رکعتی، منصرف یا مردد شود. در این حالت، چنانچه مشغول رکعت سوم نشده، باید نماز را دور رکعتی خاتمه دهد و بقیه‌ی نمازهای خود را نیز شکسته به جا آورد. و همین حکم جاری خواهد بود اگر مشغول رکعت سوم شده و به رکوع نرفته باشد؛ که باید بنشیند و نماز را به صورت دور رکعتی (شکسته) به اتمام رساند. و اگر قرائت یا تسبیحی زیاد کرده بنا بر احتیاط واجب، دو سجده‌ی سهو به جا آورد. و اگر به رکوع رفته باشد، نمازش باطل است و باید آن را به صورت شکسته (دور رکعتی) اعاده نماید و تا زمانی که در آن مکان است، نمازش شکسته خواهد بود.



مسافری که قصد نداشته ده روز در محلی بماند اگر بعد از چند روز، تصمیم بگیرد ده روز در آن محل بماند، حکم نماز او چه خواهد بود؟

این مسأله دو حالت دارد:

**حالت اول:** با احتساب چند روز گذشته، می خواهد ده روز بماند. به عنوان نمونه، پنج روز در آن محل بوده و بعداً تصمیم گرفته پنج روز دیگر هم بماند. در این حالت، نمازش شکسته است.

**حالت دوم:** بدون احتساب چند روز گذشته، می خواهد ده روز بماند. مثلاً پنج روز در آن محل بوده و سپس تصمیم می گیرد ده روز کامل دیگر در آن جا بماند. در این حالت، نمازهایی که پیشتر به صورت شکسته خوانده صحیح است و باید در ده روز آینده، کامل (چهار رکعتی) بخواند.

### قصد ده روز در بین نماز



مسافری که قصد نداشته ده روز در محلی بماند اگر در بین نماز، تصمیم بگیرد ده روز یا بیشتر در آن محل بماند، چه حکمی دارد؟

این شخص باید نماز خود را تمام (چهار رکعتی) بخواند؛ و قصد او نیز صحیح است.



## انصراف از ده روز، در حال روزه

شخص مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر



در حال روزه، از تصمیم خود منصرف شود یا مردد شود که آیا ده

روز در آن محل بماند یا نه، حکم روزه‌ی او چیست؟

اگر بعد از ظهر منصرف یا مردد شود، چنانچه یک نماز ادای چهار رکعتی خوانده باشد، تا وقتی که در آن محل هست روزه‌هایش صحیح و نمازهایش کامل (چهار رکعتی) است. و اگر نماز ادای چهار رکعتی نخوانده باشد، بنا بر احتیاط واجب، روزه‌ی آن روز را به اتمام رسانده و سپس قضا نماید. و نمازهای خود را نیز شکسته بخواند. در ضمن، روزه‌های بعد هم نمی‌تواند روزه بگیرد. و اگر بعد از غروب آفتاب و قبل از خواندن یک نماز ادای چهار رکعتی منصرف شد، روزه‌ی آن روزش صحیح است و قضا لازم ندارد.

## سی روز ماندن با تردید

اگر مسافری بدون قصد قبلی و با تردید، سی روز در محلی بماند و در تمام این سی روز، میان رفتن و ماندن مردد باشد، بعد از گذشت سی روز - اگرچه مقدار کمی در آن جا بماند - باید نماز خود را تمام (چهار رکعتی) بخواند.

## اقامت سی روزه در مکان واحد

اگر مسافر در چند مکان متعدد، با تردید، سی روز بماند - مثلاً



ده روز در مکان اول، ده روز در مکان دوم و ده روز دیگر در مکان

سوم - آیا روز سی و یکم، نمازش تمام است؟

خیر. شخص مسافر بعد از سی روز در صورتی باید نمازش را تمام (چهار رکعتی) بخواند که سی روز را در یک مکان مانده باشد.

## چهار مکان تخییر

در چهار مکان زیر، مسافر مُخَيَّر است نماز خود را تمام (چهار رکعتی) یا شکسته بخواند<sup>۱</sup>:

- ۱- شهر قدیم مکه ی مکرمه که از عقبه ی مدینین است تا ذی طوی.
- ۲- شهر قدیم مدینه ی منوره که مدینه ی زمان پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ را شامل می شود.
- ۳- شهر کوفه.
- ۴- حرم مطهر حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام.



البته، احتیاط [مستحب] آن است که در خارج از مسجد الحرام و خارج از مسجد النبی - حتی ملحقات این دو مسجد بعد از زمان ائمه ی معصومین علیهم السلام - بیرون مسجد کوفه و دورتر از اطراف ضریح مطهر امام حسین علیه السلام، شخص مسافر نمازش را تمام (چهار رکعتی) بخواند.

۱. البته اگر تمام (چهار رکعتی) بخواند بهتر است.

### مکه‌ی مکرمه و مدینه‌ی منوره‌ی جدید

حکم نماز مسافر در شهر مکه و شهر مدینه‌ی جدید چیست؟



نماز در توسعه‌ی جدید شهر مکه‌ی مکرمه و شهر مدینه‌ی منوره شکسته است و در اینکه کدام قسمت شهر، قدیم و کدام یک، جدید است، باید به اهل خبره مراجعه شود.

### جاهل بودن به خصوصیات نماز مسافر

افرادی که می‌دانند نماز مسافر شکسته است ولی نسبت به



بعضی از جزئیات و خصوصیات نماز مسافر جاهلند اگر از روی ندانستن این جزئیات و خصوصیات، نماز شکسته را به صورت تمام بخوانند چه حکمی پیدا خواهد کرد؟

اگر در وقت نماز بفهمد، باید دوباره بخواند؛ و اگر بعد از وقت نماز بفهمد، قضا ندارد.

### نماز و روزه‌ی افراد دانشجو، سرباز و مانند آن

شخصی برای تحصیل در دانشگاه یا خدمت سربازی و مانند



آن به شهری می‌رود و آخر هفته به وطن خود باز می‌گردد. حکم نماز و روزه‌ی او چیست؟

این مسأله چند حالت دارد:



**حالت اول:** حداقل به مدت دو سال در آن مکان می ماند. در این حالت، آن مکان برای او مقرّ (وطن حکمی) به حساب می آید و نمازش در آن جا کامل و روزه هایش صحیح است.<sup>۱</sup>

**حالت دوم:** بین شش ماه تا کمتر از دو سال در آنجا می ماند. در این حالت، بنا بر احتیاط، آن مکان برای او مقر (وطن حکمی) به شمار نمی آید؛ ولی نمازش تمام (چهار رکعتی) و روزه اش صحیح است.<sup>۲</sup>

**حالت سوم:** حداقل سه تا کمتر از شش ماه در آن مکان می ماند. در این حالت، حکم مقر را ندارد ولی به خاطر کثیر السفر بودن، نمازش کامل (چهار رکعتی) و روزه اش صحیح است.

و اما حکم نماز و روزه ی این افراد در بین راه، این مسأله نیز چند حالت دارد:

**حالت اول:** از یک تا چهار روز در ماه، رفت و آمد دارد. در این حالت، نمازش در بین راه شکسته است.

**حالت دوم:** از پنج تا چهارده روز در ماه، رفت و آمد دارد. در این حالت، بنا بر احتیاط، جمع کند (یعنی نمازش را هم تمام (چهار رکعتی) و هم شکسته بخواند).

**حالت سوم:** پانزده روز به بالا در ماه رفت و آمد دارد. در این حالت، نمازش تمام (چهار رکعتی) و روزه اش صحیح است.

---

۱. در دو ماه اول هم نیازی به احتیاط نیست به جهت علم اجمالی به تحقق مناط مقر یا مناط کسی که شغلش در سفر است.

۲. به جهت علم اجمالی به تحقق مناط مقر یا مناط کسی که شغلش در سفر است.

## نماز قضا

آیا نمازهای قضا باید به ترتیب خوانده شود؟



در قضای نمازهای یومیه ترتیب لازم نیست، مگر در نمازهایی که در ادای آنها ترتیب هست مثل نماز ظهر و عصر، یا مغرب و عشاء از یک روز، اگرچه احتیاط مستحب آن است که در غیر اینها نیز مراعات ترتیب است.

آیا می‌شود نماز قضای انسان را شخص دیگری بخواند؟



تا انسان زنده است اگر چه از قضای نمازهای خود عاجز باشد، دیگری نمی‌تواند نمازهای او را قضا نماید.

## نماز قضای پدر

اگر پدر نمازهای واجب خود را به جا نیاورده باشد، و می‌توانسته است قضا کند - و بنا بر احتیاط - هر چند از روی نافرمانی ترک کرده باشد، یا صحیح به جا نیاورده باشد، بر پسر بزرگترش واجب است که بعد از مرگش به جا آورد، یا برای او اجیر بگیرد، و قضای نمازهای مادر بر او واجب نیست هر چند احوط است.



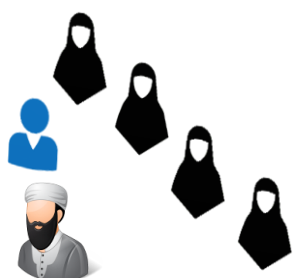
## نماز جماعت

### وظیفه ی امام و مأموم در نماز جماعت

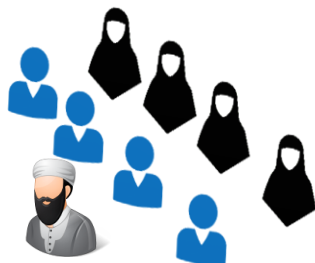
بنا بر احتیاط واجب، اگر مأموم یک مرد باشد طرف راست امام بایستد.



و اگر مأموم یک مرد و یک زن یا یک مرد و چند زن باشند، مرد طرف راست امام بایستد و بقیه، پشت سر امام بایستند.



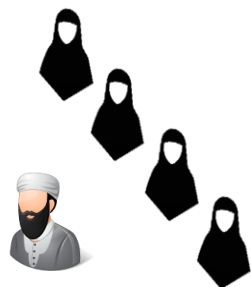
و اگر چند مرد و یک یا چند زن باشند، مردها پشت سر امام و زنها پشت سر مردها بایستند.



و در صورتی که مأموم یک زن باشد، مستحب است پشت سر در طرف راست امام طوری بایستد که جای سجده‌اش محاذی زانو یا قدم امام باشد.



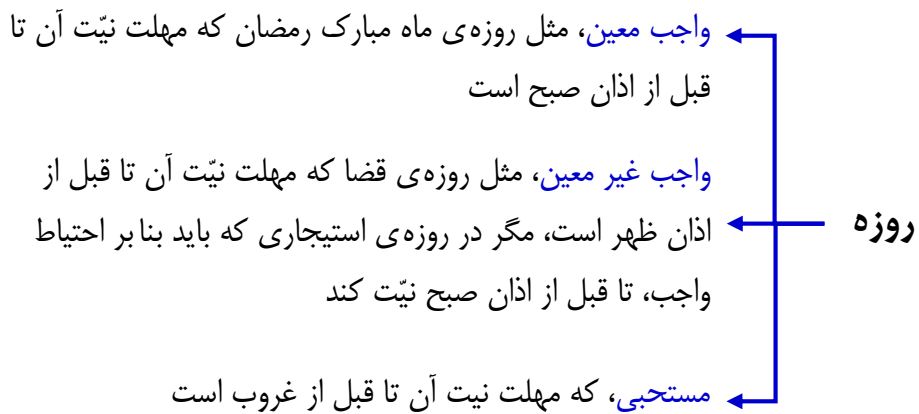
و اگر یک یا چند زن باشد، پشت سر امام بایستد.





## وقت نیت روزه

اگر برای روزه‌ی واجب غیر معینی - مثل روزه‌ی کفاره و روزه‌ی قضا - عمداً تا نزدیک ظهر نیت نکند، اشکال ندارد.<sup>۱</sup>



۱. بنابراین، اگر مبطلی به جا نیاورده تا قبل از ظهر می‌تواند برای روزه‌ی قضا نیت کند.

## کفاره‌ی روزه

اگر مردی در حال روزه با همسرش که روزه است نزدیکی



کند، تکلیف زن چیست؟

این مسأله چند صورت دارد:

**صورت اول:** اگر زن و مرد هر دو راضی به نزدیکی باشند، در این صورت:

۱- هر دو گناه کرده‌اند.

۲- روزه‌ی آنها باطل است.

۳- بنا بر احتیاط واجب، تا مغرب، امساک کنند (یعنی مبطلات روزه

را انجام ندهند).

۴- باید هر کدام کفاره‌ی روزه خود را بپردازند. یعنی شصت فقیر را سیر

کنند، یا به هر کدام از آنها ۷۵۰ گرم طعام بدهند و یا شصت روز روزه بگیرند.

**صورت دوم:** اگر مرد همسر خود را اکراه به نزدیکی کرده باشد، در این

صورت، سه حالت وجود دارد:

**حالت اول:** اجبار مرد به نحوی است که زن هیچ اختیاری از خودش ندارد،

مثلاً دست و پای او را بسته باشد، در این حالت، روزه‌ی زن صحیح است،

ولی مرد گناه کرده و روزه‌اش باطل شده و باید کفاره بدهد.

**حالت دوم:** اکراه مرد به نحوی است که زن قدرت بر تمکین نکردن دارد،

ولی به خاطر ترس از غضب شوهر و کتک خوردن و مانند آن مجبور به

تمکین می‌شود، در این حالت:

۱- مرد گناه کرده و روزه‌اش باطل می‌شود.

۲- مرد باید کفاره‌ی روزه خودش و بنا بر احتیاط، کفاره‌ی روزه

همسرش را بدهد.


۳- زن گناه نکرده ولی روزه‌اش باطل است.



**حالت سوم:** اگر زن مجبور به نزدیکی شده باشد ولی در بین نزدیکی راضی شود، در این حالت، بنا بر احتیاط واجب، مرد دو کفاره و زن یک کفاره بدهد.

**صورت سوم:** اگر زن شوهر خود را مجبور به نزدیکی کند، گناه کرده و روزه اش باطل است، ولی واجب نیست کفاره‌ی روزه شوهر را بدهد.

## روزه‌ی زن حامله

حکم روزه‌ی زن باردار چیست؟ 

در این مسأله چهار حالت وجود دارد:

**حالت اول:** زن می‌داند که روزه گرفتن نه برای خودش ضرر دارد و نه برای حمل او، در این حالت، باید روزه اش را بگیرد.

**حالت دوم:** روزه گرفتن فقط برای خودش ضرر دارد و به بچه ضرری نمی‌زند، در این حالت:

۱ - نباید روزه بگیرد.

۲ - بعداً باید قضای روزه هایش را بگیرد.

۳ - بنا بر احتیاط مستحب، یک مُدّ طعام به فقیر بدهد.

**حالت سوم:** روزه گرفتن برای خودش ضرر ندارد، ولی برای بچه مضر است، در این حالت:

۱ - نباید روزه بگیرد.

۲ - قضای روزه هایش را بعداً به جا آورد.

۳ - باید برای هر روز یک مُدّ طعام به فقیر بدهد.

**حالت چهارم:** روزه گرفتن هم برای خودش ضرر دارد و هم برای بچه، این حالت حکم حالت دوم را دارد.

## روزه‌ی زنی که به بچه شیر می‌دهد

حکم روزه‌ی زنی که به بچه شیر می‌دهد چیست؟



این مسأله چهار حالت دارد:

**حالت اول:** زن می‌داند که روزه گرفتن نه برای خودش ضرر دارد و نه برای بچه‌ی او، در این حالت باید روزه‌اش را بگیرد.

**حالت دوم:** روزه گرفتن فقط برای خودش ضرر دارد و به بچه ضرری نمی‌زند، در این حالت:

۱ - نباید روزه بگیرد.

۲ - قضای روزه‌هایش را بعداً به جا آورد.

۳ - احتیاط مستحب آن است که برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد.

**حالت سوم:** روزه گرفتن برای خودش ضرر ندارد، ولی برای بچه مضر

است، در این حالت:

۱ - نباید روزه بگیرد.

۲ - قضای روزه‌هایش را بعداً به جا آورد.

۳ - باید برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد.

**حالت چهارم:** روزه گرفتن هم برای خودش ضرر دارد و هم برای بچه،

این حالت حکم حالت دوم را دارد.

**نکته:** حکم حالت دوم تا چهارم در صورتی است که شیر خوردن این بچه از

راه دیگری میسر نباشد، و اگر میسر باشد واجب است آن زن روزه بگیرد.

## فدیه‌ی تأخیر



اگر زن حامله یا شیرده تا ماه رمضان سال بعد، قضای روزه‌هایش

را نگیرد وظیفه‌ی او چیست؟

دو حالت دارد:

**حالت اول:** می‌توانسته قضا کند ولی عمداً به جا نیاورده است، در این حالت، علاوه بر قضا باید فدیه‌ی تأخیر - که همان یک مُدّ طعام است - را به فقیر بدهد.

**حالت دوم:** به خاطر بارداری یا شیردهی نتوانسته قضای روزه‌هایش را به جا آورد، در این حالت، باید قضای روزه‌هایش را گرفته و بنا بر احتیاط واجب فدیه‌ی تأخیر را بدهد.<sup>۱</sup>

۱. تذکر: چند نکته برای کفاره و فدیه لازم است:

**اول:** کفاره و فدیه‌ی روزه‌های زن جزو نفقه نیست که بر شوهر واجب باشد، بلکه بر خود زن واجب است.

**دوم:** پرداخت کفاره و فدیه واجب فوری نیست، ولی نباید در پرداخت آنها کوتاهی شود.

**سوم:** در کفاره و فدیه باید خود طعام را به فقیر بدهد، و اگر پول آن را حساب کند و به فقیر بدهد کفاره یا فدیه حساب نمی‌شود. بله، اگر پول آن را به شخص یا مراکزی که مورد اطمینان و اعتماد او هستند بدهد که آنها از طرف او طعام تهیه کنند و به فقراء برسانند اشکال ندارد.

**چهارم:** بین کفاره و فدیه دو تفاوت وجود دارد:

۱- کفاره را باید به افراد متعدد بدهند، مثلاً در افطار عمدی روزه‌ی ماه رمضان باید به شصت فقیر طعام بدهد، یا اگر قضای روزه‌ی ماه رمضان را بعد از ظهر، عمداً باطل کند، باید به ده فقیر طعام بدهد، ولی فدیه را می‌توان جمع کرد و همه را به یک فقیر داد.

۲- در کفاره، اختیار با خود انسان است که فقراء را سیر کند یا اینکه مُدّ طعام را به آنها تحویل دهد، ولی در فدیه، سیر کردن کافی نیست و باید مُدّ طعام را به فقیر بدهد تا فدیه حساب شود.

## کفاره‌ی روزه

کفاره‌ی<sup>۱</sup> افطار روزه‌ی ماه مبارک رمضان این است که یک بنده آزاد کند، یا دو ماه روزه بگیرد، یا شصت فقیر را سیر کند، یا به هر کدام یک مُدّ طعام، یعنی گندم یا آرد یا نان یا خرما و مانند اینها بدهد.

## کفاره‌ی جمع

اگر روزه‌دار به چیز حرامی روزه‌اش را باطل کند چه کفاره‌ای



بر او واجب می‌شود؟

اگر به چیز حرامی روزه‌ی خود را باطل کند، بنا بر احتیاط کفاره‌ی جمع بر او واجب می‌شود، یعنی باید یک بنده آزاد کند و دو ماه روزه بگیرد و شصت فقیر را سیر کند، یا به هر کدام آنها یک مُدّ طعام بدهد.

## کفاره‌ی باطل کردن روزه‌ی قضا

کسی که قضای روزه‌ی ماه مبارک رمضان را گرفته، اگر بعد از ظهر، عمداً کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام دهد، باید به ده فقیر هر کدام یک مُدّ طعام بدهد، و اگر نمی‌تواند باید سه روز روزه بگیرد و احوط آن است که پی در پی باشد.

**نکته:** انسان نباید در به جا آوردن کفاره کوتاهی کند، ولی لازم نیست فوراً آن را انجام دهد.<sup>۲</sup>

۱. اگر کسی روزه خود را عمداً با کار حلالی باطل کند باید کفاره‌ی آن را به جا آورد.

۲. چند نکته در مورد کفاره:

(اول) هر مُدّ طعام تقریباً ۷۵۰ گرم است.

(دوم) کفاره باید به صورت جنس به فقیر داده شود (گندم یا آرد یا نان یا خرما و مانند اینها) و اگر کسی پول آن را به فقیر بدهد کفاره حساب نمی‌شود.

(سوم) اگر بخواهد به شصت فقیر طعام بدهد باید به هر نفر ۷۵۰ گرم طعام بدهد که جمع آن بالغ می‌شود بر ۴۵ کیلوگرم، و نمی‌تواند همه را به یک فقیر بدهد.



## روزه‌ی قضا

در قضای روزه‌ی ماه مبارک رمضان، انسان می‌تواند پیش از ظهر، روزه‌ی خود را باطل نماید، ولی اگر وقت قضا تنگ باشد<sup>۱</sup> - بنا بر احتیاط واجب - نمی‌تواند باطل نماید.

## روزه‌ی قضای پدر

بعد از مرگ پدر، پسر بزرگتر باید قضای روزه‌های او را به‌جا آورد.

## فدیه‌ی تأخیر

در چه صورتی فدیه‌ی تأخیر واجب می‌شود؟



اگر در ماه مبارک رمضان، به واسطه‌ی عذری روزه نگیرد، و بعد از ماه رمضان، عذر او برطرف شود، و تا ماه رمضان سال آینده، عمداً قضای روزه را نگیرد، باید روزه را قضا کند، و برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد.<sup>۲</sup> اگر قضای روزه‌ی ماه رمضان را چند سال تأخیر بیندازد، باید قضای آن را بگیرد و از جهت تأخیر در سال اول، برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد، و اما از جهت تأخیر سال بعدی، چیزی بر او واجب نیست.

## وظیفه‌ی مریض

کسی همیشه مریض است و وظیفه‌ی او نسبت به روزه چیست؟



اگر به واسطه‌ی مرضی، روزه‌ی ماه رمضان را نگیرد، و مرض او تا ماه رمضان سال بعد طول بکشد، قضای روزه‌هایی را که نگرفته بر او واجب نیست، و باید

۱. مثلاً پنج روزه‌ی قضا دارد و فقط پنج روز به ماه رمضان باقی مانده است.

۲. به این مُد طعام، کفاره‌ی تأخیر هم می‌گویند.

برای هر روز یک مُتّ طعام به فقیر بدهد. کسی که باید برای هر روز یک مُتّ طعام به فقیر بدهد، می‌تواند کفاره‌ی چند روز را به یک فقیر بدهد.

### روزه گرفتن، در صورتی که پزشک نهی کند

اگر پزشک به شخصی بگوید که روزه برایش ضرر دارد و او را از روزه منع نماید، در صورتی که از گفته‌ی پزشک برای شخص گمان به ضرر یا خوف ضرر حاصل شود، بر شخص واجب است که روزه نگیرد. و همچنین اگر طیب حاذق بوده و مورد اطمینان و وثوق او باشد و شخص اطمینان نداشته باشد که پزشک در خطا باشد، باز هم نباید روزه بگیرد. و در غیر این صورت، روزه بر او واجب است.

### خوف ضرر در موردی که پزشک می‌گوید ضرر ندارد

اگر پزشک بگوید روزه گرفتن برای شخص ضرر ندارد ولی او ترس داشته باشد، در صورتی که ترس او دارای منشأ عقلایی باشد، روزه گرفتن برای او جایز نیست.

### روزه گرفتن در صورت بیماری معده

اینجانب ناراحتی شدید معده دارم و به توصیه‌ی دکتر متخصص،




حق گرفتن روزه ندارم. آیا در این صورت هم روزه بر من واجب است

و ترک آن گناه می‌باشد؟


در صورتی که از گفته‌ی پزشک اطمینان پیدا می‌کنید و یا ترس ضرر مهمی داشته باشید و منشأ این ترس شما نیز عقلایی باشد، روزه بر شما واجب نیست و گناهی هم مرتکب نمی‌شوید و در پیشگاه خداوند متعال معذور هستید.

## روزه برای بیماران کلیوی

**۱۱۶**  شخصی در اثر بیماری کلیوی باید در طول روز، آب بخورد و گرنه بیماری اش شدیدتر شده و ممکن است کلیه‌ی خود را از دست بدهد. حکم روزه‌ی او چیست؟


در فرض مذکور که از روی ضرورت لازم است آب بنوشد، باید بنا بر احتیاط واجب، از نوشیدن آب بیش از حد ضرورت و نیز از سایر مفطرات اجتناب نماید ولی روزه‌ی او صحیح نیست و اگر بهبود یافت، باید روزه‌های خود را قضا کند.

## تزریق آمپول و سرم در حال روزه

**۱۱۷**  آیا شخص روزه‌داری که بیمار است می‌تواند آمپول یا سرم تزریق کند؟

تزریق آمپولی که به جای دارو به کار می‌رود یا عضو را بی‌حس می‌کند، اشکال ندارد. همچنین، آمپولی که به جای آب و غذا به کار می‌رود نیز مانعی ندارد ولی احتیاط مستحب آن است که از استعمال آمپولی که به جای آب و غذا به کار می‌رود، خودداری نماید. اما در مورد سرم، احتیاط واجب آن است که از آن اجتناب کند. و در صورتی که ضرورتی برای استعمال آن وجود داشته باشد، باید بنا بر احتیاط واجب، روزه را گرفته و بعداً آن را قضا نماید.

## استفاده از اسپری در حال روزه

**۱۱۸**  روزه‌داری که به جهت تنگی نفس مجبور است از اسپری استفاده کند، آیا استفاده از اسپری موجب بطلان روزه‌ی او می‌گردد یا روزه‌ی او صحیح است؟

حتی‌الامکان شب‌ها از آن استفاده نماید ولی اگر استعمال آن در طول روز

ضروری شد، بنا بر احتیاط واجب، به اندازه‌ی ضرورت، از اسپری استفاده نموده و بنا بر احتیاط واجب، روزه را تا مغرب ادامه دهد؛ و بنا بر احتیاط واجب، بعداً قضای آن را به جا آورد. پس اگر تا ماه رمضان سال بعد، بتواند بدون استفاده از اسپری قضای آن را به جا آورد، باید همین کار را انجام دهد. و چنانچه تا ماه رمضان بعدی ممکن نشد که بدون استفاده از اسپری، قضای آن را به جا آورد، بنا بر احتیاط واجب، برای هر روز، یک مُد طعام به فقیر بدهد.

### خونریزی لثه‌ی روزه‌دار

شخصی به خونریزی لثه مبتلاست. وظیفه‌ی او در خصوص



روزه‌داری چیست؟

واجب است در صورت امکان، مداوا نماید و نباید خون را فرو دهد و یا به حلق برساند. و اگر علم دارد که اگر بخوابد، خون به حلقش می‌رسد (یا فرو می‌رود)، چنانچه در سختی نیست، نباید بخوابد؛ و اگر در سختی بود و خوابید (و خون به حلقش رسید)، بنا بر احتیاط واجب، روزه‌اش را قضا نماید.

### روزه و مشاغل سخت

روزه گرفتن برای کسانی که مشغول به کارهای دشوار



هستند چه حکمی دارد؟ آیا راهی برای روزه نگرفتن آنان وجود دارد؟

اگر ضعف یا تشنگی به ناتوانی از کاری منجر شود که برای معاش لازم است و اشتغال به کار دیگری برای شخص ممکن نباشد، افطار جایز است. اما واجب است در خوردن و آشامیدن، بر مقدار ضرورت اکتفا نماید و از بیشتر از آن امساک کند. و روزه‌ی او باطل می‌شود و واجب است بعد از ماه مبارک رمضان، قضای



آن را به جا آورد. و واجب است چنین شخصی با نیت روزه وارد صبح شود و روزه را بگیرد و چنانچه حالت مذکور پیش آمد، جایز است افطار کند. و اگر بدون نیت روزه، وارد صبح شود و افطار نماید، قضا و کفاره بر او واجب بوده و معصیت کرده است.

### روزه و اعتیاد به سیگار

حکم روزه گرفتن برای کسانی که معتاد به سیگار هستند، چیست؟



باید روزه بگیرند.

### روزه‌ی بچه‌ی تازه بالغ

روزه گرفتن برای بچه‌هایی که تازه به سن بلوغ رسیده‌اند و



روزه گرفتن برای آنها سخت است چه حکمی دارد؟

واجب است روزه بگیرند. و اگر ضعف بر آنان عارض شد، حتی اگر شدید باشد، مجوزی برای افطار روزه‌های ماه مبارک رمضان نیست، حتی در دخترانی که تازه به سن تکلیف رسیده‌اند؛ مگر این که حرجی باشد که در این صورت، جایز است افطار کنند. ولی واجب است در خوردن و آشامیدن، به اندازه‌ی ضرورت اکتفا کنند و از بیشتر از آن امساک نمایند. اما قضای روزه واجب است؛ و در فرض سؤال، باید با نیت روزه وارد صبح شوند حتی اگر احتمال می‌دهند که در بین روز، ضعف شدید آنها را به حرج بیندازد. و اگر بدون نیت روزه وارد صبح شده و افطار کنند، قضا و کفاره بر آنها واجب بوده و کارشان گناه محسوب می‌شود.

## شیاف در حال روزه

حکم استفاده از شیاف برای انسان روزه دار چیست؟



اگر جامد است و در درون بدن هم به مایع تبدیل نمی‌شود، برای روزه اشکالی ندارد (فقط کراهت دارد). اما اگر در داخل بدن به مایع تبدیل می‌شود، بنا بر احتیاط واجب، روزه را باطل می‌کند.

## کرم‌های واژینال در حال روزه

استفاده کردن از کرم واژینال، پماد، دارو و مانند آن از طریق



فرج برای زن روزه دار چه حکمی دارد؟

اگر جامد است و در درون بدن هم به مایع تبدیل نمی‌شود، برای روزه اشکالی ندارد (فقط کراهت دارد). اما اگر در داخل بدن به مایع تبدیل می‌شود، بنا بر احتیاط واجب، روزه را باطل می‌کند.

## روزه‌ی مسافر

مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر، دو رکعت بخواند، نباید روزه بگیرد، و مسافری که نمازش را تمام می‌خواند - مثل کسی که شغلش مسافرت یا سفر او سفر معصیت است - باید در سفر، روزه بگیرد.

## حکم مسافرت در ماه رمضان

مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، ولی مکروه است؛ هرچند برای فرار از روزه نباشد، مگر اینکه سفر به جهت ضرورتی باشد و یا - به مقتضای بعضی از روایات - برای حج یا عمره باشد.



حکم روزه‌ی کسی که در سفر، روزه گرفته است، چیست؟



کسی که نمی‌داند روزه‌ی مسافر باطل است، اگر در سفر روزه بگیرد و در بین روز، مسأله را بفهمد، روزه‌اش باطل می‌شود، و اگر تا مغرب نفهمد روزه‌اش صحیح است.

در چه وقتی از روز اگر انسان مسافرت کند روزه‌اش باطل



می‌شود؟

اگر روزه‌دار، بعد از ظهر، مسافرت نماید، باید روزه‌ی خود را تمام کند، و اگر پیش از ظهر، مسافرت کند، وقتی به حدّ ترخص برسد روزه‌اش باطل می‌شود.<sup>۱</sup>

### شب و روز غیر متعارف

بعضی کشورها شب و روز غیر متعارف است. مثلاً گاهی



شب آن بیست و دو ساعت و روز آن فقط دو ساعت می‌باشد، یا بالعکس. حکم روزه چیست؟

باید روزه را در وقت شرعی آن - از اذان صبح تا مغرب - بگیرید، اگرچه روز طولانی باشد. و اگر در بین روز، روزه گرفتن به نحوی سخت شد که عرفاً قابل تحمل نبود، می‌توانید به اندازه‌ای که سختی آن برطرف شود آب یا غذا خورده و بقیه‌ی روز را امساک کنید و باید بعداً قضای آن را به‌جا آورید.

۱. بنابراین، نباید تا قبل از اینکه به حد ترخص برسد، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام بدهد.



در بعضی کشورها که مثلاً شش ماه شب و شش ماه روز



است وظیفه‌ی مکلف نسبت به روزه چیست؟

اگر می‌توانید به محلی بروید که در ۲۴ ساعت شب و روز دارد، باید به آنجا رفته و روزه‌ی خود را بگیرید. و اگر رفتن به آنجا ممکن نبود، باید قضای روزه را بعداً به‌جا آورید.

وظیفه‌ی شخص روزه‌دار نسبت به اوقات شرعی در کشورهای



غیراسلامی چیست؟

اگر شخص مورد اعتمادی نبود که به حرف او رفتار نمایید، و خودتان شخصاً هم توانایی تشخیص اوقات شرعی را ندارید، باید احتیاط را رعایت نمایید. مثلاً اگر شک داشتید که مغرب شده یا نه، باید به مقداری که مطمئن شوید مغرب شده صبر کرده و بعد از آن افطار نمایید.

## ثابت شدن اول ماه

برای ثابت شدن اول ماه قمری - مثلاً اول ماه رمضان یا



شوال - آیا لازم است ماه در شهر یا کشور محل سکونتمان دیده

شود؟ یا اگر در کشورهای دیگر هم دیده شود کافی است؟

خیر، لازم نیست. بنابراین، اگر برای شما ثابت شد که ماه در کشور دیگری دیده شده، چنانچه آن کشور در بیشتر ساعات شب با محل سکونت شما مشترک باشد کافی است. مثلاً اگر شب ده ساعت است، در شش ساعت آن با محل سکونت شما مشترک باشد. و اگر در بیشتر ساعات شب مشترک نباشد بنا بر احتیاط واجب، اول ماه ثابت نمی‌شود.



# خمس

## اهمیت خمس

در شرع مقدس اسلام، خمس یکی از واجبات است که هیچ خلاقی نسبت به اصل وجوب آن نیست؛ اگرچه در بعضی مسائل و خصوصیات آن اختلاف نظر وجود دارد. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ  
وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ﴾<sup>۱</sup>

آگاه باشید! از هر چیزی که فایده بردید یک پنجم آن برای خدا و رسول خدا و ذی القربی و یتامی و مساکین و ابن السبیل است.

و در روایات متعددی آمده است که خداوند متعال این فریضه (خمس) را برای پیامبر ﷺ و ذریه‌ی ایشان به جای زکات قرار داده است تا آنها را اکرام نماید.

۱. سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۴۱.



از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است که:

إِنَّ اللَّهَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَمَّا حَرَّمَ عَلَيْنَا الصَّدَقَةَ أَنْزَلَ لَنَا الْخُمْسَ فَالْصَّدَقَةُ عَلَيْنَا حَرَامٌ وَ  
الْخُمْسُ لَنَا فَرِيضَةٌ وَ الْكِرَامَةُ لَنَا حَلَالٌ<sup>۱</sup>

هر آینه خداوند - که خدایی جز او نیست - از آنجا که صدقه را بر ما حرام کرد،  
خمس را برای ما نازل فرمود. پس صدقه بر ما حرام است و خمس برای ما  
فریضه و کرامت برای ما حلال است

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده است که:

لَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَشْتَرِيَ مِنَ الْخُمْسِ شَيْئًا حَتَّى يَصِلَ إِلَيْنَا حَقُّنَا<sup>۲</sup>  
برای هیچ کس حلال نیست که از خمس (مالی که به آن خمس تعلق گرفته)  
چیزی بخرد تا اینکه حق ما به ما برسد

بنابراین، کسی که از پرداخت خمس خودداری نماید جزو ظالمان به محمد و آل  
محمد صلی الله علیه و آله شمرده شده و نام او در زمره ی کسانی است که حق آنها را غصب  
کرده اند.

## وجوب خمس



خمس بر چه کسی واجب است؟

خمس بر هر کسی که مالی به دست آورد - فایده‌ای ببرد - و تا سر سال در  
مؤونه‌ی زندگی‌اش مصرف نکند، واجب است؛ و باید با قصد قربت و خلوص  
نیت آن را پرداخت نماید.

۱. الوسائل، ج ۹، ص ۴۸۳.

۲. الوسائل، ج ۹، ص ۴۸۴.

### فقر و خمس

آیا بر کسی که فقیر است هم خمس واجب است؟



بله. فقیر هم اگر منفعتی ببرد و تا سر سال در مؤونه‌ی زندگی اش مصرف نکند، باید خمس آن را بپردازد. بنابراین، در وجوب خمس، فرقی میان فقیر و غنی وجود ندارد.

### قناعت کردن و خمس

شخصی تنگدست و قناعت کار است و سر سال، مقداری مال



از او باقی مانده است. آیا خمس دارد؟

بله. اگر به واسطه‌ی قناعت کردن هم چیزی از مخارج سال انسان زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.

### شاغل بودن و خمس

آیا خمس فقط بر شخص شاغل واجب است یا بر انسان بیکار



هم خمس واجب می شود؟

در وجوب خمس، فرقی میان انسان شاغل و انسان بیکار نیست. بله؛ تفاوتی که وجود دارد این است که اگر کسی شاغل و دارای درآمد مستمر باشد، باید سال خمسی داشته باشد و شخصی که بیکار است و درآمد مستمری هم ندارد می تواند برای هر مالی که بدست می آورد یک سال جداگانه قرار دهد.

## بلوغ و خمس

آیا خمس فقط بر انسان بالغ واجب است یا به اموال بچه‌ی



نابالغ نیز تعلق می‌گیرد؟

خمس فقط بر انسان بالغ واجب نیست. بلکه، اگر بچه‌ی صغیر هم مالی بدست آورد و تا یک سال در مؤونه‌ی زندگی او مصرف نشود، خمس دارد و بر ولیّ او واجب است که خمس آن را بردارد و بپردازد. و اگر ولیّ این کار را نکرد، آن صغیر باید خودش پس از بلوغ بپردازد.

## عاقل و مجنون

آیا شرط وجوب خمس، عاقل بودن شخص است یا به اموال



انسان مجنون (دیوانه) هم خمس تعلق می‌گیرد؟

خمس به اموال انسان مجنون هم تعلق می‌گیرد. بنابراین، اگر مجنون مالی داشته باشد و تا سر سال در مؤونه‌ی زندگی او صرف نشود، بر ولیّ او واجب است که خمس آن را بردارد و پرداخت نماید. و اگر او این کار را انجام نداد، اگر مجنون خوب شد، باید خودش بپردازد.

## مسلمان و کافر

آیا به مال کفار هم خمس تعلق می‌گیرد؟



بله. کفار هم مکلف به پرداخت خمس هستند ولی اگر مالی از آنها به دست شیعه‌ی دوازده امامی رسید، استفاده از آن برای او حلال است؛ اگرچه می‌داند که آن کافر خمس آن را نداده است.

### مجرد و متأهل



آیا برای شخص مجرد هم خمس واجب است؟

در وجوب خمس، فرقی میان انسان مجرد و انسان متأهل نیست.

### زن و مرد



آیا در وجوب خمس، بین زن و مرد فرقی هست؟

خیر. تفاوتی وجود ندارد.

### زن و شوهر



آیا در زندگی مشترک، زن هم موظف است حساب رسی

خمس داشته باشد یا همین که شوهرش اهل خمس باش کافی است؟

هر کدام جداگانه باید اموالشان را محاسبه نموده و به مسائل خمسی خود رسیدگی کنند. بله؛ زن می تواند به شوهر خود و کالت دهد که مسائل خمسی او را پرسیده و اگر خمسی تعلق گرفت، از مال زن بردارد و پرداخت نماید.

### سال خمسی



منظور از سال خمسی چیست؟

کسی که درآمد (هر منفعتی) داشته باشد و آن درآمد از سر سال او زیاد بیاید باید خمس آن را بدهد. و منظور از سر سال نسبت به کسی که شغل و

درآمد مستمر ندارد این است که از آن درآمد، دوازده ماه<sup>۱</sup> بگذرد. و نسبت به کسی که شغل و درآمد مستمر دارد این است که روزی که اولین درآمد برای او حاصل شده، فرا برسد. مثلاً سال خمسی کارمند یا کارگر اولین روزی است که به سر کار می‌روند. اگرچه چیزی دریافت نکرده و فقط طلبکار شده باشند.

## تحقق سال خمسی

سال خمسی چگونه محقق می‌شود؟ آیا خود انسان می‌تواند به



سلیقه‌ی خود، یک روز را به عنوان سال خمسی قرار دهد؟

دو حالت دارد:

**حالت اول:** اگر کسی شغل و درآمد مستمر دارد، اولین درآمدی که برای او حاصل می‌شود مبدأ سال خمسی اوست. بنابراین، اگر درآمد او تا همان تاریخ در سال بعد، زیاد بیاید، باید خمس آن را بپردازد. و هر ساله باید خمس اموال خود را در آن روز محاسبه نماید.

**حالت دوم:** اگر کسی شغل و درآمد مستمر ندارد، هر مالی که بدست می‌آورد دوازده ماه وقت دارد که اگر تا قبل از آن در مؤونه‌ی زندگی اش خرج نکرد، باید خمس آن را بپردازد.

- بنابراین، تعیین سال خمسی به دست خود انسان نیست؛ بلکه خود به خود تعیین پیدا می‌کند.

۱. بنا بر احتیاط واجب، دوازده ماه قمری.

## منظور از حصول درآمد

**۱۴۳** منظور از حصول درآمد که مبدأ سال خمسی انسان است، چیست؟ آیا منظور اولین روزی است که انسان مشغول کار می شود یا منظور اولین روزی است که درآمد بدست می آورد یا اولین روزی که درآمد وصول می شود؟

منظور از آن، اولین درآمندی است که برای او حاصل می شود؛ حتی اگر آن درآمد وصول نشده باشد و فقط طلبکار شده باشد.

## سال شمسی یا قمری

**۱۴۴** آیا سال خمسی باید قمری باشد یا اگر شمسی هم باشد مانعی ندارد؟

بنابر احتیاط واجب، سال خمسی باید قمری باشد.

## تغییر سال خمسی

**۱۴۵** آیا جایز است انسان سال خمسی خود را تغییر دهد؟

دو حالت دارد:

**حالت اول:** اگر می خواهد زودتر از سال خمسی، خمس خود را پردازد، اشکال ندارد. به عنوان مثال، اگر سال خمسی او اول ماه محرم است، بخواهد اول ماه ذی الحجّه حساب نماید، اشکال ندارد. و می تواند از سال بعد، اول ذی الحجّه را سال خمسی خود قرار داده و اموال خود را محاسبه نماید.

**حالت دوم:** اگر می‌خواهد سال خمسی او دیرتر باشد، برای تغییر سال خمسی باید سر همان سال خمسی قبل، اموال خود را محاسبه نماید و دوباره سر تاریخ جدید نیز خمس اموال مازاد خود را پردازد؛ و در سال‌های بعد، سال خمسی او به تاریخ جدید تغییر می‌کند. برای نمونه، اگر سال خمسی او اول محرم است، چنانچه بخواهد سال خمسی‌اش اول جمادی‌الاول باشد، باید یک بار در اول محرم، اموال خود را محاسبه نماید و دوباره در اول جمادی‌الاول نیز خمس اموالی را که از اول محرم به بعد بدست آورده و صرف مؤونه‌ی زندگی نشده، پردازد. و از سال بعد، سال خمسی او اول جمادی‌الاول خواهد بود.

### درآمدهای متفرقه و سال خمسی

**۱۴۶** کسی که شغل مستمر ندارد و دیگران متکفل مخارج او شده‌اند و به صورت مستمر برای او پول می‌فرستند، آیا باید سال خمسی داشته باشد یا اینکه می‌تواند برای هر پولی یک سال جداگانه قرار دهد؟

باید سال خمسی داشته باشد.

### سال خمسی کسی که فوت شده

**۱۴۷** شخصی که در بین سال، از دنیا رفته و اموالی به جا گذاشته، آیا باید خمس آن اموال را فوری بدهند یا اینکه می‌توانند تا سر سال خمسی او صبر کنند؟

وقتی انسان از دنیا می‌رود، سال خمسی جدید او تمام می‌شود. بنابراین، آنچه بعد از سال خمسی قبل بدست آورده و تا زمان مرگ، در مؤونه‌ی زندگی‌اش



خرج نکرده خمس دارد و باید خمس آن فوراً پرداخت شود. برای نمونه، اگر سال خمسی شخصی اول محرم بوده و خمس خود را حساب کرده، چنانچه اول ماه ربیع الاول از دنیا برود، باید خمس اموالی را که در ماه‌های محرم و صفر بدست آورده و در مؤونه مصرف نکرده، بدهند. و همچنین است اگر خمسی بر ذمه‌ی او بوده و پرداخت نشده - هرچند مربوط به اموال موجود او نباشد - که باید فوراً پرداخت گردد.

### موارد خمس

در هفت چیز خمس واجب می‌شود که فقط احکام یک مورد آن که بیشتر مورد نیاز است بیان می‌شود، و آن مورد، منفعت کسب است.



### منفعت کسب

هرگاه انسان از تجارت یا صنعت یا کسب‌های دیگر، مالی به دست آورد، هر چند مثلاً اجرت به جا آوردن نماز و روزه‌ی میّتی باشد، چنانچه از مخارج سال خود و عیالاتش زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.



## آنچه خمس ندارد

آنچه از منافع کسب در بین سال به مصرف خوراک و پوشاک و اثاثیه و خرید منزل و ازدواج فرزند و جهیزیه‌ی دختر و زیارت و مانند اینها از اموری که از مخارج آن سال حساب می‌شود، می‌رسد - در صورتی که از شأن او زیاد نباشد - خمس ندارد.

## اقسام اموال

اموال انسان ممکن است یکی از چهار حالت زیر را داشته باشد:

۱. اموالی که اصلاً خمس ندارد.
۲. اموالی که خمس آن داده شده است.
۳. اموالی که در معرض تعلق خمس است.
۴. اموالی که از آن‌ها سال گذشته و خمس به آن تعلق گرفته است.

## اموالی که اصلاً خمس ندارد عبارتند از:

۱- مؤونه‌ی زندگی: آنچه از درآمد بین سال در موارد زیر مصرف می‌شود، اگر از شأن او زیاد نباشد جزو مؤونه‌ی سال حساب شده و خمس ندارد:

- |                           |                |                                       |
|---------------------------|----------------|---------------------------------------|
| * خوراک                   | * پوشاک        | * مسکن                                |
| * اثاثیه                  | * ازدواج       | * جهیزیه                              |
| * نذر                     | * کفاره        | * هدیه و جایزه                        |
| * زیارت و مسافرت          | * دارو و درمان | * امور خیر (از قبیل صدقه و وقف و ...) |
| * وسیله‌ی سواری مورد نیاز |                |                                       |

### منظور از شأن

منظور از این که گفته می‌شود «اگر از شأن او زیاد نباشد، جزو



مؤونه حساب می‌شود»، چیست؟ شأن افراد چگونه لحاظ می‌شود؟

به جایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد شأن می‌گویند؛ و تشخیص شأن افراد با عرف مردم است. یعنی به نحوی باشد که عقلاء بر او خرده نگیرند.

### خرج کردن بیشتر از شأن

از لحاظ خمسی، اگر کسی بیشتر از شأن خود، مالش را خرج



و صرف کند چه حکمی دارد؟

باید خمس اموال مازاد بر شأنش را بپردازد.

### جهیزیه

منظور از این که «جهیزیه خمس ندارد» چیست؟ منظور



جهیزیه‌ای است که در خانه‌ی پدر تهیه می‌شود یا منظور بعد از

ازدواج است که دختر جهیزیه را به خانه‌ی شوهر می‌برد؟



اگر انسان در شهری باشد که معمولاً هر سال مقداری از جهیزیه‌ی دختر را تهیه می‌کنند، در صورتی که آن شخص نتواند در غیر این صورت، جهیزیه را تهیه کند و ندادن جهیزیه منافی شأن

او باشد، چنانچه در بین سال، از منافع آن سال، جهیزیه بخرد، خمس ندارد. و اگر از منافع آن سال، در سال بعد، جهیزیه تهیه نماید، باید خمس آن را بپردازد. و اما نسبت به بعد از ازدواج که دختر جهیزیه را به خانگی شوهر می‌برد، اگر تا سر سال خمسی - اگر شاغل است و سال خمسی دارد - یا تا دوازده ماه بعد از ازدواج - اگر شاغل نیست و سال خمسی ندارد - از هر کدام از آن وسایل استفاده نکرده باشد باید خمسش را بپردازد.<sup>۱</sup>

### پس انداز کردن برای جهیزیه

آیا به مالی که داماد که برای خرید تعدادی از قطعات جهیزیه



کنار می‌گذارد و سال بر آن می‌گذرد نیز خمس تعلق می‌گیرد؟



اگر راهی بجز پس انداز کردن برای تهیه آن وسایل ندارد، بنا بر احتیاط واجب، خمس دارد.

**۲- ارث:** ارث خمس ندارد؛ مگر ارثی باشد که انسان انتظار آن را نداشته است (مثلاً خویشان دوری داشته و اصلاً انتظار نداشته که از آنها ارث ببرد) و یا از قبل، به مال یا ذمه‌ی میت، خمس تعلق گرفته ولی نپرداخته باشد.

**۳- مهر:** مهر زن خمس ندارد؛ چه مهر در عقد دائم باشد و چه مهر در عقد موقت.

۱. البته، وسایلی که به صورت سرویسی تهیه می‌شود چنانچه در بین سال، از بعضی از تکه‌های آن استفاده شود، به بقیه‌ی آن هم خمس تعلق نمی‌گیرد.



۴- **دیه‌ی اعضاء و منافع بدن:** دیه بر دو قسم است:

**الف)** دیه‌ی نفس (یعنی کسی را کشته باشند و دیه‌اش را به ورثه‌ی او بدهند)؛ که بنا بر احتیاط واجب، اگر از مخارج سالش زیاد بیاید، خمس دارد.

**ب)** دیه‌ی اعضاء و منافع (مثل این که دست کسی را قطع کنند و دیه‌اش را به او بپردازند)؛ که خمس ندارد.

۵- **هدیه‌ی غیر معتنا به:** هدیه، بخشش و جایزه‌ای که قدر و قیمت مهمی نزد مردم نداشته باشد، خمس ندارد. ولی اگر قابل توجه باشد و تا سر سال خمسی در مؤونه‌ی زندگی مصرف نگردد، خمس خواهد داشت.

### ذخیره‌ی پول برای خرید یا ساخت خانه



اگر پولی را برای



خرید یا ساخت خانه ذخیره

کنیم، از لحاظ خمسی چه

حکمی خواهد داشت؟

اگر کسی نیاز به خانه‌ی ملکی دارد

و هیچ راهی برای خانه دار شدن ندارد مگر با ذخیره کردن مال، بنا بر احتیاط واجب، پس از گذشت یک سال، به آن خمس تعلق می‌گیرد.

### ذخیره‌ی پول برای مخارج عقد و عروسی

اگر کسی در آمدش را برای مخارج عقد و عروسی ذخیره کند،



آیا خمس دارد؟

کسی که سن ازدواج او فرارسیده و راهی برای تهیه‌ی مخارج آن ندارد مگر ذخیره کردن مال، چنانچه آن ذخیره تا قبل از سال خمسی در مؤونه‌ی زندگی صرف نشود، بنا بر احتیاط واجب، خمس دارد.

## ذخیره‌ی پول برای تهیه‌ی سرمایه‌ی کار

اگر شخصی درآمده را جمع کند که با آن سرمایه‌ای تهیه



نماید (مثلاً مغازه یا تاکسی)، آیا خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

اگر راهی غیر از آن برای تأمین مخارج زندگی خود ندارد، بنا بر احتیاط واجب، خمس دارد.

## پس انداز کردن داماد برای تهیه‌ی جهیزیه

در بعضی شهرها، داماد وسایل زندگی را برای ازدواج تهیه



می‌کند و خانواده‌ی دختر چیزی نمی‌خرند. اگر داماد درآمده را برای

خرید جهیزیه ذخیره کند، آیا به آن خمس تعلق می‌گیرد؟

اگر تمام جهیزیه بر عهده‌ی داماد است و بدون پس انداز نمی‌تواند آن را تهیه نماید - نه فعلاً و نه در زمان خودش - به پول ذخیره شده خمس تعلق نمی‌گیرد.

## ذخیره کردن برای خرید خودرو



بنده به ماشین شخصی نیاز



دارم ولی نمی‌توانم یک جا پول

آن را فراهم کنم. اگر کم پول

ذخیره کنم تا پس از چند سال بتوانم ماشین مورد نیاز خود را تهیه

کنم، آیا خمس به آن پول تعلق می‌گیرد؟

کسی که به ماشین شخصی نیاز دارد و راهی غیر از ذخیره کردن مال برای خرید آن ندارد، بنا بر احتیاط واجب، خمس دارد.



### پس انداز کردن برای تعمیر خانه

منزل مسکونی ما قدیمی و مخروبه شده است ولی برای تعمیر



آن پول کافی در اختیار نداریم. اگر به نیت تعمیر منزل، کم کم درآمد

خود را ذخیره کنیم، آیا باز هم

خمس خواهد داشت؟

بله. بنا بر احتیاط واجب، خمس به آن

تعلق می گیرد.



### ذخیره ی پول برای سفر زیارتی

مبلغی پول برای رفتن به زیارت و مخارج ولیمه ی آن کنار



گذاشته ام. آیا خمس دارد؟

اگر سال بر آن بگذرد و از آن استفاده نکنید، خمس به آن تعلق می گیرد.

### پس انداز کردن برای تحصیل

بنده مشغول کار هستم ولی برای تحصیلات بالاتر باید مبلغی




را جمع کنم تا بتوانم هزینه ی دانشگاه را پردازم. اگر سال بر آن پول

بگذرد، آیا خمس خواهد داشت؟


اگر تحصیل برای شخص ضرورت دارد و او راهی بجز پس انداز کردن برای

تأمین مخارج آن ندارد، بنا بر احتیاط واجب، خمس دارد.

## ذخیره کردن برای مخارج عزاداری


**۱۶۰**  اگر پول یا مواد خوراکی را - مانند برنج و روغن - برای اطعام در عزاداری کنار گذاشته باشیم و سالی بر آن بگذرد، آیا خمس دارد؟  
خیر. اگر آن را به قصد قربت کنار گذاشته‌اید، خمس ندارد.

## استفاده از اموال دیگران

**۱۶۱**  اگر انسان به منزل کسی برود که می‌داند حساب رسی خمس ندارد، و وظیفه اش چیست؟ آیا می‌تواند از مواد خوراکی او و نظیر آن استفاده نماید؟

اگر می‌داند یا حجت شرعیّه دارد که به عین مالی که به او تعارف کرده خمس تعلق گرفته است، حق ندارد از آن استفاده کند. ولی اگر می‌داند که او اهل خمس نیست اما نمی‌داند به آن مال خمس تعلق گرفته یا نه، می‌تواند از آن استفاده کند.

## استفاده از اموال شبهه‌ناک

**۱۶۲**  اگر از دیگران به ما مالی برسد و شک کنیم که آیا خمس دارد یا نه، تکلیف چیست؟

تا زمانی که یقین یا اطمینان یا حجت شرعیّه پیدا نکرده‌اید که به عین آن مال خمس تعلق گرفته است، استفاده کردن از آن برای شما اشکال ندارد.



### فیش حج

آیا به پولی که برای خرید فیش حج پرداخت می شود خمس



تعلق می گیرد؟

اگر در بین همان سال به حج نرود، باید خمس فیش حج را بپردازد.

### فیش عمره

آیا به پولی که برای خرید فیش عمره پرداخت می شود خمس



تعلق می گیرد؟

اگر در بین همان سال به عمره نرود، باید خمس آن را بپردازد.

### سود فیش حج و عمره

بانک مقداری سود به صاحب فیش حج و عمره می پردازد.



آیا به این سود هم خمس تعلق می گیرد؟

به مقداری از سود که سال بر آن گذشته است خمس تعلق می گیرد.

### ثبت نام مشهد یا کربلا

اگر پیش از سال خمسی، برای تور زیارتی مشهد یا کربلا




ثبت نام کنیم ولی تاریخ حرکت بعد از سال خمسی باشد، حکم خمس


آن چگونه است؟

باید خمس آن مبلغ را بپردازید.


## خمس و جمع آوری صدقه

**۱۶۷**  اگر صدقات خود را جمع آوری کنیم تا به فقیر مورد نظرمان بدهیم و بر آن سال بگذرد، آیا خمس دارد؟  
اگر به قصد صدقه کنار گذاشته‌اید، خمس ندارد.

## خمس طلبکاری

**۱۶۸**  اگر سر سال خمسی، انسان از دیگران طلبکار باشد ولی وصول نشده باشد، وظیفه‌اش نسبت به خمس آن چیست؟  
اگر قابل وصول است، باید همان سر سال، خمس آن را بدهد. ولی اگر قابل وصول نیست، می‌تواند صبر کند هرگاه وصول شد خمس آن را فوراً بپردازد.

## معامله با مال خمس نداده

**۱۶۹**  کسی با پولی که خمس آن پرداخت نشده چیزی خریده است. حکم این معامله چیست؟  
اگر با عین پول خمس نداده جنسی را بخرد، یعنی به فروشنده بگوید: «این جنس را به این پول می‌خرم»، چنانچه مجتهد جامع الشرایط، معامله‌ی یک پنجم آن را اجازه بدهد، معامله صحیح است و خریدار باید یک پنجم آن جنس را به حاکم شرع بدهد. و اگر اجازه ندهد، معامله‌ی آن مقدار (یک پنجم) باطل است. پس اگر پولی را که فروشنده گرفته هنوز از بین نرفته است، حاکم شرع از همان پول خمس آن را برمی‌دارد. و اگر از بین رفته باشد، عوض خمس را از فروشنده یا خریدار مطالبه می‌کند.



ولی اگر جنسی را به ذمه بخرد (نه با عین پول خمس نداده) و بعد از معامله، بهای آن را از پول خمس نداده بپردازد، معامله‌ای که صورت گرفته صحیح است و به مقدار یک پنجم آن پول به فروشنده مدیون است. و حاکم شرع یک پنجم پولی را که به فروشنده داده، اگر از بین نرفته، از همان پول برمی‌دارد؛ و اگر از بین رفته، عوض آن را از خریدار یا فروشنده مطالبه می‌نماید.

### کم شدن بدهکاری در محاسبه‌ی خمس

سر سال خمسی، مقداری مال اضافه آمده و مقداری هم بدهی داریم. آیا باید اول بدهی را کم کنیم و خمس مابقی را بپردازیم یا خیر؟



این مسأله چند حالت دارد:

**حالت اول:** این بدهی مربوط است به همان اموالی که از سر سال اضافه آمده است (به عنوان مثال، آن دسته از مواد خوراکی را که اضافه آمده به صورت نسیه خریده است). در این حالت، اول بدهی را کم کنند سپس خمس مابقی را پرداخت نمایند.

**حالت دوم:** بدهی او ربطی به آن اموال اضافه ندارد. در این حالت، دو صورت پیش می‌آید:

**صورت اول:** این بدهی مربوط است به مؤونه‌ی زندگی؛ که دو فرض در آن موجود است:

**فرض اول:** قبل از حاصل شدن آن اموال اضافه‌ی سر سال این بدهی محقق شده و مصرف شده، در این فرض، بدهی از آن اموال کم نمی‌شود. به عنوان مثال، در ماه ذی‌الحجه برای خرید خودروی سواری شخصی پول قرض کرده است در حالی که اموال اضافه‌ی سر سال مربوط به ماه صفر به بعد می‌باشد. در این فرض، بدهی کم نمی‌شود.

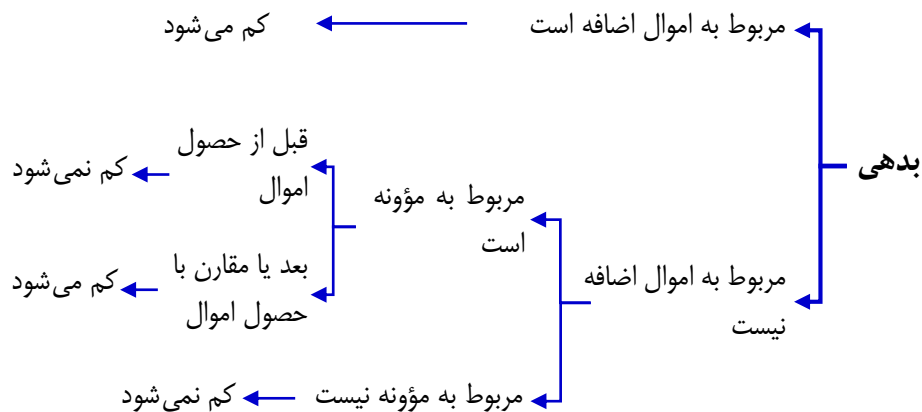
ذی الحجه	ذی القعدة	شوال	ماه رمضان	شعبان	رجب	جمادی الثاني	جمادی الاول	ربیع الثاني	ربیع الاول	صفر	محرم
						سر سال خمسی			حصول درآمد		تحقق بدهی

**فرض دوم:** پس از حاصل شدن آن اموال اضافه‌ی سر سال یا مقارن با آن بدهی محقق شده است. در این فرض، اول بدهی را از اموال اضافه کم کرده و سپس خمس مابقی را می‌پردازند.

ذی الحجه	ذی القعدة	شوال	ماه رمضان	شعبان	رجب	جمادی الثاني	جمادی الاول	ربیع الثاني	ربیع الاول	صفر	محرم
						سر سال خمسی		تحقق بدهی	حصول درآمد اضافه		

**صورت دوم:** این بدهی مربوط به مؤونه نیست. در این صورت، بدهی از اموال اضافه‌ی سر سال کم نمی‌شود. به عنوان نمونه، کسی سر سال، ده میلیون تومان پول و آذوقه اضافه آورده است و مبلغ پنج میلیون تومان بابت ساخت مغازه بدهکار شده است. در این صورت، بدهی کم نمی‌شود؛ بلکه، باید خمس ده میلیون تومان را بپردازد.

مطالب فوق به طور خلاصه در نمودار زیر آمده است.





اگر شخصی زمان بدهی اش قبل از حصول درآمد جدید و اضافه‌ی سر سال بوده ولی زمان مصرف آن مال (که به خاطرش بدهکار شده) بعد از حصول درآمد اضافه باشد، آیا آن بدهی از اموال اضافه‌ی سر سال کم می‌شود؟ مثلاً ماه صفر پولی را قرض گرفته، ماه ربیع‌الثانی درآمد کسب کرده و ماه رجب آن پول قرضی را برای مؤونه‌ی زندگی صرف می‌کند.

معیار برای کم شدن و کم نشدن بدهی از درآمد اضافه، زمان مصرف آن است. بنابراین، در مثالی که در سؤال آمده، بدهی از درآمد اضافه کم می‌شود.

### کم شدن مال خمس داده شده



سال گذشته، مجموع پول نقد و آذوقه‌ی اضافه‌ی منزل شخصی بالغ بر پنج میلیون تومان شده که خمس آن را پرداخت نموده است. آیا برای امسال باید مقدار مال خمس داده شده‌ی سال پیش را کم کرده و خمس مابقی را بدهد یا نباید کم کند؟

این مسأله دو حالت دارد:

**حالت اول:** اگر مال خمس داده شده را قبل از حاصل شدن درآمد جدید امسال خرج کرده است، در این حالت، کم نمی‌شود. برای مثال، سال خمسی او اول محرم بوده و خمس اموال خود را داده و اموال خمس داده شده را تا ربیع‌الثانی به طور کامل مصرف کرده و بعداً در ماه رجب، درآمد جدیدی برای او حاصل می‌شود. در این حالت، باید خمس همه‌ی درآمد جدیدی را که امسال اضافه آمده است، بپردازد.

**حالت دوم:** اگر مال خمس داده شده را مقارن یا بعد از حاصل شدن درآمد جدید امسال خرج کرده باشد، در این حالت، مقدار مال خمس داده شده‌ی سال پیش را از درآمد اضافه‌ی امسال کم کرده و سپس اگر باقیمانده‌ای داشته باشد، خمس مابقی را می‌پردازد. مثلاً اگر اضافه‌ی درآمد سال پیش او پنج میلیون تومان بوده و خمس آن را از روی خود آن مال پرداخت نموده، مبلغ چهار میلیون تومان از درآمد اضافه‌ی امسال کم می‌شود.

### خمس رهن خانه

آیا به مبلغی که به عنوان قرض الحسنه (که مردم به آن رهن می‌گویند) به صاحب خانه داده می‌شود خمس تعلق می‌گیرد؟

اگر از درآمد بین سال بوده و چاره‌ای غیر از این برای اجاره‌ی خانه‌ی مورد نیازش ندارد، تا زمانی که به آن پول احتیاج دارد، خمس به آن تعلق نمی‌گیرد و بعد از برطرف شدن نیاز، بنا بر احتیاط واجب، باید خمس آن را فوراً بپردازند.

### رهن مغازه یا محل کار

آیا به مبلغی که به عنوان قرض الحسنه به صاحب ملک اجاره‌ای داده می‌شود (و مردم به آن رهن می‌گویند) خمس تعلق می‌گیرد؟

اگر از درآمد بین سال بوده و امرار معاشش به آن وابسته باشد، بنا بر احتیاط واجب، به آن خمس تعلق می‌گیرد. و اگر امرار معاشش به آن وابسته نباشد، به فتوا، خمس دارد.

## یک پنجم یا یک چهارم

در چه صورتی باید خمس را به صورت یک پنجم و در چه



صورتی باید آن را به صورت یک چهارم پرداخت نمود؟

اگر خمس هر مالی را از خود آن جدا کنند و پردازند، دادن یک پنجم آن به عنوان خمس کافی است و باقیمانده‌ی آن مخمس است و پاک. ولی اگر خمس آن مال را بخواهند از مال دیگری پردازند، دو حالت پیش خواهد آمد: **حالت اول:** از مالی بدهد که اصلاً خمس ندارد (مثل ارث از کسی که توقع ارث بردن از او را داشته و مورث، بدهکار خمس نبوده است) یا اگر خمس دارد، خمس آن را داده‌اند. در این صورت، دادن یک پنجم آن کافی است.

**حالت دوم:** از مالی بدهند که اگر تا سر سال بماند خمس به آن تعلق می‌گیرد (مانند آن که از درآمد سال بعد بخواهد خمس اموال سال قبل را پردازد). در این حالت، باید به اندازه‌ی یک چهارم آن مال را پردازد. مثلاً اگر مال اضافه‌ی سال قبل یک میلیون تومان بوده، چنانچه بخواهد خمس آن را (که دویست تومان می‌شود) از درآمد سال بعدش پردازد، باید مبلغ دویست و پنجاه هزار تومان بدهد.

## خمس قرض

اگر مبلغی را از دیگران قرض کرده باشیم و تا سر سال خرج



نکنیم، خمس دارد؟

اگر هنوز آن قرض را پس نداده‌اید، خمس ندارد.

## خمس وام

اگر مبلغی را به عنوان وام گرفته باشیم - وامی که از نظر شرعی جایز باشد - آیا خمس دارد؟

اگر آن را تا پیش از سال خمسی، در مؤونه‌ی زندگی خود مصرف کرده‌اید، خمس ندارد. و اگر آن را به مصرف رسانده‌اید، دو صورت پیدا می‌کند:

**صورت اول:** چنانچه تا سر سال خمسی، هیچ قسطی از آن را پرداخت ننموده‌اید، خمس به آن تعلق نمی‌گیرد.

**صورت دوم:** اگر تعدادی از اقساط آن را پرداخت نموده‌اید، باید سر سال خمسی، خمس آن تعداد از اقساط را بپردازید.

## پرداخت خمس از مالی دیگر

آیا می‌شود خمس مالی را از مالی دیگر بپردازیم؟ مثلاً خمس برنج را از گندم بدهیم یا بالعکس.

انسان می‌تواند خمس هر چیزی را از همان چیز بدهد یا به مقدار قیمت خمسی که بدهکار است پول رایج بدهد و بنا بر احتیاط واجب، از چیز دیگر ندهد؛ مگر با اذن مجتهد جامع الشرایط.



# زکات

زکات نُه چیز واجب است:

۱- گندم، ۲- جو، ۳- خرما، ۴- کشمش، ۵- طلا، ۶- نقره، ۷- شتر، ۸- گاو، ۹- گوسفند



و اگر کسی مالک یکی از نُه چیز باشد، با شرایطی، باید مقداری که معین شده به یکی از مصرف‌هایی که دستور داده‌اند برساند. زکات در صورتی واجب می‌شود که مال به مقدار نصاب برسد.<sup>۱</sup>

۱. نصاب گندم و جو و خرما و کشمش تقریباً ۸۴۷ کیلوگرم می‌باشد.



## مقدار زکات

اگر گندم و جو و خرما و انگور<sup>۱</sup> از آب باران یا نهر مشروب شود، یا از رطوبت زمین استفاده کند، زکات آن یک دهم است، و اگر با دلو و مانند آن آبیاری شود زکات آن یک بیستم خواهد بود.



## موارد مصرف زکات

زکات در هشت مورد صرف می‌شود که بعضی از آنها عبارتند از:

- (۱) فقیر
- (۲) مسکین
- (۳) فی سبیل الله<sup>۲</sup>
- (۴) ابن السبیل، یعنی مسافری که در سفر درمانده شده.

۱. اگر انگور به مقداری باشد که چنانچه کشمش بشود به حد نصاب می‌رسد، باید زکات آن را بدهند.

۲. بنا بر احتیاط واجب، اگر فقیر در محل باشد نمی‌توان زکات را در این مورد مصرف کرد.



## زکات فطره

کسی که موقع غروب شب عید فطر بالغ و عاقل است و فقیر و بنده‌ی کسی نیست، به این معنی که ماه رمضان را - اگر چه به یک آن، تا تحقق غروب - با این شرایط درک کند، باید برای خودش و کسانی که نان‌خور او هستند، هر نفری یک صاع - که تقریباً سه کیلوگرم است - گندم یا آرد یا خرما یا کشمش یا برنج و مانند اینها به مستحق بدهد، و بنا بر احتیاط واجب، غذای معمول محلش باشد، و اگر پول یکی از اینها را هم بدهد کافی است.



## زکات فطره‌ی میهمان

اگر کسی شب عید فطر مهمان کسی باشد، آیا فطره‌ی او بر



عهده‌ی میزبان است؟

چنانچه میهمان، با رضایت صاحب‌خانه، پیش از غروب شب عید فطر، وارد شده و شب را آنجا بماند، فطره‌اش بر عهده‌ی میزبان است.

## زکات طلا

آیا به طلای زینتی خانم‌ها زکات تعلق می‌گیرد؟ در مورد سکه‌ی طلا چطور؟



زکات به طلای زینتی و سکه‌های امروزی تعلق نمی‌گیرد، و زکات مربوط به سکه‌هایی است که در گذشته از آن به عنوان پول رایج استفاده می‌کرده‌اند.

# خرید و فروش

## خرید و فروش عروسک

حکم خرید و فروش عروسک - چه عروسک انسان و چه عروسک حیوان - و ساخت و نگهداری آن چیست؟



خرید و فروش و نگهداری عروسک جایز است؛ اگرچه احتیاط مستحب این است که ترک شود. ولی ساخت آن حرام است.

## خرید و فروش مجسمه

خرید و فروش، ساخت، آموزش و نگهداری مجسمه چه



حکمی دارد؟



خرید و فروش آن جایز است؛ اگرچه احوط ترک است. ساختن مجسمه‌ی جان‌دار - انسان و حیوان - حرام است. گرفتن اجرت برای ساخت و آموزش آن حرام است. نگهداری آن جایز است؛ اگرچه ترک آن بهتر است.

## خرید و فروش سگ

خرید و فروش سگ چه حکمی دارد؟



خرید و فروش سگ باطل است و بنا بر احتیاط واجب، حرام (گناه). و فقط خرید و فروش «سگ شکاری» اشکال ندارد.

## خرید و فروش خون

حکم خرید و فروش خون چیست؟ آیا جایز است انسان - به



عنوان مثال - یک واحد از خون بدنش را به

دیگران بفروشد؟

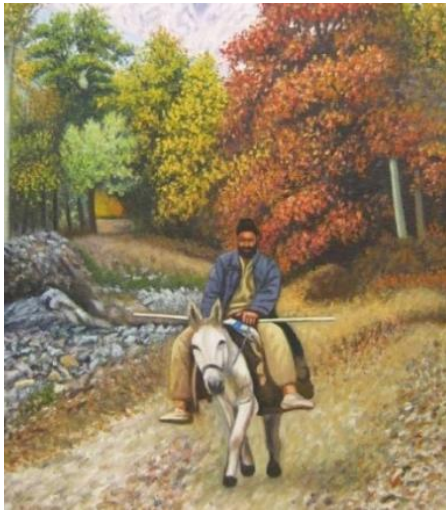


اهدای خون به بیمارانی که احتیاج به تزریق خون دارند جایز است؛ و گرفتن مبلغی در مقابل دادن خون مانعی ندارد؛ و



در هر صورت باید خون دادن به صاحب آن ضرر جانی نداشته باشد. و همچنین خرید و فروش آن برای تزریق به دیگران صحیح و حلال است. ولی احتیاط مستحب، ترک آن است.

### خرید و فروش نقاشی



حکم خرید و فروش



و نگهداری نقاشی و

کشیدن آن چیست؟

کشیدن نقاشی جان دار - چه انسان و چه حیوان - بنا بر احتیاط واجب حرام است؛ ولی خرید و فروش و نگهداری آن جایز است؛ اگرچه بهتر آن است که این کار ترک شود.

### خرید و فروش اسکناس (پول)

آیا خرید و فروش پول جایز است؟



خرید و فروش پول در صورتی که از یک جنس نباشد - به عنوان مثال، دلار را به تومان

بفروشند یا بر عکس - اشکال ندارد. ولی اگر از یک جنس باشد، خرید و فروش

آن به مقدار کمتر یا بیشتر بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست. به عنوان مثال، یک بسته‌ی صدتایی اسکناس هزار تومانی را به صد و ده هزار تومان بفروشند. ولی چنانچه مالکِ مبلغ کمتر با مالکِ مبلغ بیشتر بر این مصالحه کند که مالکِ مبلغ بیشتر، آن را به او ببخشد و او هم مبلغ کمتر را به مالکِ مبلغ بیشتر ببخشد، اشکال ندارد. برای مثال، مالکِ صد و ده هزار تومان به قصد مصالحه بگوید: «مصالحه می‌کنم با تو بر این که صد هزار تومان به من ببخشی و من هم صد و ده هزار تومان به تو ببخشم».

### معامله با بچه‌ی نابالغ



آیا خرید و فروش با



بچه‌ی نابالغ صحیح است؟

خرید و فروش با بچه‌ی نابالغ چهار حالت دارد:

- حالت اول:** بچه مستقلاً با مال خودش معامله نماید. در این حالت، معامله باطل است.
- حالت دوم:** معامله با ولیّ بچه و در مال بچه باشد - با شرایط آن - و بچه فقط صیغه‌ی معامله را جاری کند. در این صورت، معامله صحیح است.
- حالت سوم:** معامله در مال خود بچه نباشد و بچه‌ی ممیز و کالتاً از طرف صاحب مال معامله کند. در این صورت، معامله صحیح است.
- حالت چهارم:** بچه فقط وسیله باشد که جنس را به مشتری و پول را به فروشنده برساند. در این حالت، اگر اطمینان داشته باشند که بچه مال را به هر دو طرف (خریدار و فروشنده) می‌رساند، معامله صحیح است؛ حتی اگر بچه ممیز هم نباشد.



## معامله با مال بچه‌ی نابالغ

چه کسی می‌تواند برای بچه‌ی نابالغ معامله کند؟



افرادی که می‌توانند برای بچه‌ی نابالغ معامله کنند عبارتند از:

۱. پدر
۲. پدربزرگ
۳. وصی پدر یا وصی پدربزرگ که او را قیم بر بچه قرار داده است
۴. وکیل پدر یا پدربزرگ پدری

البته، نباید خرید و فروش به ضرر آن بچه باشد؛ بلکه باید بنا بر احتیاط واجب، به مصلحت او باشد.

## تصرف مادر یا برادر یا دیگران در مال صغیر (بچه‌ی نابالغ)

حکم خرید و فروش اموال بچه‌ی نابالغ توسط مادر یا برادر



یا اشخاص دیگر را بیان فرمایید.

چنانچه از پدر یا پدربزرگ پدری او اجازه‌ی آن کار را داشته باشند، اشکال ندارد.

## خرید و فروش مال وقفی

خرید و فروش مال وقف شده چه حکمی دارد؟



معامله‌ی چیزی که وقف شده باطل است؛ ولی اگر به طوری خراب شود یا در معرض خرابی قرار گیرد که نتواند استفاده‌ای را که مال برای آن وقف شده از آن ببرند، فروش آن اشکال ندارد. به عنوان مثال، فرش مسجد به طوری خراب شود که نتواند روی آن نماز بخوانند. و در صورتی که ممکن باشد،

باید عوض آن را در همان مسجد به مصرفی برسانند که به غرض واقف نزدیک تر باشد. و در هر حال، تصرف در وقف به فروش و همچنین تصرف در عوض آن باید توسط متولی وقف، و در صورت نبودن او به اذن حاکم شرع باشد.

### معامله‌ی نقد و اقساط

آیا می‌شود انسان جنسی را به صورت نقد و اقساط خرید و فروش نماید؟ به عنوان مثال، نصف پول، اول معامله و بقیه به صورت اقساطی پرداخته شود.

بلی؛ جایز است انسان مقداری از مال را به صورت نقد و مقداری دیگر را به صورت نسیه و اقساطی معامله کند. به عنوان مثال، اگر قیمت ماشینی بیست میلیون تومان است، ده میلیون تومان آن را به صورت نقد بپردازد و ده میلیون دیگر را مثلاً به صورت اقساطی ده ماهه به این صورت که هر ماه مبلغ یک میلیون تومان بپردازد.



### نقد کردن پول

در معامله‌ی نسیه - که هنوز وقت پول آن نرسیده - اگر فروشنده بگوید: «اگر پول را زودتر پرداخت کنی، حاضرم کمتر بگیرم»، در این صورت، چه حکمی دارد؟

اگر فروشنده بگوید: «این مقدار پول را به صورت نقد به من بپرداز، من هم بقیه را

به تو واگذار می‌کنم» و مشتری هم این مطلب را قبول کند. در چنین صورتی اشکال ندارد. به عنوان مثال، اگر مبلغ معامله یک میلیون تومان بوده که موعد آن سه ماه دیگر است، فروشنده بگوید: «مبلغ ۹۰۰ هزار تومان به من بده، من هم بقیه را به تو واگذار می‌کنم» و خریدار هم قبول نماید، در این صورت، اشکال ندارد.

### مهلت دادن و گرفتن پول بیشتر

شخصی جنسی را به صورت نسیه خریده ولی نمی‌تواند پول آن را سر موعد مقرر پرداخت کند، آیا می‌تواند از فروشنده مهلت بیشتری گرفته و در مقابل، پول بیشتری بپردازد؟ به عنوان مثال، اگر بدهی او یک میلیون تومان بوده به فروشنده چنین بگوید: «اگر سه ماه مهلت بدهی، مبلغ یک میلیون و دویست هزار تومان می‌پردازم». خیر؛ چنین کاری را نمی‌توان انجام داد. و گرفتن مبلغ اضافه حرام است. البته، مهلت دادن بدون گرفتن مبلغ اضافه اشکال ندارد.

### ندادن پول

اگر در معامله‌ی نسیه، خریدار سر وقت مشخص شده پول را ندهد، وظیفه چیست؟

این مسأله دو حالت دارد:

**حالت اول:** خریدار، پول دارد ولی عمداً نمی‌دهد. در این حالت، فروشنده سه راه دارد:

۱. با مراجعه به مجتهد جامع الشرایط، خریدار را مجبور کند که پول او را

پرداخت کند.

۲. معامله را بهم زده و در صورتی که جنس موجود است آن را پس بگیرد، و اگر موجود نبود؛ چنانچه آن جنس، مثلی بوده، می‌تواند مثل آن را پس بگیرد و اگر قیمی بوده، می‌تواند قیمت آن را طلب نماید.<sup>۱</sup>

۳. به همین حالت راضی شود و صبر کند خریدار پول او را پرداخت نماید.

**حالت دوم:** خریدار پول ندارد. در این حالت، فروشنده فقط راه دوم و سوم حالت قبلی را می‌تواند انتخاب کند.

## فروش مال، قبل از تحویل گرفتن

آیا جایز است انسان مالی را که خریداری نموده ولی هنوز



تحویل نگرفته است، بفروشد؟

اگر انسان مالی را به صورت «سَلَف» خریده باشد، نمی‌تواند پیش از تمام شدن مدت، آن را به دیگری بفروشد. و همچنین، بنا بر احتیاط واجب، نمی‌تواند آن را به خود فروشنده هم بفروشد. و اگر انسان جنسی را به صورت نقد یا نسیه و یا به صورت «سَلَف» خریده باشد که زمان تعیین شده برای تحویل گرفتن مال فرارسیده باشد، دو حالت دارد:

**حالت اول:** مال مورد معامله به صورت وزنی یا پیمانه‌ای خرید و فروش می‌شود، مانند گندم و برنج. در این حالت، اگر بخواهد به قیمت بالاتری بفروشد، جایز نیست، ولی فروش آن به قیمت مساوی یا پایین‌تر اشکال ندارد.

۱. اجناس دو گونه‌اند:

الف) **مثلی:** به چیزهایی گفته می‌شود که خصوصیات افراد صنف آن‌ها معمولاً از جهت ارزش و رغبت مردم تفاوت ندارد، مانند حبوبات.

ب) **قیمی:** به چیزهایی گفته می‌شود که خصوصیات افراد صنف آن‌ها از جهت ارزش و رغبت مردم تفاوت داشته باشد، مانند حیوانات.

**حالت دوم:** مال مورد معامله به صورت وزنی یا پیمانه‌ای خرید و فروش نمی‌شود، مانند وسایل خانه و ماشین. در این حالت، خریدار می‌تواند آن مال را حتی به قیمت بالاتر از مبلغ خریداری شده به شخص دیگری بفروشد.

### تعویض طلا

روش صحیح تعویض طلای کهنه با طلای نو چیست؟



تعویض طلای کهنه با طلای نو دو راه دارد که عبارتند از:

۱. طلاها را در دو معامله‌ی مستقل معامله کنند. به عنوان مثال، اول، مشتری طلای کهنه‌ی خودش را به پول فروخته سپس با آن پول - اگر خواست - طلای نو و ساخته را از طلا فروش خریداری کند.
۲. طرفی که طلای کمتر را می‌دهد، چیزی را همراه آن ضمیمه کند. به عنوان مثال، ۱۰۰ گرم طلای کهنه را به ۹۰ گرم طلای نو و یک جعبه دستمال کاغذی بفروشد که ۱۰ گرم طلای اضافه در مقابل یک جعبه دستمال کاغذی باشد.

## طلای مردانه

حکم ساخت و خرید و فروش طلای مردانه چیست؟



ساخت طلای مردانه و خرید و فروش

آن - بنا بر احتیاط واجب -

حرام است؛ چه طلای زرد

باشد و چه طلای سفید.

## تعویض طلای نساخته با طلای ساخته

غالباً طلا فروشها با طلاساز این گونه معامله می کنند که - به



عنوان مثال - نیم کیلو طلای کهنه و شکسته یا طلای خام را به او

داده و در مقابل آن، نیم کیلو طلای ساخته گرفته و اجرت آن را هم

پرداخت می کنند. حکم این گونه معاملات چیست؟



چنین خرید و فروشی، معامله‌ی ربوی و حرام است. ولی برای پرهیز از مبتلا

شدن به ربا در این معامله دو راه وجود دارد که عبارتند از:

۱. همان طلایی را که طلا فروش می آورد، طلاساز بسازد و اجرت ساخت



آن را بگیرد.

۲. در دو معامله طلاها را ردّ و بدل کنند. یعنی طلافروش طلای کهنه یا خام را به طلاساز بفروشد و بعد - اگر خواست - با پولی که از طلاساز طلبکار است طلای نو و ساخته را بخرد.

## اجاره‌ی طلا



اگر کسی به طلافروش یا طلاساز بگوید: «یک کیلو طلا به تو می‌دهم به مدت یک سال، که با آن خرید و فروش نموده و ماهیانه دو میلیون تومان اجاره‌ی آن را به من بدهی»، این معامله چه حکمی دارد؟

یکی از شرایط مالی که آن را اجاره می‌دهند این است که با اجاره دادن، عین آن مال از بین نرود. بنابراین، اجاره دادن طلائی که باید آن را آب کنند و بسازند و سپس بفروشند باطل است. ولی برای این که معامله صحیح و جایز باشد و مشتری و طلافروش نیز به هدف خود برسند، دو راه پیشنهاد می‌شود:

۱. مشتری با طلافروش در سرمایه شریک شود. به عنوان مثال، اگر طلا فروش چهار کیلو طلا دارد، مشتری هم یک کیلو طلا به او بدهد. بنابراین، در آن سرمایه، چهار به یک شریک هستند و هر سودی که حاصل شود چهار پنجم آن برای طلافروش و یک پنجم آن برای مشتری محفوظ است.

۲. مشتری طلای خود را در اختیار طلافروش بگذارد که با آن معامله کند و تمام سود آن برای مشتری است و طلافروش اجرت عمل خود را بردارد.

## شرایط شرط



اگر فروشنده به مشتری چنین بگوید: «این مال را به تو فروختم به این شرط که دوباره آن را به خود من بفروشی»، این معامله چه حکمی دارد؟

جواب این مسأله چند حالت دارد:

- حالت اول:** فروشنده شرط می‌کند که دوباره به همان قیمت به او فروخته شود. در این صورت، این شرط صحیح است و باید طبق آن عمل شود.
- حالت دوم:** فروشنده، مال را به صورت نسبیه فروخته و شرط نموده که مشتری آن را به صورت نقد با قیمت پایین‌تر دوباره به او بفروشد. در این حالت، این شرط جایز نیست.<sup>۱</sup>
- حالت سوم:** معامله به صورت نقد انجام شده و فروشنده شرط کند که مشتری دوباره آن مال را با قیمت پایین‌تر به او بفروشد. این شرط نیز، بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست. و همچنین است - بنا بر احتیاط واجب - اگر خریدار شرط کند که فروشنده دوباره آن مال را به قیمت بالاتر از او بخرد.

## روش صحیح حق پشیمانی



روش صحیح حق پشیمانی چگونه است؟

روشن صحیح حق پشیمانی بدین صورت است که در ضمن معامله، طرفین شرط کنند که اگر هر کدام از طرفین به دیگری فلان مبلغ را بدهد، بتواند

۱. به عنوان مثال، فروشنده ماشین خود را به صورت نسبیه‌ی شش ماهه به قیمت ۲۰ میلیون تومان می‌فروشد و شرط می‌کند که دوباره مشتری همان ماشین را به قیمت ۱۹ میلیون تومان به صورت نقدی به او بفروشد.



معامله را به هم بزند. به عنوان مثال، خریدار به فروشنده چنین بگوید: «این خانه را از تو خریدم به شرط این که اگر تا سه ماه آینده هر کدام از ما به دیگری مبلغ ده میلیون تومان داد، بتواند معامله را به هم بزند».

### کم فروشی

کم فروشی حرام است و از گناهان کبیره شمرده شده. به عنوان مثال، یک کیسه برنج مشخص را به عنوان ده کیلو بفروشد در حالی که واقعاً نه کیلو باشد. در این صورت، اگر خریدار متوجه این مسأله شد، می‌تواند معامله را فسخ نماید. ولی اگر ده کیلو برنج را به ذمه بفروشد و هنگام تحویل دادن، کمتر از وزن فروخته شده را تحویل دهد، این معامله صحیح است و خریدار نمی‌تواند معامله را به هم بزند؛ بلکه، بر فروشنده واجب است بقیه‌ی برنج را هم تحویل دهد.

### احتکار

احتکار عبارت است از حبس و نگهداری اجناس و نفروختن آن‌ها به امید گران شدن،



در حالی که مسلمانان به آن اجناس نیاز داشته باشند و اشخاص دیگری هم نباشند که آن اجناس را در معرض فروش قرار دهند.

احتکار از نظر شرعی

حرام است. البته، اگر اجناس در بازار موجود باشد، حبس و نگهداری آنها به خاطر گران شدن، اشکال ندارد.

اجناسی که احتکار آن‌ها حرام است، کدامند؟



اجناسی که احتکار آنها حرام است عبارتند از: گندم، جو، خرما، کشمش، روغن حیوانی و روغن زیتون.



## گران‌فروشی

گران‌فروشی کاری ناپسند است. و مکروه است انسان بیشتر از مقدار نیازش از شخص مؤمن سود بگیرد.

## قسم خوردن

قسم خوردن در معامله، اگر راست باشد مکروه و اگر دروغ باشد حرام است.



## ربا از دیدگاه قرآن کریم

ربا، از نظر شارع مقدّس، حرام و از گناهان کبیره شمرده شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾<sup>۱</sup>

ای کسانی که ایمان آورده اید؛ از خدا بترسید و ربا را ترك کنید، اگر به راستی اهل ایمان هستید.

قرآن کریم، در آیه شریفه ی دیگر، دوری نکردن از ربا را جنگ با خدا و رسول عنوان نموده است؛ آنجا که می‌فرماید:

﴿فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾<sup>۲</sup>

اگر ربا را ترك نکردید، آگاه باشید که به جنگ خدا و رسول او برخاسته‌اید.

## اقسام ربا

ربا بر دو قسم است: ۱ - ربای در معامله، ۲ - ربای در قرض

۱. سوره ی بقره، آیه ی ۲۷۸.

۲. سوره ی بقره، آیه ی ۲۷۹.

## ۱- ربای در معامله

ربای در معامله بدین صورت است که شخصی مقداری از جنسی را که با وزن یا پیمانه می‌فروشند، به زیادت از همان جنس بفروشد. این معامله ربا و حرام و باطل است. به عنوان مثال:

- ده کیلو برنج ایرانی به پانزده کیلو برنج خارجی معامله شود.
- ۱۰۰ گرم طلای نو و ساخته به ۱۱۰ گرم طلای کهنه فروخته شود.
- پنج کیلو مس نو و ساخته به ده کیلو مس کهنه و شکسته فروخته شود.
- چهار کیلو روغن مایع به پنج کیلو روغن جامد معامله شود.



آیا در تحقق ربا لازم است چیزی که اضافه گرفته می‌شود



از همان جنسی باشد که به طرف مقابل داده می‌شود؟

خیر؛ لازم نیست چیزی که اضافه گرفته می‌شود از همان جنس باشد. بلکه، اگر پول یا جنس دیگری هم به عنوان اضافه گرفته شود، باز هم ربا و حرام است. به عنوان مثال:

- صد گرم طلای نو و ساخته به صد گرم طلای کهنه و یک میلیون تومان پول فروخته شود.
- پنج کیلو روغن مایع به پنج کیلو روغن جامد و یک کیلو برنج معامله شود.



اگر در معامله، چیزی اضافه گرفته نشود ولی شرط شود که طرف مقابل کاری انجام دهد، آیا در این صورت، باز هم ربا حساب می‌شود؟



بلی؛ اگر چیزی در معامله به عنوان اضافه گرفته نشود ولی شرط شود که طرف مقابل کاری برای او انجام دهد، در این صورت، باز ربا و حرام و معامله باطل است. به عنوان مثال، پنج کیلو روغن مایع به پنج کیلو روغن جامد فروخته شود به شرط این که خریدار یک روز برای فروشنده کار کند.

با توجه به مطالب فوق، برای ربوی شدن معامله دو شرط لازم است:

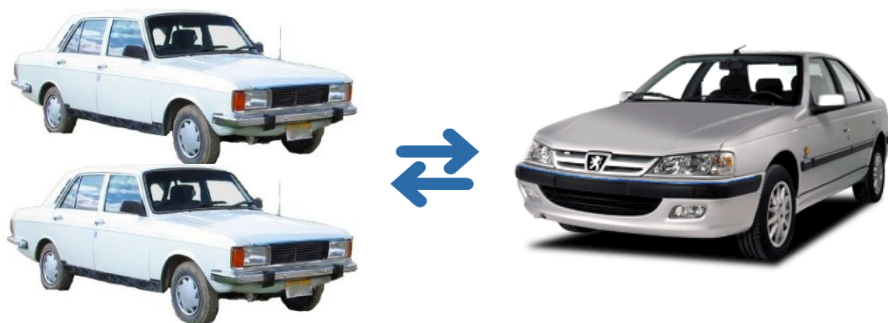
۱. هر دو کالایی که باهم مبادله می‌شود از یک جنس باشند، مانند برنج با برنج، طلا با طلا، گندم با گندم.



۲. جنس فروخته شده از چیزهایی باشد که به صورت وزنی یا پیمانه ای خرید و فروش می‌شود.



بنابراین، اگر یک ماشین به دو ماشین فروخته شود ربا نیست و اشکال ندارد و همچنین است اگر دو متر پارچه در مقابل پنج متر پارچه معامله شود.<sup>۱</sup>



آیا جایز است ۱۰۰ کیلو گندم به ۱۱۰ کیلو جو فروخته شود؟



جو



گندم

خیر؛ جایز نیست. چون گندم و جو در بحث ربا یک جنس حساب می‌شوند. بنابراین، فروختن ۱۰۰ کیلو گندم در مقابل ۱۱۰ کیلو جو ربا و حرام و معامله باطل است.

۱. البته، باید توجه داشت که در مسأله، تفصیلی هست و آن این است که اگر چیزی را که مثل پارچه با متر می‌فروشند یا چیزی را که مثل گردو و تخم مرغ با شماره (به صورت دانه‌ای) معامله می‌کنند، بفروشد و زیاده‌تر بگیرد، در صورتی که معامله بین دو عین شخصی باشد اشکال ندارد. و همچنین است اگر به مافی‌الذمه بفروشد و بین آن‌ها امتیاز باشد (یعنی با هم متفاوت باشند)، مثل این‌که ده عدد تخم مرغ بزرگ را به یازده عدد تخم مرغ متوسط در ذمه بفروشد، ولی اگر بین آن‌ها هیچ امتیاز نباشد، صحت معامله محل اشکال است. و همچنین فروختن اسکناس - هرچند محدود است، نه وزنی و پیمانه‌ای - به زیاده‌تر، در صورتی که هر دو از یک جنس باشند - مثل تومان به تومان - چه هر دو عین شخصی یا شخصی به مافی‌الذمه باشد، محل اشکال است.

آیا می‌شود ده کیلو شیر داده شود و پنج کیلو ماست گرفته



شود؟



خیر؛ خرید و فروش چیزهایی که اصل آنها یک جنس است به کمتر و بیشتر ربا و حرام است. به عنوان مثال، پنج کیلو ماست به ده کیلو شیر فروخته شود.

### جاهل به مسأله

اگر معامله از روی جهل به صورت ربوی انجام شود، وظیفه



چیست؟

خرید و فروشی که به صورت ربوی انجام شود مطلقاً باطل است. یعنی فرقی ندارد که شخص عالم به مسأله باشد یا جاهل. بنابراین، در چنین معامله‌ای لازم است همه‌ی مال به صاحب آن برگردانده شود.

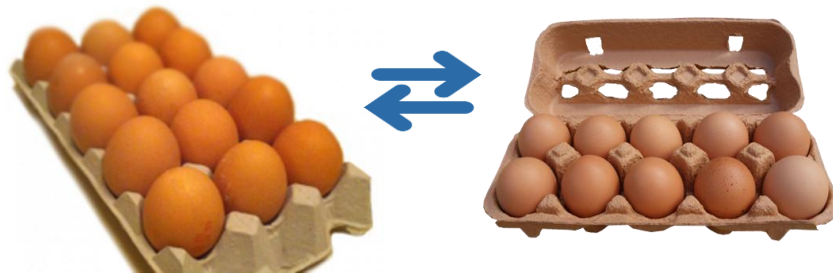


## ۲- ربای در قرض

ربای در قرض بدین صورت است که شخص قرض دهنده شرط کند که زیادتر از مقدار قرض داده شده بگیرد. در این صورت، ربا و حرام است؛ و در این حکم فرقی نمی‌کند که:

**الف)** آن زیاد از همان جنس باشد. به عنوان مثال:

- یک میلیون تومان قرض داده شود به شرط این که یک میلیون و نیم گرفته شود.
- ده کیلو برنج قرض داده شود به شرط پانزده کیلو برنج.
- ده عدد تخم مرغ قرض داده شود به شرط پانزده عدد.



**ب)** زیاد از جنس دیگری باشد. به عنوان مثال:

- ده کیلو برنج قرض داده شود به شرط ده کیلو برنج و یک کیلو روغن.
- یک میلیون تومان قرض به شرط یک میلیون تومان و ده کیلو برنج.

**ج)** آن زیاد کار باشد نه جنس. به عنوان مثال، یک میلیون تومان قرض در مقابل یک میلیون تومان به اضافه یک روز کار کردن برای قرض دهنده.

**د)** شرط کند که همان جنس را به شکل مخصوص بگیرد. به عنوان مثال، نیم کیلو طلای کهنه و شکسته قرض داده شود در مقابل نیم کیلو طلای نو و ساخته.





۲۰۸ اگر خود قرض گیرنده بخواهد چیزی به عنوان زیاده و اضافه

به طلبکار بدهد، چه حکمی دارد؟

اگر قرض دهنده شرط زیاده نکند ولی خود بدهکار بخواهد چیزی به عنوان زیاده بدهد، اشکال ندارد؛ بلکه چنین کاری مستحب است.

۲۰۹ اگر قرضی به صورت ربوی انجام شده باشد، وظیفه‌ی

قرض دهنده چیست؟

قرض دهنده‌ای که شرط زیاده کرده دو حالت دارد:

**حالت اول:** می‌دانسته که قرض ربوی حرام است و عمداً ربا گرفته است. در

این حالت، باید هرچه زیاده و اضافه گرفته را به صاحب آن برگرداند.

**حالت دوم:** نمی‌دانسته که قرض ربوی حرام است و یا می‌دانسته که قرض

ربوی حرام است ولی نمی‌دانسته کاری که انجام داده قرض ربوی محسوب

می‌شود. در این حالت - اگر توبه کرد - آنچه را گرفته لازم نیست برگرداند؛

ولی بعداً نباید آن زیاده را بگیرد.

۲۱۰ اگر قرض به صورت ربوی انجام شده باشد، وظیفه‌ی

قرض گیرنده چیست؟ آیا باید آن مال را برگرداند؟

کسی که قرض ربوی گرفته، گناه کرده است؛ ولی مالک آن مال شده و می‌تواند

در آن تصرف نماید؛ اگرچه، بهتر است در آن تصرف نکند. البته، نباید چیزی را

به عنوان زیاده به قرض دهنده بدهد.

۲۱۱ در چه مواردی ربا جایز است؟

مسلمان از کافر حربی می‌تواند ربا بگیرد ولی معامله‌ی ربا با کافری که در پناه

اسلام است، جایز نیست. ولی، بعد از معامله، اگر ربا گرفتن در شریعتش جایز باشد، می‌تواند بگیرد. و پدر و فرزند و شوهر و زنِ دائمی می‌توانند از یکدیگر ربا بگیرند.

## فرق ربا در قرض و بیع

آیا حرمت ربا در قرض و بیع با هم فرق دارد؟



ربا در بیع و قرض از دو جهت متفاوت است که عبارتند از:

۱. در قرض، هر نوع زیادی که شرط شود ربا و حرام است، ولی در بیع، زیادی در صورتی حرام است که چیز فروخته شده و عوض آن از یک جنس باشند و با کیل یا وزن فروخته شوند که در این صورت، زیادی ربا و حرام است. بنابراین، اگر از یک جنس نباشند و یا با کیل و وزن فروخته نشوند، زیاده گرفتن در آن حرام نیست. مانند اجناسی که به صورت عددی فروخته می‌شوند.
۲. ربا در بیع موجب بطلان بیع است و نقل و انتقالی محقق نمی‌شود و در قرض، ربا موجب بطلان قرض نیست و قرض گیرنده مالک مالی که قرض گرفته می‌شود، ولی قرض دهنده مالک مقدار زیادی که شرط شده نمی‌شود.

# اجاره

شخصی منزل خود را اجاره داده و قبل از تمام شدن مدت



اجاره، مالک خانه از دنیا می‌رود. حکم این اجاره چیست؟

اگر هر کدام از اجاره دهنده یا اجاره کننده از دنیا بروند، اجاره باطل نمی‌شود. به عنوان مثال، اگر کسی خانه‌اش را به مدت یک سال اجاره داد و در بین سال فوت شد، ورثه‌ی او نمی‌توانند مستأجر را از خانه بیرون کنند.

## استفاده نکردن از مورد اجاره

اگر مستأجر از مالی که اجاره کرده استفاده نکند، آیا باز هم



باید اجاره‌ی آن را بپردازد؟

هرگاه انسان چیزی را که اجاره داده تحویل دهد، اگرچه مستأجر تحویل نگیرد یا تحویل بگیرد و تا آخر مدت اجاره از آن استفاده نکند، باید اجاره‌ی آن را بپردازد.



شخصی اجیر شده تا کار مشخصی را انجام دهد ولی وقتی سر کار حاضر می شود، طرف مقابل شرایط کار را برای او فراهم نمی کند، حکم این مسأله چیست؟



اگر انسان اجیر شود که در روز معین، با اجرت مشخص، کاری را انجام دهد؛ و در آن روز برای انجام آن کار حاضر شود، کسی که او را اجیر کرده اگرچه کار را به او واگذار نکند، باید اجرت او را پرداخت کند. به عنوان مثال، اگر



بتایی را برای ساختن دیواری در روز معینی اجیر کند و او در آن روز آماده ی کار شود ولی صاحب کار شرایط بتایی را برایش فراهم نکند، باید اجرت او را بپردازد.

## تلف یا خسارت مال

اگر شخصی چیزی را اجاره کند و بعد به آن خسارتی وارد شده یا از بین برود، جبران این خسارت بر عهده ی چه کسی است؟



اگر چیزی که اجاره شده خسارتی ببیند یا از بین برود؛ چنانچه در نگهداری آن کوتاهی نشده و در استفاده از آن نیز زیاده روی صورت نگرفته، چیزی بر عهده ی او نیست.

## اجاره دادن ملک به دیگری

اگر انسان ملکی را اجاره کرده باشد، آیا می‌تواند آن را به



شخص دیگری اجاره دهد؟

اگر انسان خانه یا مغازه‌ای را اجاره کند، دو حالت دارد:

**حالت اول:** صاحب ملک با مستأجر شرط می‌کند که به شخص دیگری

اجاره ندهد. در این حالت، او حق ندارد ملک را به دیگری اجاره دهد.

**حالت دوم:** صاحب ملک با مستأجر شرط نمی‌کند. در این حالت، مستأجر

می‌تواند آن ملک را به همان قیمت که اجاره کرده یا به کمتر از آن قیمت

به دیگری اجاره دهد. ولی اگر بخواهد به قیمت بالاتری اجاره دهد، باید

در آن کاری مانند تعمیر و سفیدکاری و یا امثال آن انجام داده باشد، یا به

غیر جنسی که اجاره کرده به دیگری اجاره دهد.<sup>۱</sup> و اگر غیر خانه، مغازه،

کشتی، اجیر - و نیز بنا بر احتیاط واجب، اطاق و آسیاب - چیز دیگری را

- مانند ماشین - اجاره کند و مالک بر او شرط نکند که به دیگری اجاره

ندهد، می‌تواند آن را به شخص دیگری به همان قیمتی که اجاره کرده یا

کمتر از آن و یا بیشتر از آن اجاره دهد.

---

۱. به عنوان مثال، اگر خانه‌ای را ماهیانه ۵۰۰ هزار تومان اجاره کرده، می‌تواند بدون این که کاری در آن انجام بدهد، به دیگری ماهیانه به دو متقال طلا - که قیمت آن بیشتر از ۵۰۰ هزار تومان است - اجاره دهد.

## حد استفاده از مورد اجاره

اگر انسان ملک یا مال دیگری را اجاره نماید، حد و اندازه‌ی استفاده از آن به چه صورت است؟

در اجاره، مستأجر می‌تواند به قدر متعارف از منفعت چیزی که اجاره کرده استفاده نماید نه بیشتر از آن. همچنین، مالک نمی‌تواند او را از منافع متعارف منع کند. به عنوان مثال، اگر انسان وسیله‌ی نقلیه‌ای را اجاره کند که با آن اثاث منزل را حمل نماید، حق ندارد بیشتر از قدر متعارف، اثاث با آن حمل نماید. همچنین، صاحب وسیله نیز نمی‌تواند کمتر از مقدار متعارف بار بزند.<sup>۱</sup>



و یا اگر کارگری را اجیر کند، نمی‌تواند بیش از حد از او کار بکشد، و کارگر هم حق ندارد بیشتر از مقدار معمول و متعارف استراحت نماید.

۱. به عنوان مثال، اگر ظرفیت ماشین یک تن است، مستأجر نباید بیشتر از آن بار بزند و صاحب ماشین هم نباید مانع شود که یک تن باز بزند.

# مضاربه

## شرایط تعیین سود

۱. مقدار سود هر کدام از طرفین باید معلوم باشد.
۲. مقدار سود باید به صورت کسرِ مشاع (یا همان درصدی) باشد. به عنوان مثال، بگویند: «هر مقداری که سود حاصل شد، نصف آن برای مالک و نصف دیگر برای عامل باشد»؛ یا بگویند مثلاً ۶۰ درصد سود حاصل برای مالک و ۴۰ درصد آن برای عامل باشد.<sup>۱</sup>
۳. سود، فقط، بین مالک و عامل تقسیم شود. بنابراین، اگر شرط شود که مقداری از آن برای کسی باشد که کاری برای تجارت آن ها انجام نمی‌دهد، مضاربه باطل است.

## شرط در ضمن مضاربه

حکم شرط کردن در ضمن قرارداد مضاربه چیست؟ آیا آن



شرط صحیح است؟ آیا عمل کردن به آن شرط لازم است؟

اگر در ضمن قرارداد مضاربه شرط جایزی را قرار دهند، تا زمانی که مضاربه به هم نخورده باشد، مالک و عامل باید نسبت به آن شرط پایبند بوده و طبق

---

۱. آنچه باید در «مضاربه» معلوم شود درصد سهم هر کدام از مالک و عامل نسبت به سود حاصل از تجارت است نه نسبت به مقدار مالی که مالک به عامل می‌دهد. بنابراین، اگر کسی بگوید: «این پول را به تو می‌دهم که با آن تجارت کنی و در مقابل برای هر یک میلیون، ۵۰ هزار تومان به من بده»، یا بگوید: «پنج درصد پولی را که به تو داده ام ماهیانه به من بده»، در این صورت، صحیح نیست.

آن عمل نمایند. بلی؛ اگر هر کدام از مالک یا عامل، مضاربه را به هم زدند، خود به خود شرط در ضمن آن نیز منتفی می‌شود.

## روش محاسبه‌ی خسارت و سود

اگر در طی معاملات که عامل انجام می‌دهد، در بعضی، سود حاصل شود و در برخی دیگر، خسارتی به اصل سرمایه وارد شود، روش محاسبه‌ی سودی که باید بین دو طرف تقسیم شود، در این گونه موارد، چگونه است؟

اگر عامل معاملات مختلفی با سرمایه انجام دهد و در بعضی به سرمایه خسارت وارد شود و در برخی دیگر سود به دست آید، اول خسارت وارده بر سرمایه را با آن سود حاصل جبران می‌کنند، بعد، اگر چیزی باقی ماند بین مالک و عامل تقسیم می‌شود. به عنوان مثال، اگر سرمایه ۱۰۰ میلیون تومان باشد و در معامله‌ای خسارت وارد شود و ۸۰ میلیون تومان باقی بماند، چنانچه با این ۸۰ میلیون معامله نموده و ۴۰ میلیون سود به دست آورد، اول ۲۰ میلیون خسارت سرمایه را با آن جبران می‌کنند، سپس ۲۰ میلیون باقی‌مانده را مالک و عامل تقسیم می‌کنند. بلی؛ عامل می‌تواند در ضمن عقد مضاربه با مالک شرط کند که خسارت قبل یا بعد، از سود حاصل کم نشود،<sup>۱</sup> که این شرط صحیح است.

## مصالحه بر تقسیم سود

اگر عامل به مالک بگوید: «من با پول تو تجارت می‌کنم و هر مقدار سود حاصل شد - مثلاً - نصف به نصف تقسیم می‌کنیم، ولی برای این که من نمی‌توانم هر ماه حسابرسی کنم، علی‌الحساب، ماهیانه یک میلیون تومان به تو قرض می‌دهم و کم و زیاد آن را - هر وقت سود حاصل شد - با هم مصالحه می‌کنیم (یعنی اگر حق واقعی تو بیشتر از یک میلیون تومان است حلال کن و اگر حق واقعی تو کمتر از این مبلغ است، من آن زیاده را حلال می‌کنم)»، در این صورت، هم مضاربه و هم مصالحه بر تقسیم سود صحیح است.

۱. که در این صورت، چیزی از سهم عامل کسر نمی‌شود.



# شرکت

شرکت، در اصطلاح، عبارت است از این که مالی را به صورت کسرِ مُشاع<sup>۱</sup> دو نفر یا بیشتر مالک باشند.

## اقسام شرکت

شرکت بر دو قسم است که عبارتند از:

۱. غیر اختیاری: یعنی بدون اختیار شریک شوند. مانند: ارث.
۲. اختیاری: یعنی با اختیار خودشان شریک شوند. مانند این موارد:



- دو یا چند نفر با هم مالی را حيازت کنند یا مثلا ماهی صید کنند.

---

۱. یعنی در جزء جزء آن مال با هم شریک باشند.

- به خرید و فروش و مانند این ها با هم شریک شوند. به عنوان مثال، کسی نصفِ مُشاع خانه‌ی خود را به دیگری بفروشد.
- امتزاج اموال؛ یعنی اموالشان را طوری با هم مخلوط کنند که قابل تشخیص نباشد. مانند این که دو ظرف شیر از دو نفر را در ظرفی بریزند که مخلوط شود.

### عقد شرکت

اگر دو نفر یا بیشتر با هم قرارداد کنند که با مال مشترک معامله کنند و سود آن را تقسیم نمایند و ضرر هم برای آن ها باشد، این قرارداد صحیح است و این عقد شرکت است؛ که یک قرارداد جایز است و می‌توانند آن را فسخ کنند.

### شرکت در کار

آیا شرکت در کار هم مثل شرکت در مال صحیح است؟



شرکت در اموال - همان گونه که گفته شد - صحیح است ولی شرکت در اعمال صحیح نیست. به عنوان مثال، دو نفر مکانیک که در یک گاراژ کار می‌کنند با هم قرار بگذارند که هر چه مزد گرفتند با هم تقسیم کنند، این شرکت صحیح نیست. بلکه، هر کدام به اندازه‌ای که مزد گرفته حق دارد.



بلی؛ اگر هر کدام نصف درآمدش را به دیگری صلح کند، صحیح است و می‌توانند به طور مساوی مال را تقسیم کنند.

## حق استفاده از مال مشترک

هیچ‌کدام از دو شریک حق ندارند بدون اجازه شریکِ دیگر در مال مشترک تصرف کنند و بدون اجازه‌ی دیگری با آن مال تجارت نمایند.

### تقسیم سود

روش محاسبه و تقسیم سود در شرکت چگونه است؟



هر مقدار سودی که حاصل شد بین شرکاء نسبت به مقدار مالی که دارند تقسیم می‌شود. بنابراین، اگر مال هر دو مساوی بوده، سود هم به طور مساوی تقسیم می‌شود و اگر یکی از شرکاء دو برابر دیگری مال داشته، دو برابر سود می‌برد و اگر در ضمن معامله، شرط کنند که یکی بیشتر از دیگری سود ببرد - در حالی که مال آن‌ها مساوی است - شرط صحیح نیست ولی قرارداد شرکت باطل نمی‌شود. البته، اگر یکی از دو شریک کاری را انجام می‌دهد یا اگر هر دو کار می‌کنند او بیشتر از دیگری کار می‌کند یا کار او ارزش بیشتری دارد، می‌تواند شرط کند که سود بیشتری ببرد.

### شرکت، عقد لازم یا جایز؟

آیا شرکت لازم‌الوفاء است یا این‌که هر کدام بخواهند می‌توانند



شرکت را به هم بزنند؟

هرگاه یکی از شرکاء تقاضا کند که مال مشترک را تقسیم کنند، باید دیگران

قبول نمایند؛ مگر این که تقسیم مال ضرر قابل توجهی به مال شرکاء وارد نماید.<sup>۱</sup>

اگر مال مشترک قابل تقسیم نباشد، آیا باز هم می‌توانند



شرکت را از بین ببرند؟

اگر مال مشترک جزء اموالی باشد که قابل قسمت نیست - مانند یک ماشین - باز هم شریک می‌تواند سهم خود را طلب نماید؛ اگرچه لازم باشد که آن را بفروشند و شریک دیگر هم نمی‌تواند از فروش آن جلوگیری کند.

### شرط به هم نزدن شرکت

آیا می‌شود در ضمن شرکت، شرط کنند که آن را به هم نزنند؟



جایز است شرکاء در ضمن یک عقد لازم یا در ضمن یک عقد جایز - تا زمانی که آن عقد جایز به هم نخورده باشد - شرط کنند که تا مدت مشخص، شرکت را به هم نزنند و با این شرط اگر یکی از شرکاء قبل از فرارسیدن آن مدت، تقاضای قسمت کند، بر بقیه لازم نیست قبول نمایند.

۱. به عنوان مثال، با مال مشترک تجارتي کرده‌اند که اگر در وسط تجارت، مال را تقسیم کنند، ضرر قابل توجهی به سرمایه وارد می‌شود.

# قرض

## پس دادن قرض

اگر بدهکار پول نقد نداشته باشد، تکلیف چیست؟



اگر بدهکار پول نقد نداشته باشد ولی مالی دارد که با فروش آن به سختی نمی‌افتد و می‌تواند با پول آن قرضش را پرداخت نماید، باید آن مال را فروخته و پول طلبکار را بدهد. ولی اگر بدهکار غیر از خانه‌ای که در حدّ شأن اوست و در آن ساکن است و اثاثیه‌ی منزل و چیزهای دیگری که باید در زندگی داشته باشد، چیزی نداشته باشد، طلبکار نمی‌تواند طلب خود را از او مطالبه نماید؛ بلکه باید صبر کند تا بتواند بدهی خود را پرداخت نماید.

## پیدا نشدن طلبکار

کسی که دسترسی به طلبکار خود ندارد، چنانچه امید نداشته باشد که او را پیدا کند، باید طلب او را از طرف صاحبش به قصد صدقه به فقیر بدهد و برای این کار بنا بر احتیاط واجب، از مجتهد جامع شرایط فتوا اجازه بگیرد.

## فوت کردن طلبکار

اگر طلبکار از دنیا برود، بدهکار باید مال او را به ورثه‌اش تحویل دهد.

## فوت کردن بدهکار

اگر بدهکار بمیرد، باید بدهی او را از اصل مالش جدا نموده و به طلبکار پرداخت کنند و چنانچه هیچ مالی نداشته باشد، بر ورثه‌ی او واجب نیست از مال خودشان قرض میّت را پرداخت کنند.

## کم شدن ارزش طلب

اگر کسی بدهکار شد و مدت زیادی از آن گذشت و ارزش آن بدهی به طور قابل توجهی کم شد، تکلیف چیست؟

بدهکار و طلبکار - بنا بر احتیاط واجب - با یکدیگر بر مبلغی مصالحه نمایند.

## پس دادن جنس دیگر

آیا می‌شود بدهکار، هنگام پس دادن قرض، جنس دیگری

تحویل دهد؟

اگر انسان طلا یا هر جنس دیگری را از کسی قرض کند، هنگام پس دادن، لازم است همان جنس را تحویل دهد؛ چه قیمت آن جنس بیشتر شده باشد و چه کم شده باشد. و طلبکار نمی‌تواند پول آن را طلب نماید. بلی؛ اگر بدهکار و طلبکار هر دو به غیر آن چه قرض داده شد راضی باشند، اشکال ندارد.

## قرض ربوی

کسی که قرض می‌دهد اگر شرط کند که قرض‌گیرنده مقدار بیشتری را بدهد، در این صورت، ربا و حرام است که تفصیل آن در بحث ربا گذشت.

# هبه (بخشش)



## پس گرفتن هبه

هبه یک عقد جایز است و هبه کننده هر وقت بخواهد می‌تواند آن مال را پس بگیرد. در هفت مورد، انسان نمی‌تواند مالی را که به دیگران هبه کرده پس بگیرد که عبارتند از:

### ۱. هبه به ذی رحم<sup>۱</sup>.

۲. **هبه‌ی مشروطه.** بنابراین، اگر انسان مالی را به کسی هبه کند و با او شرطی کند و او هم طبق آن شرط عمل نماید، دیگر هبه کننده نمی‌تواند آن مال را پس بگیرد.

---

۱. ذی رحم عبارت است از کسی که خویشاوندی نسبی دارد. مانند پدر و مادر، پدربزرگ‌ها، مادربزرگ‌ها، فرزندان، نوه‌ها، خواهرها، برادرها، بچه‌ها و نوه‌های آن‌ها، عمو، عمه، دایی، خاله‌ی خود انسان، عمو و عمه و دایی و خاله‌ی پدر و مادر و پدربزرگ و مادربزرگ و فرزندان آن‌ها تا جایی که عرفاً «ذی رحم» (یا همان خویشاوندان نسبی) حساب شوند.

۳. **هبه‌ی مَعْوَضَه**. بنابراین، اگر انسان مالی را به دیگری هبه کند که او هم مالی را به او هبه نماید، به این هبه هبه‌ی مَعْوَضَه می‌گویند. به عنوان مثال، لباس خود را به کسی هبه می‌کند که او هم کتابش را به صاحب لباس هبه کند. در این صورت، انسان نمی‌تواند مالی را که هبه کرده پس بگیرد.



۴. **تلف شدن عین مال**. بنابراین، اگر انسان مالی را به دیگری هبه کند و آن مال تلف شود یا آن را به دیگری منتقل کند - به عنوان مثال، پولی را هبه کرده و او هم آن پول را خرج نموده باشد - در این صورت، دیگر هبه کننده نمی‌تواند چیزی را پس بگیرد.

۵. **تغییر کردن عین مال**<sup>۱</sup>.

۶. **مرگ هبه کننده**. بنابراین، اگر کسی مالی را به دیگری هبه کند و بعد، از دنیا برود، ورثه‌ی او نمی‌توانند مال را پس بگیرند.

۷. **مرگ دریافت کننده‌ی هبه**. بنابراین، اگر انسان مالی را به دیگری هبه کند و او از دنیا برود، دیگر، هبه کننده نمی‌تواند آن مال را از ورثه‌ی او پس بگیرد.

---

۱. به عنوان مثال، پارچه‌ای را به کسی هبه کرده و او هم با پارچه لباسی دوخته باشد؛ در این صورت، هبه کننده نمی‌تواند آن پارچه را پس بگیرد.



# ضمان

اگر انسان بخواهد ضامن شود که بدهی کسی را بدهد، ضامن شدن او در صورتی صحیح است که به هر لفظی - هر چند عربی هم نباشد - یا عملی، به طلبکار بفهماند که من ضامن شده‌ام طلب تو را بدهم؛ و طلبکار نیز قبول کند. و راضی بودن بدهکار شرط نیست.

## ضمانت باطل

اگر کسی بگوید: «چنانچه فلانی بدهی اش را نداد، من ضامن بدهی او هستم»، این ضمانت محل اشکال است. بلی؛ اگر بگوید: «من ضامن او هستم ولی وقتی بدهی اش را پرداخت خواهم کرد که خود او ندهد»، در این صورت اشکال ندارد.

آیا طلبکار می‌تواند برای گرفتن طلبش به هر کدام از



بدهکار یا ضامن مراجعه نماید؟

اگر انسان ضامن شود که بدهی کسی را بپردازد، طلبکار باید برای گرفتن طلبش به ضامن مراجعه کند نه بدهکار.



## ضمانت قبل از بدهی

کسی که انسان ضامن بدهی او می‌شود، باید بدهکار باشد. بنابراین، اگر کسی بخواهد از دیگری قرض کند، تا وقتی که قرض نکرده نمی‌شود ضامن او شد.

# مسائل بانکی



## سود بانکی

اگر کسی پول خود را در بانک دولتی یا مشترک بگذارد؛ چه به نحو سپرده‌ی ثابت و چه به نحو حساب در گردش<sup>۱</sup> و شرط سود نکند و خود را طلبکار سود نداند، این کار اشکال ندارد و اگر بانک به او سودی داد - بنا بر احتیاط واجب - یک پنجم آن سود را به نیت مافی‌الذمه به سادات فقیر بدهد و بقیه‌ی آن از درآمد بین سال او حساب می‌شود که اگر تا آخر سال مصرف نکرد، خمس به آن تعلق می‌گیرد.

---

۱. مانند حساب‌هایی که سود روزشمار می‌دهند.

۲. اگر سپرده‌گذار نیتش این باشد که سود بگیرد، یا علم دارد که بانک خواه ناخواه به او سود می‌دهد، اشکال ندارد و چیزی که باعث حرام شدن آن سود می‌شود، شرط کردن سود است و این که سپرده‌گذار خود را طلبکار بداند.

و اما نسبت به بانک‌های خصوصی دو حالت وجود دارد:

**حالت اول:** اگر معاملات نامشروع، مثل معاملات ربوی، انجام می‌دهند، در صورتی که سود حاصل از حرام جزو سرمایه‌ی آن‌ها باشد، سپرده‌گذاری و افتتاح حساب در آن‌ها جایز نیست.

**حالت دوم:** نمی‌داند که معاملات ربوی دارند یا نه. در این حالت، اگر سپرده‌گذاری نموده و با بانک شرط سود نکند و خود را طلبکار سود حساب ننماید، سودی که بانک به او می‌هد حلال است و لازم نیست یک پنجم آن را به فقیر بدهد.

## اوراق مشارکت

گاهی شرکت‌های سهامی برای فروش سهام و اسناد بهادار خود، بانک‌ها را واسطه قرار می‌دهند و بانک‌ها آن سهام را در قالب اوراق مشارکت به مردم واگذار می‌نمایند. اگر واقعاً شرکتی وجود داشته باشد، خرید و فروش سهام آن - که در قالب اوراق بهادار به مردم واگذار می‌شود - در صورتی که در آن شرکت، معاملات حرام - مانند معاملات ربوی - انجام نشود، جایز است و خریدار به هر اندازه‌ای که سهام خریده، به همان نسبت از درآمد آن شرکت سهم می‌برد.



## جوایز بانکی

گاهی بانک‌ها به منظور تشویق و ترغیب مردم که حساب باز کنند یا مشتریان که بیشتر پولشان را به

بانک بسپارند، جایزه‌ای در نظر می‌گیرند که از طریق قرعه‌کشی به کسی که قرعه به



نام او شده، بدهند. جایزه‌های بانکی دو صورت دارد که عبارتند از:

**اول:** آن که قرعه‌کشی بر بانک شرط نشود؛ بلکه قرعه فقط به عنوان تشویق باشد. در این صورت، عمل قرعه جایز است و کسی که قرعه به نام او شده جایز است که آن جایزه را بگیرد. و اگر بانک دولتی یا مشترک باشد، احتیاط واجب آن است که یک پنجم از آن جایزه را به نیت مافی‌الذمه به سادات فقیر بدهد و بقیه‌ی آن جایزه از منافع آن سال حساب می‌شود که اگر در مؤونه‌ی آن سال صرف نشود باید خمس آن را پردازد.

**دوم:** آن که قرعه‌کشی شرط شود<sup>۱</sup> و بانک به جهت وفای به آن شرط قرعه‌کشی نماید. در این صورت، عمل قرعه‌کشی جایز نیست و همچنین گرفتن جایزه برای کسی که قرعه به نام او شده جایز نیست.

## وام‌های بانکی

وام‌های بانکی بر دو نوع است:

۱. **وام‌های قرض الحسنه:** در این نوع، بانک مبلغی را اضافه بر آنچه که قرض داده از مشتری به عنوان کارمزد می‌گیرد که اگر این مبلغ (کارمزد) خرج واقعی وام باشد<sup>۲</sup> و قرض‌گیرنده هم - بنا بر احتیاط واجب - آن مبلغ را به عنوان هدیه به بانک بدهد، اشکال ندارد.
۲. **وام‌های تسهیلاتی:** از آنجا که وام دادن و سود گرفتن ربا و حرام است،

۱. یعنی مشتری به بانک بگوید: «من این پول را در این بانک می‌گذارم به شرط این‌که مرا در قرعه‌کشی شرکت دهید».

۲. نه به عنوان سود؛ حتی اگر کم باشد.

برای رهایی از ربا، بانک از راهکارهایی استفاده می‌کند که یکی از آنها عبارت است از خرید و فروش اقساطی، مانند وام کالا، وام خودرو، وام مسکن و مانند این‌ها. در این نوع وام‌ها، بانک در خرید کالا یا خودرو یا مسکن با مشتری شریک می‌شود و پول سهم خود را به صورت نقدی پرداخت می‌کند و بعد، سهم خود را به مشتری به صورت نسیه و پرداخت اقساطی به قیمت بالاتری می‌فروشد. بنابراین، بانک چیزی را به صورت نقدی خریده و آن را به صورت نسیه به قیمت بالاتر می‌فروشد که اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

## کار کردن در بانک



کارهای بانکی دو نوع هستند که عبارتند از:

**اول:** کارهایی که مربوط به معاملات ربوی است که اشتغال به آن‌ها جایز نیست؛ و کارمندی که در این نوع کارها مشغول است، در مقابل آن نمی‌تواند اجرت بگیرد.

۱. ولی اگر این راهکار به طور صحیح انجام نشود و فقط به نحو صوری کاغذهایی را ردّ و بدل کنند یا مثلاً متقاضی وام، فاکتور صوری برای خرید کالا ارائه نماید، جایز نیست.

**دوم:** کارهایی که ارتباطی با معاملات ربوی ندارد که اشتغال به آنها و اجرت گرفتن برای آنها جایز است.

### جریمه‌ی دیرکرد

گرفتن جریمه‌ی تأخیر در پرداخت وام جایز نیست ولی برای دهنده‌ی آن، اگر ناچار باشد، مانعی ندارد.

### نقد کردن چک مدت‌دار



چک دو حالت دارد:

**حالت اول:** به خاطر بدهی و حقی صادر شده است. به عنوان مثال، کالایی را خریده و برای

پول آن چک کشیده است؛ که این چک دارای پشتوانه و اعتبار است. در این حالت، کسی که چک را گرفته (طلبکار) می‌تواند حق خود را - که چک، سند آن حق است - به خود صاحب چک یا به شخص دیگری واگذار نماید که او هم مبلغ کمتری را به او هبه نماید. به عنوان مثال، مبلغ چک یک میلیون تومانی را که برای سه ماه دیگر است به ۹۰۰ هزار تومان با دیگری صلح به بخشش نماید.

**حالت دوم:** چک صادر شده پشتوانه‌ای ندارد. در این حالت، نقد کردن آن به قیمت کمتر ربا حساب شده و حرام است.



## راهکارهایی برای رهایی از ربا

وام گرفتن از بانک‌های اسلامی و وام دادن به آن‌ها، که در آن شرط سود و فایده شده، ربا حساب شده و حرام است؛ ولی می‌توان با راههایی از ابتلاء به ربا پرهیز کرد. مانند اینکه، وام‌گیرنده کالایی را از بانک یا وکیل او به نسبت معینی - مثلاً ۱۰ یا ۲۰ درصد - گران‌تر از قیمت بازار بخرد و شرط کند که بانک مبلغ مورد تقاضای او را تا مدت معینی به او قرض دهد. و یا این‌که کالایی را به بانک یا وکیل او به کمتر از قیمت بازار به نسبت معینی بفروشد و شرط کند که بانک مبلغ مورد تقاضای او را تا مدت معینی قرض دهد.

و همچنین در وام دادن به بانک می‌توان از دو راه استفاده کرد، به این‌که - مثلاً - بانک کالایی را به بیشتر از قیمت بازار از شخص بخرد و یا کالایی را به کمتر از قیمت بازار به او بفروشد و شرط کند که آن شخص مبلغی را تا مدت معین به بانک قرض دهد و این نتیجه، به اجاره، صلح و هبه‌ی به شرط قرض نیز محقق می‌شود. اما نسبت به بانک‌های غیر اسلامی که سرمایه‌ی آن از کفار است، سود گرفتن از آن‌ها بدون اشکال، جایز است.



# ازدواج



## اجازه‌ی پدر

آیا دختر می‌تواند بدون اجازه‌ی پدر با کسی ازدواج دائم نماید؟



خیر، بنا بر احتیاط واجب، باید از پدر یا جدّ پدری خود اجازه بگیرد.

آیا دختر می‌تواند بدون اجازه‌ی پدر با کسی ازدواج موقت



نماید؟

خیر. اگر آبروی دختر در خطر باشد مثل اینکه بخواهد مُتعه<sup>۱</sup> شود بنا بر فتوا، باید از پدر یا جدّ پدری خود اجازه بگیرد. و حتی اگر پدر یا جدّ پدری به عقد خطر دار و ضرر دار رضایت دهند، باز هم جایز نیست.

۱. عقد موقت.

## ازدواج بدون اجازه

اگر دختری بدون اجازه از پدر یا جدّ پدري با مردی ازدواج



کند، چه احکامی دارد؟

در صورتی که پدر یا جدّ پدري بعد از عقد هم اجازه ندهند، بنا بر احتیاط واجب، باطل است ولی اگر عقد دائمی است بنا بر احتیاط واجب، باید مرد طلاق هم بدهد، و اگر عقد موقت است، بنا بر احتیاط واجب، مرد باید باقیمانده‌ی مدت را ببخشد و در صورتی که نعوذ بالله نزدیکی صورت گرفته باشد باید - بعد از اینکه مرد باقیمانده‌ی مدت را در عقد<sup>۱</sup> موقت ببخشد و یا در عقد دائم، طلاق صحیح داد - زن عده نگه دارد و بدون گذشتن مقدار عده از نزدیکی نمی‌تواند با مرد دیگری ازدواج کند.

## دختری که پدر یا جد پدري ندارد

اگر پدر و جدّ پدري دختر فوت شده باشند برای خواندن



صیغه، اجازه‌ی شخص دیگری مورد نیاز هست یا خیر؟

در ازدواج دختر بالغه‌ی رشیده‌ی باکره، در صورت فقدان و فوت پدر و جدّ پدري، اجازه‌ی شخص دیگری نیاز نیست.

۱. در عقد موقت، بنا بر احتیاط واجب، غیر از دو حیض کامل، باید به طوری عده نگه دارد که از آخرین نزدیکی سه پاکی فاصله شود.

## ازدواج با مرد سنی

حکم ازدواج دختر شیعه با مرد سنی چیست؟



جایز نیست.

## دختری که باکره نیست

آیا ازدواج دائم یا موقت دختری که بکارتش زائل شده بدون



اجازه‌ی پدر جایز است؟

اگر بکارتش به واسطه‌ی کاری غیر نزدیکی زائل شده - مثل پریدن از بلندی - به منزله‌ی باکره بوده و بنا بر احتیاط واجب، اذن پدر یا جدّ پدری در صحت عقد لازم است، ولی اگر بکارت او در اثر ازدواج یا وطی به شبهه یا زنا زائل شده، اذن ولیّ لازم نیست.

## وظایف زن

در فاصله‌ی بین عقد و عروسی، وظیفه‌ی زن نسبت به



خارج شدن از منزل چیست؟ آیا باید از شوهر خود اجازه بگیرد؟

برای خروج از منزل، اجازه لازم نیست ولی برای سفر، بنا بر احتیاط واجب، اجازه بگیرد.

## کارهای منزل

آیا کارهای منزل - از قبیل شستن لباس و پختن غذا - بر زن



واجب است؟

خیر، و مرد حق ندارد  
زنش را به خدمت خانه  
ملزم کند.

## ازدواج در زمان عده

اگر زنی که در حال عده است با مرد دیگری ازدواج کند،



چه حکمی دارد؟

چنانچه مرد و زن یا یکی از آنان بدانند که عده‌ی زن تمام نشده و بدانند عقد کردن زن در عده حرام است، آن زن بر او حرام ابدی می‌شود، اگرچه مرد بعد از عقد با آن زن نزدیکی نکرده باشد، و اگر [بعد از عقد] با او نزدیکی کرده باشد آن زن بر او حرام ابدی می‌شود، اگرچه نمی‌دانسته که آن زن در عده است، یا نمی‌دانسته که عقد زن در عده حرام است.

## زنا در زمان عده

اگر کسی با زنی که در عده است زنا کند، آیا می‌تواند بعداً با



او ازدواج کند یا حرام ابدی می‌شوند؟

اگر آن زن در عده‌ی طلاق رجعی بوده، بنا بر احتیاط واجب، بر او حرام می‌شود (یعنی تا آخر عمر، نمی‌تواند با او ازدواج کند). ولی چنانچه در عده‌ی عقد موقت یا عده‌ی طلاق بائن یا عده‌ی وفات بوده، بعداً می‌تواند با او ازدواج کند.

ولی چنانچه در عده، زنا نماید و قبل از آن، در عده عقد نموده باشد، آن زن برای این مرد به فتوا، حرام ابدی می شود و فرقی نمی کند که چه عده ای باشد.

### زنای زن شوهردار و حرمت ابدی

اگر شخصی با زن شوهرداری زنا کند آیا می تواند پس از

۲۴۰

طلاق زن با او ازدواج دائم یا موقت نماید؟

بنا بر احتیاط واجب، برای همیشه بر یکدیگر حرام می باشند و عقد آنان بنا بر احتیاط واجب، باطل است. و اگر عقد کرده اند، بنا بر احتیاط واجب، به طلاق از هم جدا شوند.

### ازدواج با زن شوهردار

اگر زن شوهردار با مرد دیگری ازدواج نماید چه حکمی دارد؟

۲۴۱

اگر بعد از عقد نزدیکی کرده باشند، زن بر مرد حرام ابدی می شود، و اگر نزدیکی نکرده باشند، چنانچه مرد می دانسته که زن دارای شوهر است و عقد زن شوهردار حرام است، با آن زن حرام ابدی می شود، و اگر نمی دانسته، حرام ابدی نمی شود.

### شرایط در ضمن عقد

اگر زن در ضمن عقد بر شوهرش شرط کند که با وجود او

۲۴۲

زن دیگری اختیار نکند آیا شرط صحیح است؟

در فرض سؤال، صحت شرط و لزوم وفای به آن محل اشکال است، یعنی بنا بر احتیاط واجب، مرد باید به شرط عمل کند ولی بنا بر احتیاط واجب، زن نمی تواند شوهرش را به عمل کردن به این شرط ملزم نماید.



**۲۴۳** آیا زن می‌تواند در ضمن عقد، بر شوهرش شرط کند که در صورت انجام بعضی کارها یا اتفاق افتادن بعضی امور، مثل اعتیاد و حبس و سفر طولانی به مدت چندین سال، وکالت داشته باشد که از طرف شوهرش خود را طلاق بدهد؟

در فرض مذکور، شرط صحیح بوده و شوهر نمی‌تواند او را از وکالت عزل کند و در صورت اتفاق افتادن بعضی امور مذکوره، زوجه می‌تواند از طرف شوهرش خود را طلاق بدهد و طلاق صحیح خواهد بود.

### نفقه

**۲۴۴** آیا نفقه‌ی زن در فاصله‌ی بین عقد و عروسی بر مرد واجب است؟

خیر؛ بر عهده‌ی شوهر نمی‌باشد.


**۲۴۵** در چه صورتی نفقه‌ی زن بر شوهرش واجب نیست؟

در صورتی که زن ناشزه شود، یعنی نسبت به شوهرش تمرد و سرکشی داشته و او را از حقوق شرعی‌اش منع کند.

**۲۴۶** آیا نفقه‌ی زنی که در عده طلاق رجعی به سر می‌برد بر شوهرش واجب می‌باشد؟


بله؛ واجب است.

### حجاب در مقابل خواستگار


**۲۴۷**  اگر برای انسان خواستگار بیاید، حدود شرعی حجاب در مقابل او چه مقدار است؟ آیا می‌تواند مقداری از موهای سر خود را نپوشاند؟

اگر خواستگار برای اطلاع از چهره‌ی زن، بدون قصد لذت و بدون ترس افتادن به گناه، به او نگاه کند، اشکال ندارد. و پوشاندن صورت، موهای سر، دست‌ها تا میچ و ساق پاها برای زن لازم نیست.


### آرایش در مقابل خواستگار

**۲۴۸**  آیا جایز است با آرایش و زینت در مقابل خواستگار ظاهر شد؟  
خیر؛ حرام است.

### پوشاندن پاها


**۲۴۹**  آیا پوشاندن پاها در مقابل نامحرم واجب است؟  
پوشاندن پاها - چه روی آن و چه کف آن - در مقابل نامحرم واجب است.

## حجاب در مقابل محارم

**۲۵۰**  بعضی دخترها در مقابل برادرانشان که هر دو به سن بلوغ جنسی رسیده‌اند، با لباسی که آستین کوتاه است و از نظر قد، تا بالای ناف قرار می‌گیرد ظاهر می‌شوند، آیا شرعاً جایز است؟

در صورتی که محارم بدون قصد تلذذ نگاه کنند، پوشاندن واجب نیست ولی اگر نگاه آنها با قصد تلذذ باشد در صورتی که دختر قصد نشان دادن داشته باشد، پوشاندن بدن واجب است و در صورتی که دختر قصد نشان دادن نداشته باشد، بنا بر احتیاط واجب، پوشاندن بدن واجب می‌باشد. و سزاوار است طوری لباس بپوشد که از هر مفسده‌ی احتمالی جلوگیری شود.

## محارم

**۲۵۱**  چه کسانی با زن محرم هستند؟

محارم سه دسته‌اند:

**دسته‌ی اول:** محارم نسبی که عبارتند از:

۱. پدر و پدربزرگ - چه پدر پدر و چه پدر مادر - و هرچه بالا رود.
۲. پسر و پسر پسر و دختر و نوه‌های آنها و هرچه پایین رود.
۳. برادر - چه پدری و مادری، و چه پدری تنها و چه مادری تنها - و پسر برادر و خواهر و نوه‌های آنها و هرچه پایین رود.





۴. عمو و دایی - چه پدری و مادری و چه پدری تنها و چه مادری تنها - و عمو و دایی پدر و مادر و پدر بزرگ و مادر بزرگ و هر چه بالا رود.  
**دسته‌ی دوم:** محارم سببی، یعنی کسانی که به سبب ازدواج محرم می‌شوند که عبارتند از:

۱. شوهر و پدر شوهر و پدر بزرگ شوهر - چه پدر پدر شوهر و چه پدر مادر شوهر - و هر چه بالا رود.
۲. شوهر مادر، به شرط اینکه نزدیکی صورت گرفته باشد.
۳. شوهر دختر (داماد) و شوهر نوه و هر چه پایین رود.
۴. پسر شوهر و نوه‌ی شوهر و هر چه پایین رود.

**دسته‌ی سوم:** محارم رضاعی، یعنی کسانی که به واسطه شیر خوردن به انسان محرم می‌شوند.

بنا بر آنچه بیان شد، افراد زیر نامحرم هستند:

- ۱- پسر عمو و دایی و خاله و عمه و نوه‌های آنها و هر چه پایین رود.
- ۲- پسر عمو و دایی و خاله و عمه پدر و مادر و پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها و پسرهای آنها و هر چه پایین رود.
- ۳- ناپدری شوهر، و شوهر مادر بزرگ شوهر.
- ۴- شوهر خواهر
- ۵- برادر شوهر
- ۶- شوهر خاله و شوهر عمه
- ۷- عمو و دایی شوهر
- ۸- شوهر مادر، به شرط اینکه نزدیکی صورت نگرفته باشد.
- ۹- پدر شوهر مادر.
- ۱۰- داماد شوهر و شوهر نوه‌های او.

## احکام شیر دادن



اگر زنی به پسر بچه‌ای شیر بدهد با چه شرایطی به او محرم

می‌شود؟

با هشت شرط:

- ۱- دو سال بچه تمام نشده باشد.
- ۲- شیر را از پستان بمکد.
- ۳- شیر زن زنده را بخورد.
- ۴- شیر آن زن به ولادت بوده و از حرام نباشد.<sup>۱</sup>
- ۵- شیر خالص باشد و با چیز دیگر مخلوط نشده باشد.
- ۶- شیر از یک شوهر باشد.
- ۷- شیر را قی نکنند، و اگر قی کند - بنا بر احتیاط - باید کسانی که به واسطه‌ی شیر خوردن به آن بچه محرم می‌شوند با او ازدواج نکنند و نگاه محرمانه هم به او نمایند.
- ۸- مقدار شیر خوردن طبق یکی از سه حالت زیر باشد:

**حالت اول:** یک شبانه روز شیر سیر بخورد، به دو شرط:

- شرط اول: در طول یک شبانه‌روز، شیر زن دیگر را نخورد.
- شرط دوم: در طول یک شبانه‌روز، غذا نخورد. ولی اگر کمی غذا بخورد به قدری که عرفاً صدق نکند در بین یک شبانه‌روز غذا خورده، اشکال ندارد.

۱. بنابراین، اگر زنی به واسطه‌ی قرص خوردن شیر پیدا کند - نه به واسطه‌ی زاییدن - آن شیر باعث محرمیت نمی‌شود. و همچنین اگر زنی از زنا بچه‌دار شود و شیر پیدا کند، آن شیر باعث محرمیت نمی‌شود.



**حالت دوم:** پانزده مرتبه شیر سیر بخورد به دو شرط:

**شرط اول:** در بین پانزده مرتبه شیر زن دیگر را نخورد.

**شرط دوم:** در هر دفعه، شیر کامل - بدون فاصله - بخورد، ولی اگر در بین شیر خوردن نفس تازه کند، یا کمی صبر کند که از زمان اولی که پستان در دهان می‌گیرد تا وقتی سیر می‌شود از نظر عرف حقیقتاً یک دفعه حساب شود، اشکال ندارد.

**حالت سوم:** مقداری شیر بخورد که بگویند از آن شیر استخوانش محکم

شده و گوشت در بدنش روییده است.

## شیر دادن ممنوع

آیا زن می‌تواند به بچه‌ی دختر خود شیر بدهد؟



اگر زنی به بچه‌ی دختر خود شیر کامل بدهد، آن دختر به شوهر خود حرام می‌شود، و همچنین است اگر بچه‌ای را که شوهر دخترش از زن دیگر دارد شیر دهد. ولی اگر زنی بچه‌ی پسر خود را شیر دهد، زن پسرش که مادر آن طفل شیرخوار است بر شوهر خود حرام نمی‌شود. و همچنین اگر زن پدر دختری بچه‌ی شوهر آن دختر را به شیر پدرش شیر دهد، آن دختر به شوهر خود حرام می‌شود، چه بچه از همان دختر و چه از زن دیگر باشد.

## ازدواج با غیر مسلمان

ازدواج یک مرد مسلمان با زن کافر چه حکمی دارد؟



اگر غیر اهل کتاب باشد، ازدواج با او باطل است و اگر یهودی یا مسیحی باشد، چنانچه مرد مسلمان زن مسلمان ندارد، ازدواج با او جایز است. و اگر زن مسلمان دارد، باید با اجازه‌ی او باشد و احتیاط مستحب آن است که با آنها ازدواج دائم نکند.

ازدواج زن مسلمان با مرد کافر چه حکمی دارد؟



حرام و باطل است.

## اجرای صیغه‌ی طلاق توسط غیر شیعه

اگر مرد مسلمانی بخواهد همسرش را طلاق بدهد، آیا



می‌تواند برای اجرای صیغه‌ی طلاق، غیر شیعه را وکیل نماید؟

اگر صیغه‌ی طلاق را طبق شرایط و موازین مذهب تشیع اجراء می‌کند اشکال ندارد، وگرنه جایز نیست.

# طلاق

## طلاق خلع

به چه طلاقى طلاق خُلع گفته مى شود؟



با وجود دو مطلب، طلاق خُلع محسوب مى شود:

- ۱- زن نسبت به شوهر کراهت داشته باشد؛ و کراهت در حدى است که مى ترسد حقوق واجبه ی شوهرش را مراعات نکند (و مرد نسبت به زن کراهت نداشته باشد).
- ۲- زن مهر یا مال دیگری از خودش را به مرد مى بخشد تا او را طلاق دهد.

منظور از کراهت داشتن زن در طلاق خلع چیست؟



چنانچه زن از خود شوهر یا از اعمال و رفتار او بدش بیاید، طلاق خُلع است. مثلاً از چهره ی بد مرد یا بداخلاقی او یا اعمال و رفتار او که خلاف میل زن است بدش بیاید. ولی اگر منشأ کراهت زن، ظلم شوهر یا عدم رعایت حقوق واجبه ی همسرش باشد (مثل اینکه در همجوایی یا نفقه دادن، به وظیفه ی خود عمل نکرده باشد)، بذل صحیح نیست و طلاق خُلع نیز صحیح نمى باشد.

## طلاق مبارات

۲۵۹ به چه طلاقی طلاق مُبارات می گویند؟

اگر کراهت طرفینی باشد (یعنی هم زن نسبت به مرد کراهت داشته باشد و هم مرد نسبت به زن) و زن مهر یا مال دیگری از خودش را به شوهرش ببخشد تا او را طلاق بدهد، این طلاق، طلاق مبارات است.

## مقدار بذل

۲۶۰ مقدار مالی که زن به مرد بذل می کند (می بخشد) تا مرد او

را طلاق دهد چه مقدار باید باشد؟

هر مبلغی که هر دو طرف توافق نمودند کافی است؛ چه بیشتر از مبلغ مهر باشد و چه کمتر از آن. ولی در طلاق مُبارات، مقدار بذل نباید از مقدار مهر بیشتر باشد.

## رجوع زن به آنچه بذل کرده

۲۶۱ چنانچه زن از بذل (بخشش) خود پشیمان شد، آیا می تواند

از بذل خود برگردد؟

بله. تا پیش از تمام شدن عده، زن می تواند از بذل (بخشش) خود برگردد.

## اعلام رجوع به شوهر

۲۶۲ اگر زن بخواهد از بخشش خود برگردد، آیا لازم است که به

شوهر خود اعلام کند یا همین که در ذهن خود منصرف شد کافی است؟

اگر شوهر از رجوع زن مطلع شود، رجوع محقق می شود. ولی اگر نداند، رجوع زن به بذل خود، بی اثر و لغو خواهد بود.

## شروع زمان عده‌ی طلاق

از چه زمانی عده‌ی طلاق شروع می‌شود؟

۲۶۳



ابتدای عده‌ی طلاق از وقتی است که خواندن صیغه‌ی طلاق تمام می‌شود، چه زن بداند طلاقش داده‌اند یا نداند.

زنی که بعد از ازدواج با شوهر خود نزدیکی داشته ولی مدت

۲۶۴



زیادی است که با شوهر خود هیچ ارتباطی ندارد - مثلاً شش ماه - آیا در این صورت هم باید بعد از طلاق، عده نگه دارد یا لازم نیست؟ و اگر لازم است، زمان شروع عده از آخرین تماس جنسی با شوهر است یا از وقتی که صیغه‌ی طلاق خوانده می‌شود؟

بله، باید عده نگه دارد، و زمان شروع عده از وقتی است که صیغه‌ی طلاق خوانده می‌شود.

## عده‌ی عقد موقت

عده‌ی عقد موقت چه مقدار است؟

۲۶۵



زنی که نه سالش تمام شده و یائسه نیست، اگر مُتعه شود، مثلاً یک ماهه یا یک ساله شوهر کند، چنانچه شوهر با او نزدیکی نماید و مدت آن زن تمام شود، یا شوهر مدت را به او ببخشد، باید عده نگه دارد، پس اگر حیض می‌بیند، باید به دو حیض کامل عده نگه دارد، و شوهر نکند، و اگر حیض نمی‌بیند، چهل و پنج روز عده نگه دارد، و در صورتی که آبستن باشد، عده‌ی او تا زاییدن

یا سقط بچه است، و احتیاط مستحب آن است که به هر کدام از زاییدن یا چهل و پنج روز که بیشتر است عده نگه دارد و اگر حیض می‌بیند ولی فاصله‌ی حیض‌ها زیاد است مثلاً چهار ماه یک بار حیض می‌بیند، بنا بر احتیاط واجب، باید دو حیض کامل عده نگه دارد.

### عده‌ی وفات

عده‌ی زنی که شوهرش از دنیا رفته چه مقدار است؟



زنی که شوهرش مرده، اگر آبستن نباشد باید تا چهار ماه و ده روز عده نگه دارد، یعنی از شوهر کردن خودداری نماید، چه شوهرش با او نزدیکی کرده باشد یا نه، صغیره باشد یا کبیره، یائسه باشد یا نه، عقدش دائم باشد یا موقت. ولی اگر آبستن باشد باید تا موقع زاییدن عده نگه دارد، ولی اگر پیش از گذشتن چهار ماه و ده روز بچه‌اش به دنیا آید، باید تا چهار ماه و ده روز از مرگ شوهرش صبر کند، و این عده را عده‌ی وفات گویند.

چه کارهایی بر زنی که در عده‌ی وفات قرار دارد، حرام



است؟

زینت کردن در بدن و لباس - مانند سرمه کشیدن و استعمال عطریات و پوشیدن لباس رنگین - حرام است.



# خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها



خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها پنج قسم هستند:

## قسم اول: حیوانات دریایی

اگر ماهی فلس‌دار<sup>۱</sup> را زنده از آب بگیرند و بیرون آب جان دهد اگر چه به کشتن او باشد بیرون آب پاک و خوردن آن حلال است.



۱. پولک‌دار.

و خوردن میگو هم حلال است.



ولی خوردن گوشت ماهی‌هایی که پولک ندارند حرام است.



### قسم دوم: چهارپایان

گاو و گوسفند و شتر و بز و بز کوهی حلال گوشت هستند.



حیوانات درنده مانند شیر و روباه حرام گوشت هستند.



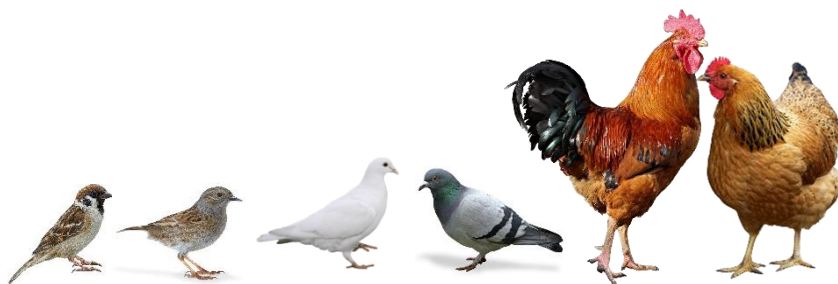


گوشت خرگوش و جوجه تیغی حرام است.

خوردن حشرات نیز حرام است.

### قسم سوم: پرندگان

خوردن گوشت مرغ خانگی و کبوتر و اقسام گنجشک حلال است.



شب‌پره (خفاش) و طاووس و جميع انواع کلاغ و هر پرنده‌ای که مثل شاهین و عقاب و باز چنگال دارد حرام است.





کشتن پرستو و هدهد و خوردن گوشت آنها مکروه است.

### قسم چهارم: چیزهای جامد

خوردن چیزهای نجس حرام است. خوردن چیزهای جامدی که مست کننده باشد حرام است. خوردن گل حرام است، و خوردن کمی از تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام که بیشتر از مقدار یک نخود متوسط نباشد برای استشفاء اشکال ندارد، و بهتر این است که تربت را در مقداری از آب - مثلاً - حل نمایند که مستهلک شود و بعد آن را بیاشامند.

### قسم پنجم: چیزهای مایع

آشامیدن شراب و غیر آن از مسکرات حرام است. و همچنین آشامیدن فحّاع و آشامیدن خون حرام است.

### رفتن به رستوران کفار

اگر به منزل یا رستوران کفار برویم، خوردن و آشامیدن مواد خوراکی آنها چه حکمی دارد؟

اگر از قبیل میوه و سبزیجات و حبوبات و آجیل و خشکبار و مانند اینها باشد،



تا زمانی که یقین یا اطمینان پیدا نکرده‌اید که کافر غیر اهل کتاب<sup>۱</sup> به آن دست تر زده باشد، پاک و خوردن آن حلال است.



و اگر غذای پخته و آماده باشد، چنانچه بدون گوشت باشد، تا زمانی که علم یا اطمینان به نجاست آن پیدا نکرده‌اید، خوردن آن حلال است.



و اگر غذایی باشد که گوشت دارد، خوردن آن غذا حرام است مگر این که بدانید از گوشتی استفاده شده که توسط مسلمانان ذبح شده است. و اگر گوشت

۱. غیر از یهودی و مسیحی

ماهی بوده، حکم آن در مسأله‌ی بعد می‌آید.



نسبت به نوشیدنی‌ها هم اگر از قبیل شراب و نبيذ و فقاغ و ديگر مواد مست‌کننده باشد، خوردن آن حرام است. و اگر غير از اينها باشد تا زمانی که علم یا اطمینان یا حجت شرعیه به نجاست آن پیدا نکرده‌اید نوشیدن آن حلال است.



خوردن گوشت ماهی و دیگر حیوانات دریایی در کشورهای

۲۶۹



غیر اسلامی چه حکمی دارد؟



خوردن گوشت ماهی پولک‌دار و میگو حلال است به شرط این که بدانید یا حجت شرعیه داشته باشید که



آن حیوان در بیرون از آب یا در تور ماهیگیری مرده است. ولی لازم نیست صیاد آن مسلمان باشد و خوردن گوشت حیواناتی مثل خرچنگ و صدف و هشت‌پا، حرام است.

در بسیاری از رستوران‌های کشورهای خارجی، مشروبات الکلی هم سرو می‌شود. رفتن ما به آن رستوران‌ها چه حکمی دارد؟



نشستن سر سفره‌ای که در آن شراب می‌خورند - اگر انسان یکی از آنها حساب شود - حرام، و چیز خوردن از آن سفره نیز حرام است! بنا بر این، اگر آن



رستوران به نحوی است که هر کس وارد آنجا شود یکی از شرابخواران حساب می‌شود - مثل آن که روی همه‌ی میزها شراب باشد - رفتن به آنجا

۱. نوشیدن شراب و غیر آن از مست‌کننده‌ها حرام است، و روایات در مذمت آن بسیار است، و در بعضی از آنها قریب به این مضامین وارد شده که: خداوند معصیت نشده به چیزی که شدیدتر از نوشیدن مست‌کننده باشد، و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سؤال شده: آیا نوشیدن شراب بدتر است یا ترک نماز؟ حضرت فرمود: نوشیدن شراب، برای این که شرابخوار در حالتی قرار می‌گیرد که پروردگار خود را نمی‌شناسد. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که: شراب سر هر گناهی است. و در بعضی از روایات نوشیدن شراب شدیدتر از زنا و دزدی شمرده شده است، و خداوند شراب را حرام کرده به علت این که أم‌الخبائث و سر هر شری است. شرابخوار عقل خود را از دست می‌دهد، پس پروردگار خود را نمی‌شناسد و هر معصیتی را مرتکب می‌شود و هر حرمتی را هتک، و هر رحم وابسته‌ای را قطع می‌کند و مرتکب هر فاحشه‌ای می‌شود.

و چیز خوردن در آن مکان حرام است. ولی اگر صرف ورود به آن رستوران مستلزم این عنوان نباشد، رفتن به آن رستوران حرام نیست.

آیا همین مقدار که بالای سر رستوران یا فروشگاه یا روی بسته بندی خوراکی‌ها مارک و علامت حلال زده باشند آن مواد

خوراکی برای ما حلال حساب می‌شود؟



صرف نوشتن اثری ندارد و باید به نحوی باشد که باعث یقین یا اطمینان انسان بشود. یعنی قرینه‌ای باشد که انسان مطمئن بشود آن مواد خوراکی طبق احکام اسلامی تولید و عرضه می‌گردد.



# نذر و قسم

## نذر زن بدون اذن شوهر

آیا زن می‌تواند بدون اجازه‌ی شوهر نذر نماید؟



اگر شوهر از نذر کردن زن جلوگیری نماید، زن نمی‌تواند - در صورتی که وفای به نذرش منافی با حق شوهر باشد - نذر کند، بلکه بدون اذن شوهر در این صورت نذر زن باطل است، و صحت نذر زن در مال خودش بدون اذن شوهر - در غیر حج یا زکات یا احسان به پدر و مادر یا صله‌ی ارحام - محل اشکال است.

قسم

آیا قسم خوردن زن بدون اجازه‌ی شوهر صحیح است؟




خیر؛ قسم زن بدون اجازه‌ی شوهر باطل است. و همچنین است قسم فرزند بدون اجازه‌ی پدر.






### سهم زوجه

زنی که شوهرش فوت شده، سهم ارث او از شوهرش چه مقدار است؟ **۲۷۴** 

اگر شوهر او فرزند نداشته باشد - نه از این زن و نه از زن دیگر - سهم او یک چهارم است. و اگر فرزند داشته باشد - چه از همین زن و چه از زن دیگر - سهم او یک هشتم است.

### ارث زوجه از زمین

آیا زن از زمین‌های شوهرش هم ارث می‌برد؟ **۲۷۵** 

زن از زمین خانه و باغ و زراعت و زمین‌های دیگر ارث نمی‌برد، نه از خود زمین و نه از قیمت آن.



## ارث زوجه از ساختمان و درخت

آیا زوجه از ساختمان و درخت هم ارث می برد؟



زن از خود هوایی خانه مانند بنا و درخت ارث می برد، ولی اگر بقیه ی ورثه قیمت بنا و درخت را بخواهند بدهند، باید زن قبول کند، و همچنین است حکم درخت و زراعت و ساختمانی که در زمین باغ و زراعت و زمین های دیگر است.

# دیات

## دیه ی زن نصف دیه ی مرد

در چه مواردی دیه ی زن نصف دیه ی مرد است؟



دیه ی قتلِ زن نصف دیه ی قتلِ مرد است، ولی دیه ی غیر قتل - مانند قطع عضو یا شکستن یا جراحت - اگر کمتر از یک سوم دیه ی قتل باشد، زن و مرد در مقدار دیه با هم مساوی هستند، ولی اگر به اندازه ی یک سوم یا بیشتر شد، دیه ی زن نصف دیه ی مرد است.

## دیه ی سقط جنین

دیه ی سقط جنین چقدر است؟



سقط جنین حرام است و دیه دارد و مقدار آن عبارت است از:

- ۱- تا چهل روز اول، بیست دینار
- ۲- از چهل روز تا هشتاد روز، چهل دینار
- ۳- از هشتاد روز تا صد و بیست روز، شصت دینار

و دیه در بین این مراتب به همین حساب تقسیم می‌شود (هر دوروز یک دینار).

۴- بعد از آنکه دارای استخوان شد، هشتاد دینار

۵- بعد از آنکه گوشت پیدا کرد، صد دینار

۶- اگر روح در آن دمیده شد، اگر پسر باشد، هزار دینار؛ و اگر دختر باشد، پانصد دینار

دیه ی سقط جنین بر عهده‌ی چه کسی می‌باشد؟



دیه بر عهده‌ی کسی است که متصدی عمل سقط جنین بوده. پس، اگر مادر با خوردن قرص، بچه را سقط کرده، بر عهده‌ی مادر است، و اگر دکتر با زدن آمپول، بچه را سقط کرده، بر عهده‌ی دکتر است.

دیه ی سقط جنین به چه کسی باید پرداخت شود؟



اگر مادر متصدی سقط جنین شده، دیه‌ی آن را به پدر یا در صورت فقدان پدر، به سایر ورثه بپردازد. و اگر پدر متصدی آن شده، باید دیه را به مادر بدهد. و اگر شخص دیگری متصدی آن شده، باید دیه را به پدر و مادر بدهد. و به عبارت دیگر، هر کس مباشر در سقط است، دیه به او نمی‌رسد. و باید دیه به طبقه‌ی بعد داده شود. و اگر پدر و مادر به سقط جنین راضی باشند هرچند مباشر در سقط نباشند، احتیاط واجب این است که دیه به طبقه‌ی بعد داده شود و پدر و مادر دیه را نگیرند.

# مسائل پزشکی

## اهدای عضو

حکم گرفتن کارت اهدای عضو در صورت مرگ مغزی چیست؟

۲۸۱



اهدای عضو مرگ مغزی جایز نیست و باید او را به هر نحوی که شده حفظ نمایند.

## وارد کردن تخمک

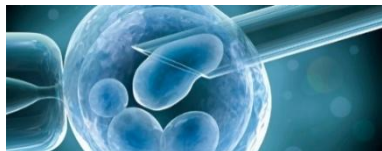
اگر زنی توانایی بچه دار شدن را نداشته باشد و پزشکان

۲۸۲



تنها راه بچه دار شدن او را گرفتن تخمک از زنی دیگر بدانند، آیا

زن می تواند این تخمک را از زن دیگر بگیرد؟



وارد کردن تخمک زن به رحم زن دیگر به منظور بچه دار شدن به واسطه ی نزدیکی با شوهر خود جایز نبوده و حرام است.

### وارد کردن اسپرم غیر شوهر

آیا قرار دادن منی یک مرد در رحم زنی که همسر او نیست  
 ۲۸۳ ؟  
 شرعاً جایز است؟

در فرض سؤال، حرام است.

### رحم اجاره‌ای

تلقیح اسپرم و تخمک زوجین و انتقال آن به رحم زن  
 ۲۸۴ ؟  
 دیگری که با صاحب اسپرم رابطه زوجیت ندارد چه حکمی دارد؟  
 حرام است.

### عقیم کردن

اگر کسی خود را عقیم کند، چه حکمی دارد؟  
 ۲۸۵ ؟  
 عقیم کردن دائمی حرام است.

### کسی که نمی‌تواند از خروج بول و غائط جلوگیری کند

در این مسأله، باید به دو حکم توجه نمود. یکی حکم وضو و دیگری، حکم طهارت بدن و لباس.



**وضو:**

اگر بیماری انسان به گونه ای است که بولش قطره قطره می ریزد یا نمی تواند از بیرون آمدن غائط جلوگیری کند، چنانچه یقین دارد که از ابتدای وقت نماز تا آخر آن، به مقدار وضو گرفتن و نماز خواندن مهلت می یابد، باید وضو و نماز را در وقتی که مهلت پیدا می کند، انجام دهد. و اگر مهلتش به اندازه ی انجام واجبات وضو و نماز است، باید در هنگام مهلت یافتن، فقط واجبات وضو و نماز را انجام دهد و مستحبات آنها را ترک نماید. و اگر به اندازه ی وضو و نماز، مهلت پیدا نمی کند و در بین نماز، یک یا چند دفعه، بول و غائط خارج می شود، اگر همان نماز را با یک وضو بخواند کفایت می کند و یک وضو برای چند نماز او کافی است؛ مگر اینکه مُحدِّث به حَدِّث دیگری گردد. و لازم نیست بلافاصله بعد از وضو نماز بخواند.

**طهارت بدن و لباس:**

انسانی که بول او قطره قطره می ریزد، باید برای نماز، به وسیله ی کیسه ای که در آن پنبه یا چیز دیگری قرار دارد که از رسیدن بول به جاهای دیگر جلوگیری می کند، خود را حفظ نماید. و احتیاط واجب آن است که پیش از هر نماز، مخرج بول خود را که نجس شده، آب بکشد؛ مگر در صورتی که جمع ما بین ظهر و عصر یا مغرب و عشاء می نماید، شستن بین دو نماز لازم نیست.

و نیز کسی که نمی تواند از بیرون آمدن غائط جلوگیری نماید، چنانچه امکان دارد، باید به اندازه ی نماز، از رسیدن غائط به جاهای دیگر جلوگیری کند. و احتیاط واجب آن است که برای نماز، مخرج غائط را آب بکشد؛ مگر در صورتی که موجب حرج باشد.

همچنین، کسی که نمی تواند از بیرون آمدن بول یا غائط جلوگیری کند، در صورتی که ممکن باشد و موجب حرج نباشد، باید به مقدار نماز، از خارج شدن بول یا غائط



جلوگیری نماید. و در صورتی که بیماری او به آسانی درمان می شود، باید خود را  
معالجه نماید.

# مسائل متفرقه

## شرکت در دسته‌ی عزاداری

اگر دسته‌ی عزاداری حرکت کند و خانم‌ها آرام پشت سر آقایان حرکت کنند و مراعات حجاب و عفاف خود نمایند، چه حکمی دارد؟  
در صورتی که مراعات حجاب و عفاف خود را بنمایند اشکال ندارد.



## گشایش در امر ازدواج

برای حل مشکل ازدواج و پیدا شدن خواستگار خوب چه توصیه‌ای می‌فرمایید؟



دو رکعت نماز بخوانید، مانند نماز صبح. بعد از نماز، ۱۴ مرتبه صلوات بفرستید و بعد از آن ۱۰۰ مرتبه بگویید «اللَّهُمَّ خِزْلِي وَأُخْتَرْلِي» و بعد از آن، دوباره ۱۴ مرتبه صلوات بفرستید. إن شاء الله تعالی این نماز و دعای بعد از آن را در روزهای مختلف تکرار نمایید تا خداوند در امر ازدواج شما گشایش نماید.

**حکم رقص**

حکم رقصیدن چیست؟



رقصیدن زن در مقابل مرد، و مرد در مقابل زن حرام است. و رقصیدن زن در مقابل زن، و مرد در مقابل مرد بنا بر احتیاط واجب ترک شود، و فقط رقصیدن زن در مقابل شوهرش جایز است.

**عطر برای بانوان**

آیا خانم‌ها می‌توانند در خارج از منزل از عطر استفاده نمایند؟



اگر به صورتی باشد که بوی آن به نامحرم برسد، بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست.

**مجالس عروسی**

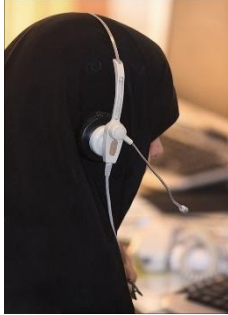
در مجالس زنانه‌ای (عروسی) که هیچ مردی حتی بچه ممبیز

در آن حضور ندارد، اگر روی میز بزنند و خانم‌ها برقصند، چه

حکمی دارد؟



زدن روی میز، فی نفسه، در مجلس عروسی زنانه در صورتی که به سر حد لهو و لعب نرسد مانعی ندارد، ولی رقصیدن بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست.



### اشتغال زنان

آیا خدمت کردن زنان و اشتغال ایشان

۲۹۱



در خارج از منزل جایز است؟

کار کردن به خودی خود با رعایت تمام موازین شرعی و عدم مزاحمت حق شوهر و منع او مانعی ندارد.

### رانندگی بانوان

رانندگی برای خانم‌ها چه حکمی دارد؟

۲۹۲



با رعایت تمام موازین شرعی  
- مثل حجاب و مانند آن -  
مانعی ندارد.

### رفتن به خانه یتیم

آیا رفتن به خانه یتیم به جهت مهمانی و یا سرزدن

۲۹۳



به ایشان و غذا خوردن در خانه او جایز است؟

باید از ولی ایشان اذن گرفته شود و در صورتی که اذن گرفتن از ولی ممکن نباشد، می‌تواند به خانه او رفته و غذا هم بخورد؛ به شرط این که این کار به مصلحت وی باشد. و اگر مصلحتی برای ایشان نداشته باشد، باید ضرری بر ایشان نداشته باشد و در عوض تصرفی که نموده، قیمت آن را به وی بپردازد. مثلاً آن را به عنوان هدیه به ایشان بدهد.

## کپی رایت



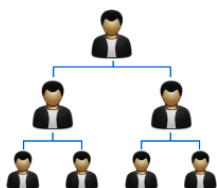
سؤال شده است که نظر معظم له پیرامون حقوق مالکیت فکری و معنوی - مانند حق تألیف و

۲۹۴

حق اختراع - و مواردی همچون تولید بسته‌های نرم‌افزاری چیست؟

بنابر احتیاط واجب، استنساخ و بهره‌برداری از این قبیل موارد از آثار دیگران، در صورتی که صاحب آن حق، محترم‌المال<sup>۱</sup> باشد باید با اجازه‌ی صاحب اثر باشد و بنابر احتیاط واجب، بدون اجازه‌ی صاحب اثر جایز نیست و موجب ضمان است.

## بازاریابی شبکه‌ای



آیا بازاریابی شبکه‌ای صحیح است؟

۲۹۵

بازاریابی شبکه‌ای، بنابر احتیاط واجب، صحیح نیست و در این احتیاط واجب، نمی‌شود به مجتهد دیگر رجوع نمود.

## شرط سود دیر کرد

شرطی ضمن یک عقد بیع منعقد شده که فروشنده متعهد می‌گردد در صورتی که خریدار نتواند قسمتی از ثمن را از بانک وام بگیرد، بایع شخصاً آن مبلغ را با سود بانکی به مشتری وام داده و عملاً بخشی از ثمن را به صورت اقساط به علاوه‌ی سود بگیرد، آیا شرط مذکور صحیح و لازم‌الوفاء است یا باطل و مبطل عقد؟

۲۹۶

این شرط باطل است ولی مبطل عقد نیست.

۱. مال مسلمان و کافری که در پناه اسلام است، محترم می‌باشد.

## معلوم نکردن مدت اجاره

**۲۹۷** در قرارداد اجاره‌ی مغازه یا منزل، شخص اجاره‌دهنده (موجر) و مستأجر با هم قرار گذاشته‌اند که تا هر وقت مستأجر خواست آن را در هر ماه یا در هر سال به مقدار معینی اجاره نماید، آیا این اجاره صحیح است؟

اگر مدت اجاره را معلوم نکند و بگوید تا هر وقت در خانه نشستی اجاره‌ی آن ماهی یا سالی فلان مقدار است، اجاره در غیر ماه اول یا سال اول صحیح نیست. و اگر در اجاره قرار بگذارند که مثلاً شبی ۵۰۰۰ تومان بدهند - چنان که در مورد مسافرین و زوآر متعارف است - چون مدت اجاره را معلوم نکرده‌اند، اجاره نسبت به غیر از شب اول صحیح نیست و صاحب خانه، بعد از شب اول، هر وقت بخواهد می‌تواند آن‌ها را بیرون کند، ولی بعد از شب اول، با رضایت صاحب خانه، استفاده از منزل اشکال ندارد و در غیر شب اول، باید اجرة المثل پرداخت گردد؛ مگر این که مستأجر به بیشتر راضی بشود یا اجاره‌دهنده به کمتر رضایت دهد.

## وکالت به همسر

**۲۹۸** مردی به عنوان شرط ضمن عقد، به همسرش وکالت داده که اگر بدون اجازه‌ی او ازدواج مجدد نماید، زن وکیل در طلاق باشد. اکنون اگر مرد به علت نشوز زن، با اخذ مجوز از دادگاه، ازدواج نماید، آیا شرط ضمن عقد مبنی بر وکالت زوجه در طلاق به لحاظ تخلف زوج از آن شرط محقق می‌شود؟

در صورتی که در ضمن عقد، زوجه شرط وکالت بر طلاق کرده و وکالت بلاعزل در طلاق از همان حین عقد محقق شده است، لکن طلاق در صورت ارتکاب

اموری مثل ازدواج مجدد است، در این صورت، مرد نمی‌تواند همسر خود را از وکالت عزل کند و اگر زن طلاق داد، طلاقش صحیح است؛ اگرچه ازدواج مجدد مرد به علت نشوز زن بوده است. ولی وکالت زن در طلاق صحیح بوده است.

### صرف وام در غیر موردش

آیا می‌توان وام مسکن را در غیر مورد مسکن استفاده کرد



یا وام خودرو را در مورد دیگری مانند خرید زمین بکار برد؟

خیر؛ باید در همان جهتی که معین شده مصرف شود.

### وام با کارمزد

آیا گرفتن وام با ۴٪ اشکال دارد؟ شرایط گرفتن وام بدون



اشکال چیست؟

اگر کسی که قرض می‌دهد شرط کند که زیادتر از مقداری که می‌دهد بگیرد – به عنوان مثال، یک من گندم بدهد و شرط کند که یک من و ۵ سیر بگیرد، یا ۱۰ عدد تخم مرغ بدهد که ۱۱ عدد بگیرد – در این صورت، ربا و حرام است؛ بلکه، اگر قرار بگذارد که بدهکار کاری برای او انجام دهد یا چیزی را که قرض کرده با مقداری جنس دیگر پس دهد – به عنوان مثال، شرط کند یک تومانی را که قرض کرده با یک کبریت پس دهد – در این صورت نیز ربا و حرام است. و نیز اگر با او شرط کند که چیزی را که قرض می‌گیرد به طور مخصوصی پس دهد – مثلاً مقداری طلای نساخته به او قرض بدهد و شرط کند که ساخته پس بگیرد – در این صورت، باز هم ربا و حرام است. ولی اگر بدون این که شرط کند، خود بدهکار زیادتر از آن چه قرض کرده پس بدهد، اشکال ندارد؛ بلکه این عمل مستحب است. و ربا دادن مثل ربا گرفتن حرام است.





**۳۰۱** در صندوق قرض الحسنه‌ی اداره، مبلغ ثابتی هر ماه با اجازه‌ی کتبی از فرد از حقوق اعضا کسر شده و به حساب صندوق به عنوان قرض الحسنه جهت صرف در امور قرض الحسنه و فعالیت‌های اقتصادی واریز می‌شود و هر ماه به تعدادی از اعضا، به قید قرعه، مبلغ ثابتی به عنوان قرض الحسنه پرداخت می‌شود. هر فرد برای استفاده از تسهیلات صندوق باید عضو صندوق بوده و مبلغ مشخص شده هر ماه از حقوق وی کسر و به حساب صندوق واریز شود. ولی حساب مبلغی که هر ماه به صندوق واریز می‌شود و وامی که فرد دریافت می‌کند کاملاً مجزاً است و هر موقع بخواهد امکان تسویه هر کدام وجود دارد. آیا باز هم این سیستم وام دهی دارای پیش شرط است و مشکل دارد؟

این قرض، قرض ربوی است و جایز نیست و همچنین اصل این چنین قرض‌هایی به قید قرعه مشکل است.

### صندوق‌های خانگی

**۳۰۲** حکم صندوق‌های قرعه‌کشی خانگی که هر ماه، مبلغ جمع‌آوری شده را به یکی از اعضا می‌دهند، چیست؟  
گذاشتن پول در این صندوق‌ها به شرط این که آن‌ها را در قرعه‌کشی شرکت دهند، جایز نیست.

### خالکوبی

**۳۰۳** حکم خالکوبی (تاتو) چیست؟  
با پنج شرط حرام نیست:

۱. بر روی پوست ایجاد جرمی نکند که مانع وضو و غسل و تیمم باشد.
۲. نوشته یا تصویری نباشد که شرعاً حرام باشد (مثل خالکوبی صلیب که حرام است).
۳. اگر زینت است (مثل تاتوی ابرو برای زن) در مقابل نامحرم پوشانده شود.
۴. اگر این کار، او را از گرفتن وضو یا انجام غسل به صورت عادی (غیر جبیره) حتی برای یک نماز هم محروم نکند!
۵. بنا بر احتیاط واجب، اسماء متبرکه نباشد.

### حق المارّه

حکم خوردن میوه‌های درخت یا باغی که انسان از کنار آن



عبور می‌کند چیست؟

با پنج شرط، خوردن آن میوه‌ها اشکال ندارد:

- ۱- بنا بر احتیاط واجب، خوردن آن میوه‌ها برای آن شخص ضرورت عرفیه داشته باشد (مثل اینکه گرسنه یا تشنه باشد).
- ۲- درخت یا شاخه یا میوه‌های درخت و مانند آن را فاسد نکند (مثلاً شاخه‌های آن را نشکند یا برای خوردن چند میوه، بقیه‌ی میوه‌ها را له نکند).
- ۳- فقط به اندازه‌ی خوردن میوه‌ها در همان وقت می‌تواند از آنها استفاده نماید و نمی‌تواند چیزی از آن میوه‌ها را همراه خود ببرد.
- ۴- دور آن درخت یا باغ دیوار یا حصار نباشد.
- ۵- انسان علم به عدم رضایت صاحب درخت یا باغ نداشته باشد. پس اگر می‌داند که صاحب درخت یا باغ راضی به خوردن میوه‌های آن نیست، خوردن آن میوه‌ها حرام است؛ هرچند که سایر شرایط مذکور را داشته باشد.

۱. پس اگر جای آن زخم شود و بگویند مثلاً تا سه روز نباید آب به محل زخم برسد، این کار جایز نیست (مگر برای زن هنگامی که در ایام عادت خود باشد).



۳۰۵ اگر میوه‌های درخت دیگران

روی زمین ریخته باشد، آیا می‌توانیم

آنها را برداشته و بخوریم؟

با رعایت شرایطی که در سؤال قبل بیان شد

اشکالی ندارد. و در این مسأله، فرقی میان میوه‌های روی درخت و میوه‌هایی که بر زمین ریخته نیست.

۳۰۶ اگر انسان مسیر خود را از ابتدا طوری انتخاب کند که از

کنار درخت یا باغ دیگران بگذرد، آیا باز هم می‌تواند از میوه‌های

آن استفاده نماید یا الزاماً باید به صورت اتفاقی به درخت یا باغی

برخورد کرده باشد؟

چنانچه از همان اول هم قصد داشته که از کنار درخت یا باغ دیگران بگذرد

– با رعایت شرایطی که قبلاً بیان شد – می‌تواند از میوه‌های آن استفاده نماید.

۳۰۷ اگر شاخه‌ی درخت از خانه یا باغی به بیرون و یا خانه یا

باغ همسایه رفته باشد، حکم خوردن میوه‌های آن چیست؟



خوردن میوه‌های آن

حرام است؛ مگر

این که بداند صاحب

آن راضی است.



آیا میوه‌های جالیز (مثل هندوانه، خربزه و خیار و ...) هم



حکم درخت و باغ را دارد؟ یعنی می‌توان - با رعایت شرایط ذکر

شده - از محصولات آن استفاده نمود؟



خیر. حکم مذکور فقط در مورد نخل خرما و درخت جاری می‌شود.